۴



عوامل اثرگذار بر وفاق اجتماعی

رضا رمضان نرگسی

بسم الله الرحمن الرحیم

عوامل اثرگذار بر وفاق اجتماعی

نویسنده:

رضا رمضان نرگسی

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

عوامل اثرگذار بر وفاق اجتماعی

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : عوامل اثرگذار بر وفاق اجتماعی/رضا رمضان نرگسی

مشخصات نشر : قم: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۶.

مشخصات ظاهری : ۱۱۲ ص.

فروست : مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما؛ ۱۲۲۰. ویژه اتحاد ملی و انسجام اسلامی؛۴

وضعیت فهرست نویسی : در انتظار فهرستنویسی (اطلاعات ثبت)

شماره کتابشناسی ملی : ۲۵۰۳۷۱۴

ص:۱

اشاره

رمضان نرگسی، رضا، ۱۳۴۷

عوامل اثرگذار بر وفاق اجتماعی / رضا رمضان نرگسی؛ [برای] مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما. ــ ــ (مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما؛ ۱۲۲۰)

ISBN ۹۷۸-۹۶۴-۵۱۴-۰۸۷-۶۱۲۰۰۰ ریال:

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

کتابنامه: ص. [۱۰۷] ــ ۱۱۲؛ همچنین به صورت زیرنویس.

۱. وفاق اجتماعی ــ ــ جنبه های مذهبی ــ ــ اسلام. ۲. اسلام و اجتماع. ۳. ایران ــ ــ اوضاع اجتماعی. الف. صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما. ب . عنوان.

BP۹ع ۸ر/۲۳۰

۴۸۳/۲۹۷

عوامل اثرگذار بر وفاق اجتماعی

کد: ۱۲۲۰

نویسنده: رضا رمضان نرگسی

تهیه کننده و ناشر: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

چاپ: زلال کوثر

نوبت چاپ: اول / آذر ۱۳۸۶

شمارگان: ۱۴۰۰

بهاء: ۱۲۰۰ ریال

نشانی: قم، بلوار امین، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پست الکترونیکی: Email:IRC@IRIB.ir

تلفن: ۲۹۱۹۶۷۰ _ ۰۲۵۱ دورنگار: ۲۹۱۵۵۱۰

شابک: ۶ _ ۰۸۷ _ ۵۱۴ _ ۹۶۴ _ ۹۷۸ ISBN:۹۷۸-۹۶۴-۵۱۴-۰۸۷-۶

ص:۳

دیباچه

یکی از مباحث مهم در ساحت علوم اجتماعی و به ویژه در جامعه شناسی دینی، بررسی نقش دین در ایجاد پیوند و وفاق اجتماعی است. اهمیت این مسئله از آن روست که پس از قرون وسطی و رنسانس علمی در مغرب زمین و شکوفایی علم و هجوم همه جانبه بر ضد دین و باورهای دینی، برخی از اندیشمندان تلاش گسترده ای را برای بیرون راندن آن از عرصه زندگی اجتماعی و محدود ساختن آن به حوزه فردی آغاز کردند. اینان می خواستند ثابت کنند که دین در ایجاد وفاق اجتماعی نقش اساسی ندارد.

این در حالی است که آموزه های دینی اسلام بر ایجاد وفاق اجتماعی تأکید دارد و در این راستا همه مسلمانان را «امت واحد» نامیده است. این امر به روشنی دلالت دارد بر این که دین توانایی هدایت انسان ها برای یک هدف واحد را دارد. ازاین رو می توان گفت که پایدارترین وفاق اجتماعی، توافقی است که مبتنی بر دین و باورهای دینی باشد. البته گفتنی است که جدای از دین ، نقش عواملی دیگر مانند، ارزش ها، فرهنگ، زبان، احساسات ملی و پیوندهای نژادی و خویشاوندی را در وفاق اجتماعی نمی توان نادیده گرفت.

پژوهش پیش رو، کوششی است در راستای بررسی عوامل ایجاد پیوند و وفاق اجتماعی به صورت عام و بررسی عوامل مهم وفاق اجتماعی در ایران به صورت خاص. با تشکر و قدردانی از تلاش های علمی نویسنده محترم، جناب آقای رضا رمضان نرگسی در نگارش این اثر، امید است مورد توجه و استفاده اصحاب رسانه ملی قرار گیرد.

انه ولی التوفیق

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

ص:۶

پیشگفتار

وفاق اجتماعی و گسست اجتماعی همیشه از دغدغه های اصلی مصلحان اجتماعی و دل سوزان جامعه بوده است. ازاین رو، پیامبران، مصلحان و دانشمندان راستین همواره کوشیده اند تا رشته های هم بستگی و وفاق را در جامعه مستحکم سازند. جامعه شناسان نیز به وفاق اجتماعی نظر داشته و اقسام آن را برشمرده اند، ولی از معرفی الگوی مناسب برای وفاق اجتماعی ناتوانند. آنها تنها می توانند هم بستگی های موجود را برشمارند که هرکدام با توجه به شرایط اجتماعی، زمانی و مکانی، دارای کارکرد ویژه ای بوده اند.

آیا می توان بهترین شکل هم بستگی اجتماعی را معرفی کرد؟ هم بستگی اجتماعی در کامل ترین شکل، چه ویژگی هایی دارد؟ آیا شکل جدید هم بستگی اجتماعی، مناسب است؟ چگونه می توان از پی آمد های ناخوشایند وضعیت موجود جلوگیری کرد؟ جامعه شناسان کوشیده اند به برخی از این پرسش ها پاسخ دهند، ولی تجربه نشان داده که تلاش های آنها موفق نبوده است. از نظر فن آوری، جوامع به هم نزدیک تر شده اند، ولی از نظر روانی از هم فاصله گرفته اند و انواع گسست های اجتماعی آشکارا به چشم می آید.

انسان امروز، به دلیل غلبه اندیشه های اومانیستی از تعیین الگوی کاملی برای وفاق و هم بستگی اجتماعی ناتوان است. بشر، خود را از وحی بی نیاز

دانست و کوشید بدون کمک وحی با بهره مندی از استعداد های خدادادی خود بر طبیعت چیره شود، ولی، تنها از درک اینکه چه چیز سبب سعادت و رفاه واقعی انسان ها می شود، ناتوان است. هرچه بشر را بیشتر به خود وانهادند، بیشتر در حیرت و سرگردانی معنوی و روانی فرو رفت. با همه تلاش دانشمندانی چون دورکیم برای معرفی راه کار ایجاد هم بستگی اجتماعی در جوامع مدرن، باز انواع ناهنجاری های اجتماعی رواج یافت.

بنابراین، در رفع این کاستی باید سراغ وحی و منابع تفسیر رفت و آب رفته را به جوی بازگرداند. این پژوهش، تلاشی برای کشف علل و عوامل وفاق و هم بستگی اجتماعی از دیدگاه دین اسلام است تا با بهره مندی از منابع غنی اسلامی بتوانیم جامعه ای بسازیم که در آن، درگیری ها و نابه سامانی اجتماعی کنونی وجود نداشته باشد.

فصل اول: کلیات

اهمیت و ضرورت پژوهش

قرآن مجید، تألیف قلوب و وفاق اجتماعی را نعمت بزرگ، برای قوم پیامبر برمی شمارد:

وَ اذْکُرُوا نِعْمَتَ اللّهِ عَلَیْکُمْ إِذْ کُنْتُمْ أعْداءً فَألّـَفَ بَیْنَ قُلُوبِکُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْواناً. (آل عمران:۱۰۳)

نعمت خدا را به یاد آورید آن گاه که دشمنان] یکدیگر[بودید. پس میان دل های شما الفت انداخت تا به لطف او برادران هم شدید.

ما نیز در دهه اول انقلاب اسلامی این موضوع را آشکارا دیده ایم، به گونه ای که با وجود توفان هایی که هرکدام به تنهایی برای نابودی یک جامعه کافی بود، ملت ما در سایه این نعمت بزرگ، به راحتی و در کمال سربلندی بر دشمنانش پیروز شد. با وجود محاصره اقتصادی و بسته شدن راه های فروش نفت، مردم ما نسبت به سال های بعد با مشکلات کمتری روبه رو شدند، ولی گاهی نزاع و کشمکش میان گروه های اجتماعی به اندازه ای افزایش می یابد که کیان و هستی ملت تهدید می شود و دشمن به طمع می افتد.

ازاین رو، ضروری است با تأکید بر معیارهای قرآنی، به جست وجوی عواملی بپردازیم که زمینه وفاق و هم بستگی اجتماعی ایده آل را فراهم می سازد تا با تقویت این عوامل بتوانیم گامی کوچک در راه تحقق آن برداریم.

پرسش های پژوهش

۱. از نظر اسلام، عوامل اصلی تقویت و تهدید هم بستگی اجتماعی چیست؟

۲. روابط خانوادگی چه اثری بر وفاق اجتماعی دارد؟

۳. نظر اسلام در باره روابط افراد در درون خانواده چیست؟

۴. نظر اسلام در باره روابط گروه های اجتماعی چیست؟

فرضیه پژوهش

ــریمون کیوی ــــبر این باور است که فرضیه با الهام از تفکری تئوریک و بر پایه شناخت مقدماتی پدیده موضوع مطالعه، بیانگر استنباطی مستدل درباره رفتار اشیای واقعی مطالعه شده است.(۱) هر فرضیه دارای دو نکته اساسی است: اول اینکه فرضیه از تفکری تئوریک، الهام می گیرد. دوم اینکه فرضیه بر پایه شناخت مقدماتی پدیده موضوع مطالعه به وجود می آید.

با توجه به این تعریف، فرضیه اصلی این تحقیق را می توان این گونه بیان کرد: فراگیرشدن ارزش های اسلامی با رویکرد شیعی و ارزش های ملی. موافق با اسلام در کشور ما سبب تقویت وفاق اجتماعی خواهد شد. دستورهای اجتماعی اسلام (به ویژه بحث های مربوط به صله رحم و حقوق

۱- [۱] . ریمون کیوی، روش تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه: عبدالحسین نیک گهر، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۷۰، چ ۱، صص ۱۱۱و۱۱۲.

مسلمانان بر یکدیگر) موجب فراگیر شدن ارزش های اسلامی و در نتیجه، تقویت وفاق اجتماعی می شود. عکس این ماجرا نیز صادق است؛ یعنی هرگاه ارزش های اسلامی با رویکرد شیعی و ارزش های ملی موافق با اسلام در کشور ما به دلیل عواملی (اعم از منابع ارزشی و محیطی بیرونی و درونی) تضعیف شوند، وفاق اجتماعی نیز آسیب خواهد دید.

پیشینه پژوهش

جامعه شناسان درباره هم بستگی اجتماعی بحث های مفصلی را مطرح کرده و در باره عوامل تهدید و تقویت کننده هم بستگی ایرانیان بسیار نوشته اند،(۱) ولی در زمینه هم بستگی اجتماعی از نظر اسلام، کار چندانی صورت نگرفته است یا دست کم ما به آن دست نیافتیم.

اهداف پژوهش

در این پژوهش درصدد جست وجو و معرفی علمی عوامل تقویت و تهدید وفاق اجتماعی از نظر اسلام و وضعیت وفاق اجتماعی در ایران امروز هستیم. بنابراین، با بهره مندی از احادیث و دیگر منابع دینی همچون تفسیرها، در پی تبیین عوامل وفاق اجتماعی هستیم. این بخش می تواند برای سیاست گذاران و مسئولان فرهنگی و کنترل نظم اجتماعی جامعه راه گشا باشد تا عواملی را بشناسند که هم بستگی اجتماعی را تأمین می کنند و با تأکید بر به کارگیری استراتژی تکثر فرهنگی، با محور قرار دادن ارزش ها، باورها،

۱- [۱] . برای نمونه می توان از کتاب عوامل تقویت و تهدیدگر هم بستگی در ایران از عبدالرسول یعقوبی، قم، مؤسسه امام خمینی(ره)، ۱۳۸۳ نام برد.

هنجارها و احساسات مشترک جامعه و رفع زمینه هایی که به گونه ای هم بستگی و یک پارچگی جامعه را تهدید می کند، به هم بستگی مطلوب دست یابند.

هدف از مطالعه وضعیت وفاق اجتماعی در ایران امروز این است که گروه های سیاسی ـ اجتماعی موجود در جامعه و حتی صاحبان خرده فرهنگ های غیردینی، مرزهای فعالیت خود را بشناسند و بدانند تا چه اندازه می توانند بر باور ها، ارزش ها و هنجارهای خرده فرهنگ خود، بدون عنایت به ارزش های مشترک جامعه اصرار ورزند.

روش پژوهش

چون هدف این پژوهش، بررسی عوامل تهدیدگر و تقویت کننده وفاق اجتماعی از نظر اسلام در ایران است، سطح تحلیل پژوهش، کلان و واحد بررسی آن، جامعه خواهد بود.

متناسب با موضوع این پژوهش، روش تحقیق، توصیفی ـ تحلیلی است.

روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش، کتاب خانه ای است که در آن هم از منابع دست اول چون کتاب های اربعه و هم از منابع دست دوم استفاده شده است. تنها در موردهایی که با محدودیت روبه رو بوده ایم، از منابع دست سوم سود جسته ایم.

بنابراین، تلاش بر این است که با رویکردی جامعه شناختی و بهره مندی از داده های دینی، عوامل وفاق اجتماعی از نظر اسلام را بیان کنیم و بگوییم چه عواملی اعم از ارزشی و اجتماعی سبب می شود تا هم بستگی اجتماعی مسلمانان، تهدید یا تقویت شود.

مفهوم شناسی

۱. وفاق اجتماعی

مراد ما در این پژوهش از وفاق اجتماعی همان هم بستگی اجتماعی است که معادل آن در زبان لاتین Social Solidarity بوده(۱) و به معنای وحدت،(۲) وفاق(۳) و وفاداری(۴) ناشی از علایق، احساسات و هم دلی است.(۵) برخی بر این باورند که واژه وفاق اجتماعی با واژه پیوستگی اجتماعی،(۶) مترادف است(۷) و بـا واژه های دیگری چون یک پارچگی اجتماعی،(۸) وحـدت و نظم اجتماعی،(۹) هم خـانواده است. بـا وجود قرابت معنـایی، هر یـک دارای حوزه معنـایی خـاص و از نظر منطقی مرتبـط بـا یکدیگرنـد. به دست آوردن معـانی دقیق این مفـاهیم و ارائه تعریف های روشن از همه این واژه ها، در این مختصـر نمی گنجد. بنابر این، به تعریف واژه وفاق اجتماعی بسنده می کنیم.

ـآلن بیروـ، وفاق اجتماعی را چنین معنا می کند:

۱- [۱] . آلن بیرو، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه: باقر ساروخانی، تهران، کیهان، ۱۳۷۰، چ۲، ص ۴۰۰ .

۲- [۲] . Unity .

۳- [۳] . agreement.

۴- [۴] . Support .

۵- [۵] . . A.S Hornby, Oxford advance learner's Dictionary -.of solidarity. Fifth edition. ۱۹۹۸ Entry.

۶- [۶] . Social Cohesion .

۷- [۷] B. Bhushan Dictionary of Sociology Reprint ۱۹۹۲, Page ۲۹۹ and Allan G. johnson theblackwell Dictionary of Sociology first published ۱۹۹۵, Page ۲۱۷ and Gould And kolb. A Dictionary of the Social Science first published in Britania in ۱۹۶۴ Page ۶۸۴.

۸- [۸] . Social Integration .

۹- [۹] . Social order .

احساس مسئولیت متقابل بین چند نفر یا چند گروه که از آگاهی و اراده برخوردار باشند. همچنین وفاق می تواند شامل پیوندهای انسانی و برادری بین انسان ها به طور کلی یا حتی وابستگی متقابل حیات و منافع آنها باشد.(۱)

جولیوس گولد و _ویلیام ل. کولب_، واژه وفاق(۲) اجتماعی را مترادف انسجام(۳) اجتماعی دانسته اند و آن را این گونه تعریف می کنند:

وفاق اجتماعی به معنای صف بندی نزدیک(۴) اجزای یک جمع، در راستای اصطلاح رایج تر یک پارچگی(۵) به کار می رود. جامعه شناسان از این مفهوم برای نشان دادن کیفیت یگانگی(۶) در یک جمع استفاده کرده اند.(۷)

برخی وفاق اجتماعی را چنین معنا می کنند: «علقه و پیوند میان افراد جامعه بر مبنای فرهنگ مشترکشان که در یک میدان تعاملی، موجد عواطف و احساسات است».

با نگاهی به این تعریف ها درمی یابیم که وفاق اجتماعی عبارت است از: «توافق با افرادی که در یک نظام اجتماعی همکاری می کنند و به دلیل هنجارها، ارزش ها، باورها و ساختارهای آن، احساس نزدیکی دارند و به حمایت آن وابسته اند».

۲. وجدان جمعی

برخی جامعه شناسان، وجدان جمعی را به معنای داوری جمعی دانسته اند که از مجموعه باورها، نگرش ها و احساسات مشترک در میانگین افراد یک جامعه، واحد دستگاه معینی را تشکیل می دهد که حیات خاص خود را دارد. این دستگاه را می توان وجدان جمعی یا عمومی نامید. البته این دستگاه بر

۱- [۱] . فرهنگ علوم اجتماعی ، ص ۴۰۰ .

۲- [۲] . Solidarity .

۳- [۳] . Cohesion .

۴- [۴] . Close Akignment.

۵- [۵] . Integration .

۶- [۶] . Unitry .

۷- [۷] . Gould And Kolb .ibid, p ۶۸۴.

بستر مـادی واحـدی اسـتوار نیست و اساساً در گستره جامعه پراکنـده است.(۱) وجـدان جمعی در برابر وجـدان فردی، بیـانگر حـالت هـای مشترک جـامعه بوده و در اجتمـاع پراکنـده است که با تغییر نسل ها عوض نمی شود، بلکه عامل پیونـد نسل های آینده و گذشته است.(۲)

محورهای اصلی وجدان جمعی

وجدان جمعی بر مبنای چهار عنصر استوار است که عبارتند از: حجم؛ شدت؛ تعین و محتوای مذهبی. باید دانست این عنصرها تغییر می یابند.

حجم، درجه ای است که ارزش ها، باورها و قوانین وجدان جمعی، میان اعضای جامعه تقسیم می شود. (۳) شدت، گستره ای است که وجدان جمعی قدرتی جهت هدایت افکار و فعالیت های یک فرد دارد.(۴)

تعیّن، درجه صـراحت اجزای وجـدان جمعی و محتوای مربوط به نسبـت مـذهبی به نمـادگرایی کاملاً مادی در وجـدان جمعی است.(۵)

دربـاره محتـوای مـذهبی بایـد گفت وجـدان جمعی در دین هـای گونـاگون، متفـاوت است. ادیـان الهی از زیربنـای فلسـفی و اسـتدلال های منطقی برخوردارنـد و دارای وجدان جمعی محکم تری هسـتند. برخی از ادیان نیز با عقل ناسازگارند و در ذات خود تنـاقض دارنـد، ماننـد مسیحیت یـا دین هـایی که تنها از عادت ها و سـنت ها سرچشـمه گرفته انـد مثل ادیان ابتـدایی که وجدان جمعی سست و شکننده ای دارند.

۱- [۱] . امیل دورکیم، درباره تقسیم کار اجتماعی ، ترجمه: باقر پرهام، بابل، نشر کتاب سرای بابل، ۱۳۶۹، چ۱، ص ۹۲.

۲- [۲] . همان، ص ۱۱۹ .

۳- [۳] . جاناتان اچ ترنر، پیدایش نظریه جامعه شناسـی ، ترجمه: عبدالعلی لهسایی زاده، شیراز، فرهنگ، ۱۳۷۱، چ۱، ج ۲، ص ۹۳.

۴- [۴] . همان.

۵- [۵] . همان.

انواع وفاق اجتماعی

وفاق اجتماعی با توجه به نظم اجتماعی شکل می گیرد. هرگاه نظم اجتماعی، بیرونی یا نظم سیاسی باشد، وفاق اجتماعی شکل گرفته در این نوع نظم اجتماعی، غیرطبیعی و تصنعی است و هرگاه نظم اجتماعی، درونی باشد، نظم اجتماعی وفاقی یا طبیعی شکل می گیرد.

در وفاق اجتماعی غیرطبیعی، نظم اجتماعی بیرونی و از بالا و با پشتوانه قدرت مستقر می شود. اعضای جامعه در این نظم، با توجه به منافع خود به سازگاری بیرونی تن می دهند. در چنین نظمی، وفاق اجتماعی بسیار ضعیف و شکننده است. به طریق اولی، در این نوع وفاق، اعتماد اجتماعی متقابل و تعهد درونی و وابستگی عاطفی تعمیم یافته، ضعیف است یا وجود ندارد. در این نوع جوامع، پی آمدها و تداوم نظم سیاسی بالقوه، شکننده و محدود است. از یک سو، در برابر دگرگونی های اقتصادی و سیاسی خارجی، آسیب پذیر است و از سوی دیگر، پیرو تغییر منافع سیاسی و اقتصادی داخلی است. در جوامعی که وفاق اجتماعی پیرو نظم سیاسی و بیرونی است، همواره نظم سیاسی با نوعی نامشروع بودن مزمن و هرج و مرج و گاه تناقض در هویت جمعی روبه روست.

بهترین نوع وفاق اجتماعی، وفاق متکی بر نظم درونی است. این نوع وفاق اجتماعی از موهبت اعتماد اجتماعی دوجانبه، تعهد درونی تعمیم یافته، نوعی همدلی ملی و ثبات، بهره مند است. بیشتر سازگاری اجتماعی از نوع

سازگاری درونی است. در این صورت، اعضای جامعه به صورت داوطلبانه و از روی احساس تکلیف، وظیفه شان را انجام می دهند.(۱)

ص:۱۷

۱- [۱] . مسعود چلبی، وفاق اجتماعی، ص ۱۹.

فصل دوم: مفاهیم پیوندیافته با وفاق اجتماعی

اشاره

پیش از ورود به بحث اصلی، لازم است به برخی مباحث نظری، همانند نقش دین، فرهنگ، احساسات ملی، قومی و قبیله ای و همچنین نقش محبت و عدالت در وفاق اجتماعی پرداخته شود.

۱. نقش دین در وفاق اجتماعی

در دو قرن اخیر، در پی هجوم همه جانبه علیه دین و باور های دینی و تلاش برخی دانشمندان غرب در بیرون راندن آن از صحنه زندگی اجتماعی و محدود کردن آن به دایره زندگی خصوصی و فردی، بسیاری از جامعه شناسان لازم دیدند تا همانند دیگران به دین جنبه فردی دهند و آن را از صحنه اجتماع خارج سازند. بنابراین، لازم بود ثابت کنند دین در وفاق اجتماعی نقش اساسی ندارد.

آگوست کنت که او را بنیان گذار جامعه شناسی امروزی می دانند، کوشید دین داری را موجب عقب ماندگی جوامع معرفی کند. با این حال چون درپی حذف دین، با بن بست های بسیاری روبه رو شد، مجبور گشت دین جدیدی

به نام «دین انسانیت» را بنیان نهـد و خود را پیامبر بنامد و معبدی نیز بسازد.(۱) او پی برد که دین، وحـدت بخش و قوام بخش ارزش ها و هنجارهای مشترک است؛ زیرا در غیر این صورت، خواسته های فردی سبب از هم گسیختگی خواهد شد. «دین به انسان ها اجازه می دهـد تا بر امیال خود خواهانه فایق آیند و به خاطر عشق به هم نوعا ن خود، فراتر از این خودپرستی ها عمل کننـد. دین همان شیرازه نیرومنـدی است که افراد جامعه را با یک کیش و نظام عقیـدتی مشترک به همـدیگر پیوند می دهد. دین، سنگ بنای سامان اجتماعی است و برای مشروع ساختن فرمان های حکومت، اجتناب ناپـذیر است. هیـچ قـدرت دنیوی نیست که بدون پشتیبانی یک قدرت معنوی دوام آورد.»(۲) سرانجام آگوست کنت مجبور شد به نقش محوری دین در زمینه وفاق اجتماعی اعتراف کند.

پس از آگوست کنت، ـدورکیمـ، مشهورترین جامعه شناس غربی بود که نتوانست نقش دین را در وفـاق اجتمـاعی انکـار کند. او کوشید از راه دیگری، دین را از متن اجتماع خارج سازد. پس وفاق اجتماعی را به دو وفاق اجتماعی مکانیکی و وفاق اجتمـاعی انـدام وار (ارگانیکی) تقسیم کرد. وی بر این باور بود که نوعی وفاق اجتماعی وجود دارد که در برخی حالت های مشترک در وجـدان تمـامی اعضای یک جامعه ریشه دارد.(۳) هر قـدر مجموعه ارزش هـا، باورهـا و احساسات مشترک افراد جامعه یا وجدان جمعی آنان از عمق، گستره، صراحت و محتوای مذهبی بیشتری برخوردار باشد، هم بستگی در آن جامعه نیز بیشتر خواهـد بود. او این نوع وفاق اجتماعی را هم بستگی مکانیکی نامید(۴) و کوشید ثابت کند که این نوع وفاق اجتماعی برای گذشته

۱- [۱] . محمد تقی مصباح یزدی، آموزش فلسفه، سازمان تبلیغات اسلامی، چ ۸ ، ۱۳۷۷، قم، ج ۱، ص ۵۰.

۲- [۲] . لوییس کوزر، زنـدگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۶۸ ، چ ۱، ص ۳۴.

۳- [۳] . درباره تقسیم کار اجتماعی ، ص ۱۲۲.

۴- [۴] . همان، ص ۱۴۴.

جوامع سنتی است. وی وفاق اجتماعی ناشی از تقسیم کار را نوع غالب وفاق اجتماعی در جوامع مدرن برشمرد و آن را هم بستگی ـ آلی ـ یا ـ اندام وار ـ (ارگانیکی) نام نهاد.(۱)

دورکیم پس از ناکارآمد معرفی کردن نهاد دین، اتحادیه های صنفی را کارآمدترین ابزار برای ایجاد هم بستگی میان افراد جامعه معرفی می کند.(۲) اعتراف دورکیم به ضرورت چیزی معادل وجدان جمعی؛ یعنی باورها، ارزش های مشترک همگانی، عنصر اخلاقی یا محور غیرقراردادی در جوامع ارگانیک،(۳) مؤید این واقعیت است که او با در نظر نگرفتن دین در جوامع مدرن، به بن بست رسیده و روشن است که باورها و ارزش ها در جوامع مدرن نیز در کنار تقسیم کار می تواند در ایجاد هم بستگی اثر گذار باشد. از نظر دور کیم، ضرورت وجدان جمعی در جوامع مدرن به اندازه ای است که اگر گستره آن به حد افراط تنگ شود، جامعه به خطر می افتد.(۴) بنابراین، در جوامع مدرن نیز همانند جوامع سنتی، چیزی معادل وجدان جمعی؛ یعنی باورها و ارزش های مشترک وجود دارد که در صورت تضعیف آنها، نابه سامانی و امور بیمارگونه بروز خواهد کرد و جامعه به خطر می افتد.(۵)

برخی جامعه شناسان، پس از دورکیم معتقدند با آنکه بشر امروزی از دین ـ به معنای سنتی خود ـ روی گردان شده، ولی به یک آگاهی گروهی و مشترک رسیده که دارای ارزش ها و هنجارهای ویژه ای است. به عبارت دیگر، آنچه تغییر کرده، عنوان دین است، ولی اگر دین؛ یعنی وجدان جمعی به معنای

۱- [۱] . همان، ص ۱۴۵.

۲- [۲] . زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی ، ص۳۳.

۳- [۳] . پیدایش نظریه جامعه شناسی ، ج ۲، ص ۳۹۱.

۴- [۴] . ریمون آرون، مراحل اساسی اندیشه در جامعه شناسی ، ترجمه: باقر پرهام، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰ ، چ ۲، ص ۳۵۷.

۵- [۵] . همان.

عام خود را حـذف کنیم، جامعه دچار بحران و آنومی خواهد شد. ازاین رو، امروزه در غرب، نهادهای سـنتی رو به افول نهاده انـد، ولی در عوض اعتقـاد به لیـبرالیسم، در حـال گسـترش است. بایـد توجه داشت که لیبرالیسم، دین جدیـدی است که نقش ادیان سنتی را ایفا می کند.

جوامع در حال توسـعه، مانند بیشترکشورهای جهان سوم، وقتی به سرعت به سوی پیدایش ماشین های نیرومند و تمرکز بزرگ نیروها و سـرمایه و در نتیجه، تقسـیم کار به شکل پیچیده حرکت کنند، آگاهی گروهی و مشترک جامعه، تهدید و سود فردی بر علاـیق جمعی چیره می شود. از سویی آگاهی و وجـدان جمعی جدیـد (دین جدیـد) به همان سـرعت پدیـد نمی آیـد و به عبارت دیگر، ایمان به دین سـنتی فرو می ریزد و ایمان به دین جدید هم جای گزین نمی شود. در این میان، وضعیت آنومی و ناهنجاری پدید می آید. آنومی به معنای نبود وفاق اجتماعی در جامعه است که سـبب کشـمکش اجتماعی و سرگردانی فردی و جنگ برای قدرت و ثروت می شود.(۱)

تا اینجا به چکیده ای از نظر اندیشـمندان و جامعه شـناسان مغرب زمین درباره نقش دین در وفاق اجتماعی اشاره شد. اینک از دید درون دینی، این مسئله را می شکافیم.

نقش دین به ویژه دین اسـلام در وفـاق اجتمـاعی به گونه ای است که همه مردمانی را که مسـلمانند، «امت اسـلام» می نامـد و ملت در اصطلاح دین اسلام، به معنای دین و آیین است. خداوند در قرآن کریم می فرماید: «ثُمَّ

۱- [۱] . حسین بشیریه، انقلاب و بسیج اجتماعی ، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۴، چ ۱، ص ۴۹.

أَوْحَيْنـا إِلَيْـكَ أَنِ اتَّبِعْ مِلَّهَ إِبْراهِيمَ حَنيفًا». (نحل: ۱۲۳) لفظ امت(۱) (پیروان یـک پیامبر) به روشـنی دلالت بر این دارد که دین می تواند میلیون ها نفر را بر اساس آموزه های الهی، در جهت واحدی هدایت کند، به گونه ای که یک هدف و برنامه داشـته باشـند. به عبـارت دیگر، دین، عمیق ترین، حقیقی ترین و مانـدگارترین امری است که می توانـد مردمـان را به وفاق اجتماعی درونی برسانـد و این وفاق جمعی درونی، لازمه وفاق اجتماعی بر اساس شاخص های بیرونی است. آیه مبارک «إِنّ اللّهَ لا یُغَیِّرُ ما بِقَوْمٍ حَتّی یُغَیِّرُوا ما بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد:۱۱) شاهدی است بر این سـخن که تغییر اجتماعی، بر تحول انفسی بنا شده است و تا این امر رخ ندهد، وفاق اجتماعی، ممکن نیست. در نیم قرن اخیر نیز، جدایی ـپاکستان ـاز ـهند ـ(۱۹۴۷م.) و تشکیل جمهوری اسلامی پاکستان (۱۹۵۶م.) و انقلاب اسـلامی ایران نشان داد که دین در جهت تکوین امت واحد، در عرض سـرزمین، تاریخ، آداب و سنن و زبان مشترک قرار نمی گیرد، بلکه اگر دیگر اشتراک ها در طول دین واحد قرار نگیرند، قدرت و امکان ایجاد یک امت را ندارنـد. بنابراین، می توان ادعا کرد که تنها توافق اجتماعی مانـدگار، توافق اجتماعی مبتنی بر دین است.(۲) حتی تمـدن جدیـد غرب، وام دار دین است. پژوهش های ـماکس وبرـ نشان داد که تمدن امروز غرب، عرصه تعیّن خویش را در یک

۱- [۱] . در منتهی الارب و نـاظم الاطبـاء آمـده: امت جماعتی که به سوی ایشان پیغمبری آمـده باشـد را گوینـد. در برخی از کتب لغت: گروهی که به پیغمبری ایمان آورده اند، را امت نامند. (لغت نامه دهخدا، به نقل از: فرهنگ فارسی معین).

۲- [۲] . سید مرتضی آوینی، آغازی بر یک پایان، تهران، ساقی، ۱۳۷۸، صص۵۳ و ۵۴.

وفاق جمعی دینی یافته است. به عبارت دیگر، اگر اصلاحات دینی مسیحیت در اروپای غربی پدید نمی آمد و روحیه سرمایه داری که سرچشمه انقلاب صنعتی است، در اروپای غربی گسترش نمی یافت، تمدن تکنولوژیک غرب نیز شکل نمی گرفت. وی آشکارا می گوید که اگر پروتستانتیسم، قرب به خدا را در هویت دنیایی بشر معنا نمی کرد و همچنان ملازمه قرب به مسیح با رهبانیت حفظ می شد، اروپا امکان رویکرد به روحیه سرمایه داری را نمی یافت.(۱)

۲. نقش ارزش ها در وفاق اجتماعی

یکی از مباحثی که صاحب نظران علوم اجتماعی روی آن تأکید کرده اند، بحث اثر گذاری ارزش ها در وفاق اجتماعی است. به باور برخی جامعه شناسان، ارزش ها بدون توجه به ریشه آنها، عوامل مستقلی هستند که به سازمان دهی و وحدت یک جامعه شکل می بخشند.(۲) «ارزش ها، نمادهای تعریف شده ای [هستند] که وقتی مورد پذیرش همه واقع شوند، هم بستگی آگاهانه ای را ایجاد می کنند که وجه مشخصه انسان های به هم پیوسته در یک جمع بهنجار است».(۳)

۱- [۱] . نک: ماکس وبر، اخلاق پروتستان و روح سرمایه داری، ترجمه: عبدالمعبود انصاری، تهران، سمت، ۱۳۷۱، صص۴۲-۸۴ و ۱۳۳-۱۵۷.

۲- [۲] . چالمرز جانسون، تحول انقلابی، ترجمه: حمید الیاسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳، چ ۱، ص ۳۶.

۳- [۳] . آلوین استانفورد کوهن، تئوری های انقلاب، ترجمه: علی رضا طیب، تهران، قومس، ۱۳۶۹ ، چ ۱، ص ۱۳۰، به نقل از: Chalmers Johnson, revoloutionary change, P Boston, ۱۹۶۶, P.۴۲.

شرط پدید آمدن هم بستگی و به سخن دیگر، همکاری و همیاری شهروندان، پیش بینی پذیربودن رفتار دیگران در موقعیت های گوناگون است. «ارزش ها به افراد کمک می کند تا بدون اینکه نیازی به شناخت انگیزه های شخصی دیگران داشته باشند، واکنش افراد را نسبت به عمل خود پیش بینی کنند».(۱)

یکی دیگر از موردهایی که هم سنگ ارزش ها در وفاق اجتماعی اثر مستقیم دارد، هنجارهاست. البته هنجارها در درجه نازل تری از ارزش ها قرار دارند.(۲) به عبارت دیگر، «نمودهای عملی و تفصیلی، اهدافی هستند که توسط ارزش های جامعه مشخص شده اند.»(۳) ویژگی دیگر هنجار آن است که «به ارزش ها جنبه عملی می دهد»(۴) و هنجارها به وسیله ارزش ها مشروعیت می یابند. هنجارها به دلیل ویژگی های یادشده «در سازش میان اجزای متعدد نظام سهیم هستند و فعالیت های یک حوزه را با عمل حوزه های دیگر جامعه به هم پیوند می دهند.»(۵) ارزش ها و هنجارها و دیگر نمادهای فرهنگی، شرط لازم برای ایجاد هم بستگی اجتماعی هستند، ولی کافی نیستند؛ زیرا افزون بر این، هماهنگی ارزش ها با تقاضاهای محیطی نیز لازم است و «وقتی چنین ارزش هایی قادر به تبیین محیط نباشند، نظام اجتماعی وارد دوره ای از دشواری های بزرگ خواهد شد».(۶)

۱- [۱] . تحول انقلابی ، ص ۳۸.

۲- [۲] . نک: پیترورسلی نظم اجتماعی در نظریه های جامعه شناسی ، ص ۶۶.

۳- [۳] . همان، ص ۶۷.

۴- [۴] . تئوری های انقلاب ، ص ۱۳۱ .

۵- [۵] . نظم اجتماعی در نظریه های جامعه شناسی ، صص ۶۷ و ۶۸ .

۶- [۶] . تئوری های انقلاب ، ص ۱۳۲.

بـا این حال، به باور برخی اندیشـمندان، تنها وجود ارزش ها و هنجارها برای ایجاد نظام اجتماعی هم بسـته و قابل دوام کفایت نمی کنـد، بلکه افزون بر اینهـا تطبیق پـذیری و همـاهنگی نظام اجتماعی با شـرایط محیطی نیز ضـرورت دارد. از این رو، خرده نظام سومی به عنوان «ارگانیسم رفتاری» را مطرح می کنند که وظیفه انطباق و تطبیق پذیری نظام اجتماعی با شـرایط محیطی را بر عهـده دارد. بنابراین، چنانچه محیط تغییر کند و تقاضاهای محیطی جدیدی بیان شود، برای تداوم هم بسـتگی اجتماعی لازم است ارزش ها نیز تغییر کنند؛ زیرا محیط جدید مسـتلزم مجموعه جدیدی از ارزش هاست و اگر ارزش ها تعدیل شوند، جامعه به آرامش و هم بسـتگی اجتماعی دست می یابد.(۱) بنـابراین، «تا زمانی که ارزش های یک جامعه و واقعیت های یک محیط بـا هم سازگـار باشـند، جـامعه از تنش هـای اجتمـاعی و ناهنجاری ها برکنار است. همواره جامعه در حالت تعادلی، از درون و بیرون جامعه اثر می پذیرد. این تأثیر ها، جامعه را به هماهنگ ساختن روش تقسیم کار با ارزش های خود وادار می کند. چنین جامعه ای می تواند بدون تجربه کردن تنش ها و گسـست های اجتماعی، تحت تأثیر، پدیده های جدید و سلیقه های تازه و به طور کلی، تغییر فرهنگی، تحت تأثیر داخل و خارج قرار گیرد.»(۲) پس مهم آن است که هماهنگی و سازگاری میان ارزش ها و محیـط حفـظ شود، ولی هنگـامی که درجه ناسازگاری و ناهماهنگی میان محیط و ارزش ها بیش از انـدازه باشـد، وضـعیتی نامتعادل پدید می آید. وضعیت نامتعادل، نشانه های بسیاری دارد که آنها را برمی شماریم:

الف) افزایش اعتیاد به الکل و زیر پاگذاشتن هنجارهای جنسی، نشانه های روشنی از تشنج اجتماعی هستند.

ص:۲۵

۱- [۱] . همان.

۲- [۲] . تحول انقلابی ، ص ۷۴ .

ب) ظهور گروه هـای عقیـدتی جدیـد برای رویـارویی بـا تنش هـای اجتماعی، معیار دیگری برای کشف حالت نامتعادل بودن است.

ج) افزایش میزان خودکشـی، افزایش محبوبیت ایـدئولوژی هـای گونـاگون، افزایش تعـداد نیروهای مسـلح نسـبت به جمعیت غیرنظامی و رابطه محتمل میان میزان جنحه و جنایت از نشانه های ویژه نبود تعادل اجتماعی به شمار می آیند.(۱)

بنـابراین، بقـای جوامع، ناشـی از وجود الگوهای فرهنگی و نظام هنجاری و ارزشـی مشترک است. این نظام اجتماعی با درونی کردن ارزش ها و هنجارها و نیز کنترل اجتماعی، از پدیـد آمدن تعارض ها و کشـمکش ها و با توجیه کردن تغییر های محیط (اگر بتوانند توجیه کنند) از پدید آمدن آنومی اجتماعی و در نتیجه، تضعیف پایه های حفظ هم بستگی اجتماعی؛ یعنی ارزش ها، ایده ها و هنجارها جلوگیری می کند.

۳. نقش فرهنگ در وفاق اجتماعی

افراد جامعه ماننـد آجر هایی هسـتند که در یک ساختمان قرار دارنـد. آنچه این آجرها را در کنار هم نگه داشـته، ملاط است. درباره انسان ها نیز فرهنگ مانند ملاط است. ـابونصرفارابیـ اولین کسی بود که نقش محوری فرهنگ را یاد آور شد:

ارتباط و هم بسـتگی ناشـی از تشابه در اخلاق، خوش طبعی و اشتراک در لغت و زبان است و در صورتی گسسـتگی به وجود می آید که افراد در این امور با یکدیگر تباین داشته باشند.(۲)

ـپارسونزـ، از دانشمندان غربی نیز بر نقش فرهنگ تأکید کرده و معتقد است:

ص:۲۶

۱- [۱] . همان، ص ۱۲۶ .

۲- [۲] . ابونصر فارابی، کتاب آراءِ اهل المد ینه الفا ضله ، بیروت، دارالمشرق، ۱۹۹۱م، چ ۶، ص ۱۵۵.

این فرهنگ است که از گذر هنجارها، ارزش ها، آرمان ها و ایدئولوژی هایی که به کنشگران اجتماعی پیشنهاد یا تحمیل می کند، برایشان انگیزه و آمادگی ذهنی برای کنش را فراهم می نماید.(۱)

وی فرهنگ را نیروی مهمی می انگاشت که عناصر گوناگون جهان اجتماعی یا به تعبیر خودش، نظام اجتماعی را به هم پیوند می دهد.(۲) به عبارت دیگر، فرهنگ، میانجی کنش متقابل میان کنشگران است و شخصیت و نظام اجتماعی را با هم ترکیب می کند. فرهنگ این خاصیت ویژه را دارد که کم و بیش می تواند بخشی از نظام های دیگر باشد. بدین سان که فرهنگ در نظام اجتماعی، به صورت هنجارها و ارزش ها تجسم می یابد و در نظام شخصیتی، ملکه ذهن کنشگران می شود.(۳) فرهنگ، نظام الگودار و سامان مندی است که هدف های جهت گیری کنشگران، جنبه های نظام شخصیتی و الگوهای نهادمند نظام اجتماعی را دربرمی گیرد.(۴)

فرهنگ نیز برای تداوم و بقای خود از دو سازوکار بهره می گیرد: الف) فرآیند اجتماعی شدن یا جامعه پذیری از راه آموزش قوانین، مقررات، آیین ها و آداب و سنن و نظارت اجتماعی بر حسن اجرای آنها.(۵)

از طریق فرآیند اجتماعی، الگوهای فرهنگی، یعنی ارزش ها، باورها، زبان و نمادهای دیگر، در نظام شخصیت درونی می شود و «در یک فراگرد اجتماعی شدنِ موفق، ارزش ها و هنجارها، ملکه ذهن می شوند و به صورت بخشی از

۱- [۱] . گی روشه، جامعه شناسی تالکوت پارسونز، ترجمه: عبدالحسین نیک گهر، تهران، مؤسسه فرهنگی انتشارات تبیان، ۱۳۷۶ ، چ ۱، ص ۸۲ .

۲- [۲] . جورج ریتزر ، نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی ، چ ۲، ص ۱۳۸.

۳- [۳] . همان.

۴- [۴] . همان، ص ۱۳۹.

۵- [۵] . ابوالحسن تنهایی، درآمدی بر مکاتب و نظریه های جامعه شناسی، تهران، مرندیز، ۱۳۷۱، چ ۱، صص ۱۵۶ و ۱۵۷.

وجود کنشگران یا وجدان آنها در می آیند. در نتیجه این فراگرد، کنشگران، ضمن دنبال کردن منافعشان به مصالح کل نظام خدمت می کنند».(۱)

ب) سازوکارهای کنترل اجتماعی، خط دوم دفاع از نظام را تشکیل می دهد. در میان نظام های کنترل اجتماعی، نظامی بهتر است که نظارت اجتماعی در آن ، مردمی تر و غیر رسمی تر باشد. بنابراین، زیاده روی در بهره مندی از نظام کنترل اجتماعی رسمی، برای وفاق اجتماعی زیان بار است و جامعه آسیب می بیند. ـجورج ریترزـ در این باره، بر این باور است:

نظام اجتماعی انعطاف پذیر از نظام زودرنجی که تاب هیچ گونه کج روی را ندارد، نیرومندتر است. یک نظام اجتماعی باید فرصت های گسترده ای را برای اعضایش فراهم کند تا شخصیت های گوناگون بتوانند بدون تهدید یک پارچگی نظام، ابراز وجود کنند.(۲)

۴. نقش احساسات ملی و پیوند های نژادی و خویشاوندی در وفاق اجتماعی

اشاره

بر اساس نظر ـابن خلدونـ، پیوندهای قومی در وفاق اجتماعی و صعود و سقوط ملت ها نقش ویژه ای دارد که آنها را برمی شماریم:

الف) وفاق بر اثر نزدیکی در مکان و محل زندگی

در روایت های گوناگون، بر حق همسایه و لزوم حسن سلوک با همسایه اشاره شده است.(۳) «هم بستگی اجتماعی، با پیوند با همسایگان و ارتباط در سایه اشتراک در منزل و در مرحله بعد، در سایه اشتراک در کوچه و به دنبال آن، اشتراک در کوی و سپس

۱- [۱] . نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر، ص ۱۳۶.

۲- [۲] . همان، ۱۳۷.

۳- [۳] . ر.ک: محمد بن یعقوب کلینی، کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ هـ . ق، ج۲، ص ۶۶۶، باب حق الجوار.

محله به وجود می آید.»(۱) هر قدر همسایگان بیشتر به هم کمک کنند، به همان مقدار هم بستگی و وفاق در آن اجتماع محکم تر است. در اسلام بر لزوم مراعات حق همسایه بسیار تأکید شده است. از امام صادق(ع) چنین نقل شده است: «خوب همسایه داری، روزی انسان را زیاد می کند».(۲)

در روایت دیگر از رسول الله(ص) نقل شده است:

هرکس به خدا و روز رستاخیز ایمان دارد، نباید به همسایه اش آزار برساند.(۳)

و همچنین از امام صادق(ع) و رسول الله(ص) نقل شده است که نیکویی در همسایه داری، عمر را طولانی می کند و سبب آبادانی کشور می شود.(۴) روشن است که یکی از جنبه های آبادانی کشور، وفاق اجتماعی است. ازاین رو، کشوری که از نظر اجتماعی گسیخته است، نمی تواند آباد باشد.

ب) وفاق بر اثر پیوندهای ملی، قومی و خویشاوندی

ابن خلدون، نام این نوع پیوندها را «عصبیت» می نهد. از نظر وی، کارکرد پیوندهای خویشاوندی (عصبیت) برای ایجاد هم بستگی چنان با اهمیت است که کارکرد منحصر به فرد آن را هم بستگی اجتماعی می شمارد و فایده ای جز

۱- [۱] . کتاب آراءِ اهل المدینه الفاضله ، ص ۱۵۶.

۲- [۲] . عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ(ع) قَالَ: حُسْنُ الْجِوارِ یَزِیدُ فِی الرِّزْقِ، (کافی، ج۲، ص ۶۶۶).

۳- [۳] . عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ(ع) قَالَ: جَاءَتْ فَاطِمَهُ(س) تَشْکُو إِلَی رَسُولِ اللَّهِ(ص) بَعْضَ أَمْرِهَا فَأَعْطَاهَا رَسُولُ اللَّهِ(ص) کُرَیْسَهً وَ قَالَ تَعَلَّمِی مَا فِیهَا فَإِذَا فِیهَا مَنْ کَانَ یُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْیَوْمِ الْآخِرِ فَلَا یُؤْذِی جَارَه ،(همان، ص ۶۶۷).

۴- [۴] . عَنْ أَبِی مَسْعُودٍ قَالَ قَالَ لِی أَبُو عَبْدِاللَّهِ(ع) حُسْنُ الْجِوَارِ زِیَادَهٌ فِی الْأَعْمَارِ وَ عِمَارَهُ الدِّیَارِ؛ عَنِ الْحَکَمِ الْخَیَّاطِ قَالَ قَالَ أَبُوعَبْدِاللَّهِ(ع) حُسْنُ الْجِوَارِ یَعْمُرُ الدِّیَارَ وَ یَزِیدُ فِی الْأَعْمَارِ. عَنْ أَبِی عَبْدِاللَّهِ(ع) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ(ص) حُسْنُ الْجِوَارِ یَعْمُرُ الدِّیَارَ، (همان، ج۲، ص، ۶۶۸)

آن برای پیوندهای خویشاوندی(۱) (عصبیت) نمی داند. ابن خلدون در _مقدمه_ چنین می نویسد:

سود خوی.شاوندی فقط همین پیوندی است که صله رحم را ایجاب می کند و سرانجام منشأ یاری گری به یکدیگر و عاطفه و غرور قومی می شود و نباید بیش از این از نَسب، انتظار فوایدی داشت... سود آن تنها همین وابستگی و پیوند است.(۲)

به باور ابن خلدون، پیوندهای خویشاوندی و قومی برای دست یافتن به کارکرد هم بستگی در سه سطح عمل می کند:

یک ___ سطح فردی_: در این سطح، پیوند های قومی، ویژگی های نیک را پدید می آورند؛ زیرا یکی از نقش های آن، آراسته بودن به خصلت های نیک است.

دو_ _سطح میان فردی (درون گروهی)_: پیوندهای قومی در این سطح سبب دفاع از گروه، و در شرایط بحرانی، سبب تقویت و بقای گروه و گسترش روحیه دلاوری می شود و جلو تسلیم شدن را می گیرد.

سه _ _سطح فراگروهی_: در این سطح، در عین حال که پیوندهای قومی، زمینه پیوند عناصر خارج از گروه یا طبقه را فراهم می کند، سازنده دولت نیز هست. برای نمونه، اسلام، عصبیت قبیله ای را از سطح قبیله که بر اساس چشم و هم چشمی و حمایت کورکورانه بود، خارج ساخت و بدان شکل و هدفی تازه بخشید. عصبیت نو که از پیوند عصبیت قومی، دینی و اجتماعی تشکیل می شد، دارای چندین جنبه بود:

ص:۳۰

۱- [۱] . از آنجایی که مراد ابن خلدون از عصبیت چیزی جز پیوندهای خویشاوندی، قبیله ای و قومی از نوع شدید آن نیست؛ بعد از این به جای عصبیت از کلمه پیوندهای قومی یا پیوندهای خویشاوندی استفاده خواهد شد.

۲- [۲] . ابن خلدون، مقدمه، ترجمه: محمدپروین گنابادی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۲۴۳.

۱. اتحاد خویشاوندان؛

۲. اتحاد مسلمانان؛

۳. عصبیت در خدمت ابلاغ و گسترش مذهب و فرمان های الهی.(۱)

ابن خلدون، خویشاوندی را مهم ترین عامل این نوع پیوندها (عصبیت) می داند و معتقد است:

هر گاه این پیوند و خویشاوندی آشکار باشد، به طبع، چنان که گفتیم، در نهاد وابستگان و نزدیکان، حس غرور قومی را برمی انگیزد.(۲)

امروزه نظریه ابن خلدون درباره عصبیت را می توان به جوامع امروزی در دو سطح تعمیم داد:

الف) در سطح خرد، همانند خانواده، خویشاوندان، همسایگان و محله؛

ب) در سطح کلان، همانند هم بستگی های ملی و دینی.

از اولی برای پیوند اولیه میان افرادی که ارتباطات رودررو با یکدیگر دارند و از دومی در پیوند انسان با سرنوشت کل جهان اسلام (ناظر به سخن پیامبر که فرمود: «مَن اَصبَحَ و لم یهتمْ باموِرِ مسلمین فلیس بمسلم» می توان سود جست.

دورکیم جزو جامعه شناسانی است که از یک سو بر پیوندهای خویشاوندی تأکید کرده است و از سوی دیگر به نوعی احساسات ملی و میهن دوستی را عاملی برای تقویت حس هم بستگی می داند، با این تفاوت که به احساسات ملی و میهن دوستی با نظر مستقل نمی نگرد، بلکه آن را تابعی از همانندی های افرادی می داند که از اتحاد آنان، جامعه پدید می آید. به نظر او، جامعه ای که به سرزمینی تعلق دارد، برای تحقق بخشیدن به کارکردِ بخشی از حیات

ص:۳۱

۱- [۱] . تقی آزاد ارمکی، اندیشه اجتماعی متفکران مسلمان ، تهران، سروش، ۱۳۷۶، چ ۲، ص ۱۰۳.

۲- [۲] . مقدمه، ج ۱، ص ۲۴۳.

روحی خود، همان گونه که مایل است خود را دوست بدارد، به میهنش نیز علاقه مند است.(۱)

بنابراین، اجتماعاتی که بر مبنای پیوند خویشاوندی بنا شده اند، در برابر بیگانگان شدت عمل بیشتری نشان می دهند، ولی اشکال کار در این است که این نوع جوامع، اجتماعات کوچکی را تشکیل می دهند و جامعه ای که بر مبنای خویشاوندی بنا گذاشته شده باشد، نمی تواند چندان بزرگ باشد؛ زیرا چنین پیوندهایی، در میان افرادی که خویشاوندی آنها به بیش از چهار نسل گذشته برمی گردد، چندان قوی نیست.

۵. نقش (محبت) در وفاق اجتماعی

فارابی بر این باور است که احساس به عنوان عامل پیوند اجتماعی نقش اثر گذاری دارد و این احساس، حاصل روابط و تعاملات اجتماعی بر مبنای باور ها، ارزش ها و هنجارهای مشترک اجتماعی است. وی بر عامل پدید آورنده وفاق اجتماعی، محبت و عامل ثبات و پایداری آن و عدالت تأکید می کند. فارابی معتقد است محبت گاهی به طبع است، همانند محبت والدین به فرزند و گاهی به اراده است. منشأ محبت ارادی به امور ارادی است. این امور عبارتند از: اشتراک در فضیلت و دست یابی به منفعت و لذت.

برخی دانشمندان اسلامی معتقدند که در جامعه آرمانی، محبت در درجه اول با اشتراک در فضیلت حاصل می شود و اشتراک در فضیلت، نتیجه باورها و اعمال مشترک است، ولی باورهای مشترک که سزاوار است مردم در آن اشتراک داشته باشند، سه بخش است:

الف) اشتراک در مبدأ؛

ص:۳۲

۱- [۱] . درباره تقسیم کار اجتماعی ، ص ۱۱۸.

ب) اشتراک در منتهی؛

ج) اشتراک عقیده در بین مبدأ و منتهی.

«اشتراک عقیـده در مبـدأ، اشتراک در امر باری تعالی است و اشتراک عقیـده در منتهی، اتفاق نظر در ارتباط با سـعادت انسان است و اشتراک عقیـده میان مبـدأ و منتهی، اشتراک عقیـده درباره افعالی است که به واسـطه آنها خوش بختی انسان به دسـت آید. چنانچه اهل مدینه فاضله، در این اندیشه ها هم نظر باشند و این اتفاق نظر با افعالی که به واسطه آنها سعادت به دست می آیـد، تکمیل شود، محبت پدیـد خواهـد آمـد. از سوی دیگر، چون مردم در کنار یکدیگر زندگی می کنند، برخی که نیازمند دیگران هستند، به یکدیگر سود می رسانند. محبت ناشی از منفعت هم به دست خواهد آمد. آنان به دنبال اشتراک در فضیلت و بذل نفعی که به یکدیگر می رسانند، طبعاً از یکدیگر لذت می برند و در پی آن محبت نیز حاصل می شود».(۱)

خواجه نصیرالدین طوسی در کتاب _اخلاق ناصری___ _می نویسد:

چون ایشان را بالطبع متوجه کمال آفریده اند، پس بالطبع مشتاق آن تألف باشد و اشتیاق به تألف محبت بود.(۲)

به طور کلی، احساسـات و عواطف، عاملی برای ایجاد وفاق اجتماعی به شـمار می رود و عواطف در جامعه اسـلامی، محصول پیونـد متقابل اعضای جامعه در سایه ایمان و اعتقاد به خدا و عمل به دسـتور ها و قوانین دینی است.(۳) بنابراین، می توان ادعا کرد که محبت، مهم ترین عامل برای ایجاد بستر وفاق اجتماعی است.

۱- [۱] . ابونصر فارابی، فصولٌ منتز عه ، بیروت، دارالمشرق، ۱۹۸۶ م، چ ۲، صص ۷۰ و۷۱.

۲- [۲] . نصـیرالدین طوسـی، اخلاق ناصـری، ترجمه: مجتبی مینوی و علی رضا حیـدری، تهران، خوارزمی ، ۱۳۶۲، چ ۱، ص ۲۵۸.

۳- [۳] . محمدتقی مصباح یزدی، معارف قرآن (۷)، اخلاق در قرآن، انتشارات مؤسـسه آموزشی ـ پژوهشی امام خمینی(ره)، ۱۳۷۸، چ ۱، ج ۳، ص ۹۴.

آیاتی در قرآن وجود دارد که به این نظریه اشاره دارد. برای نمونه در قرآن می خوانیم:

وَ أَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ _ لَوْ أَنْفَقْتَ ما فِي الْأَرْضِ جَميعًا ما أَلَّفْتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَ لكِنّ اللّهَ أَلَّفَ بَيْنَهُمْ. (انفال:۶۳)

اگر همه آنچه را در زمین است، هزینه می کردی، نمی توانستی میان دل هاشان الفت ایجاد کنی، ولی خداوند میان آنها الفت داد.

اشاره قرآن به محبت به عنوان مقوله ای احساسی و عاطفی، بسیار اهمیت دارد. بر اساس این دیدگاه، محبت برآمده از اشتراک در باور ها (اشتراک در مبدأ و منتهی) بر پایه عمل به دستور ها و هنجارهای دینی (اشتراک بین مبدأ و منتهی) است و از ارکان اصلی جامعه و از ویژ گی های اصلی هم بستگی اجتماعی به شمار می آید. محبت، دوستی و وابستگی های عاطفی بیشترین اثر را در ایجاد هم بستگی اجتماعی، در برابر نظام هنجارها و نظام ارزش ها به همراه دارد، به گونه ای که بدون نوعی وابستگی عاطفی، نظم هنجاری نیز ممکن نخواهد بود، بلکه پایه نظم هنجاری بر اساس احساس تعلق به جمع، دوستی و اعتماد متقابل اجتماعی گذاشته شده است.(۱)

۶. نقش عدالت در وفاق اجتماعی

برخی دانشمندان اسلامی، افزون بر محبت، عدالت را نیز سبب وفاق اجتماعی می دانند. پیش از این گفته شد که فارابی، محبت را عامل ایجاد وفاق اجتماعی و عدالت را عامل ثبات و پایداری آن می داند. خواجه نصیر نیز همانند فارابی معتقد است:

۱- [۱] . مسعود چلبی، جامعه شناسی نظم، تهران، نشر نی، ۱۳۵۷، چ ۱، صص ۹۸-۱۰۱.

محبت موجب به وجود آمدن وفاق اجتماعی طبیعی بوده و برخورداری از وابستگی های عاطفی است که اصلی ترین عنصر از شاخصه های مهم در ایجاد وفاق اجتماعی می باشد. در حالی که عدالت موجب به وجود آمدن وفاق اجتماعی صناعی است و آن را از وابستگی های عاطفی محروم می سازد و به جامعه ای غیرطبیعی مبدل می سازد.(۱)

البته در اجتماعات کوچک، وفاق اجتماعی طبیعی کارآتر است، ولی در اجتماعات بزرگ، وفاق اجتماعی صناعی اثر گذارتر است.

بنابراین، این گروه از عالمان معتقدند که عدالت اجتماعی سبب بقا و پایداری و استمرار وفاق اجتماعی، به ویژه در اجتماعات بزرگ می شود.

ص:۳۵

۱- [۱] . اخلاق ناصری ، صص ۲۵۸ و ۲۵۹.

فصل سوم: وفاق اجتماعی در اسلام

اشاره

دین در ایجاد وفاق اجتماعی، نقش اساسی و مستقیمی دارد. اسلام به عنوان دینی الهی که دارای برنامه های دقیقی برای زندگی انسان است، از این نکته غافل نبوده و به آن توجه کرده است. اگر به چگونگی شکل گیری انقلاب اسلامی ایران بر اساس رهبری امام خمینی(ره) و برپایی جمهوری اسلامی بنگریم، درخواهیم یافت که هیچ امر دیگری نمی توانست به طور طبیعی، مردم را متحد و بزرگ ترین مصداق وفاق اجتماعی در تاریخ معاصر را محقق کند. شاید کسی بگوید وفاقی که در روزهای آغازین انقلاب ایران دیدیم، بر اساس اسلام نبود، بلکه عوامل دیگری همانند دشمنی با نظام شاهنشاهی در آن اثر گذار بود. در پاسخ باید گفت وفاق اجتماعی مردم ایران بر اساس دشمنی با نظام شاهنشاهی شکل نگرفت، اگر چه این دشمنی وجود داشت و سبب گشت

ص:۳۶

در برابر رژیم شاه بایستند و قدرت اسلام آشکار شود. بنابراین، اگر حضرت امام خمینی(ره) اصراری بر سرنگونی شاه نداشت، انقلاب پیروز نمی شد.(۱)

پرسش دیگری که مطرح می شود، این است: چه چیز در اسلام سبب وفاق می شود. آیا ظاهر دین که همان شریعت باشد یا باطن دین که عبارت از اخلاص و ایمان محض، بدون تقید به شریعت است یا جمع این دو؟

آنچه در اسلام سبب وفاق اجتماعی می شود، ظاهر خشک و بی روح شریعت نیست و وفاق اجتماعی بر محور دین نمی تواند در نسبت با شریعت که ظاهر دین است، پدید آید. وفاق اجتماعی باید در نسبت با حقیقت دین ایجاد شود که ولایت است. اگر درباره نماز گفته اند که شکل گیری حکومت اسلامی برای خواندن نماز است، سخن درستی است. نماز، حقیقت دین را حفظ می کند. چنانچه نماز، حقیقت خویش را گم کند و در ظواهر تشریعی نماز تحجر پیدا شود، هیچ گرهی را نخواهد گشود، چنان که در عربستان سعودی گرهی گشوده نشده است. در عربستان سعودی، هنگام نماز، مردم را به زور روانه مسجد ها می کنند، ولی این نماز نمی تواند وفاق اجتماعی را پدید آورد، بلکه نقابی است که شیطان در پس آن پنهان است. وفاق اجتماعی مردمان نسبت به ظاهر شریعت، بیهوده است. به سخن دیگر، حقیقت دین اسلام در شریعت ظهور یافته است، ولی اگر شریعت، بی روح باشد، به ضد آن بدل می شود، همان گونه که خوارج با انتساب به ظاهر شریعت، شمشیر بر فرق سر باطن شریعت ـ امام علی(ع) ـ کوبیدند. ولایت، باطن شریعت است و مسلمانان باید میزان را در پیروی از ولایت بجویند. از سوی دیگر، عکس این هم منافی

۱- [۱] . آغازی بر یک پایان، ص ۵۶.

وفاق اجتماعی است. باطن شریعت نیز به تنهایی نمی تواند امت واحد را که مصداق وفاق اجتماعی مردمان بر یک دین است، محقق سازد.

پاسداری از حقیقت دین را باید در پاسداری از مرزهای شریعت جست، وگرنه میزانی برای شناخت پرهیز کاران از غیر آنان وجود ندارد و بر این مبناست که حکم را باید بر ظاهر راند. اسلام در شریعتی ظاهر شده که در اصولی همچون نماز و روزه و حج و زکات و جهاد و امر به معروف و نهی از منکر ثابت است. البته در بسیاری از مصداق های متغیر، به اجتهاد زنده باید چنگ زد تا پاسخ گوی نیازهایی باشد که از پی این دگرگونی ها به وجود می آید؛(۱) زیرا این اجتهاد را امام و ولی شایسته جامعه محقق می سازد. در واقع، عامل اصلی پیوند میان مسلمانان، ولایت است که در زمان غیبت مصداق آن همانا فقیه جامع الشرایط است و یکی از پنج رکن و مهم ترین رکن تشیع به شمار می رود. (۲)

دین، عمیق ترین، حقیقی ترین و ماندگارترین امری است که می تواند مردمان را به وفاق جمعی درونی برساند و چنین وفاقی، لازمه وفاق اجتماعی بر اساس شاخص های بیرونی است. آیه «إِنَّ اللهَ لا یُغَیِّرُ ما بِقَومٍ حَتّی یُغَیِّرُوا ما بِأَنْفُسِهِمْ» (نحل:۱۲۳)، شاهدی بر این معناست که هر تغییر اجتماعی، بر اساس تحولی انفسی شکل می گیرد و تا این امر انفسی و درونی رخ ندهد، وفاق اجتماعی

ص:۳۸

۱- [۱] . همان، صص ۵۷-۵۹.

۲- [۲] . اشاره است به حدیث: « بُنَیِ الْاِسْلامُ عَلی خَمْسٍ (عَنْ أَبِی جَعْفَر(ع) قالَ: بُنِیَ الْاِسْلامُ عَلی خَمْسٍ: عَلَی الصَّلاهِ وَالزَّکاهِ وَ الصَّوْمِ وَ الْحَجِّ وَ الْوِلایَهِ ، وَلَمْ یُنادَ بِشَیءٍ کَما نُودِیَ بِالْوَلایَه) نک: اصول کافی، ج ۲ ، صص ۱۸ و ۲۱ و ۳۱ و ج ۴، ص ۶۲؛ محمد بن علی شیخ صدوق ابن بابویه، من لایحضره الفقیه، قم، بنیاد فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۷ه_ . ق، ج۲، ص ۷۴.

پدید نمی آید.(۱) دین در جهت شکل گیری امتی واحد، در عرض سرزمین، تاریخ، آداب و سنن و زبان مشترک قرار نمی گیرد، بلکه دیگر اشتراک ها در طول دین واحد قرار نگیرند، قدرت و امکان ایجاد امت واحد را ندارند. (۲)

نقش وفاق اجتماعی را اسلام از دو نظر بررسی کرد. نخست از نظر وضعیت فعلی یا تاریخی اجتماعات مسلمانان و دوم از نظر وضعیت آرمانی موردنظر اسلام برای جامعه نمونه اسلامی. به دیگر سخن، باید دستور ها و سفارش هایی که اسلام برای پی ریزی و ساخت جامعه ای آرمانی صادر کرده و نقش آنها در وفاق اجتماعی، جداگانه بررسی شود.

نقش پیوند های اجتماعی در وفاق اجتماعی

اسلام تنها دینی است که با صراحت، دعوت خود را به دو صورت بیان کرده است:

۱. دعوت به اصل اجتماع و اتحاد؛

۲. دستور ساخت اجتماع اسلامی بر مبنای اتفاق و اتحاد با هدف پاسداری از منافع معنوی و مادی و دفاع از آن اجتماع.(۳)

پیوند اجتماعی در اسلام را از جنبه های گوناگون می توان بررسی کرد:

۱. رابطه فرد و جامعه

اسلام کوشیده است میان فرد و جامعه، پیوند درستی برقرار کند و فرد و جامعه هر دو به یکسان برای اسلام مهم بوده اند. برای آنکه حیثیت جامعه

۱- [۱] . آغازی بر یک پایان، ص ۵۴.

۲- [۲] . همان.

۳- [۳] . سید محمد حسین طباطبایی، روابط اجتماعی در اسلام، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۲، صص ۱۱ و ۱۲.

تهدیـد نشـود، برخی رفتارهـای فردی، ماننـد دروغ گویی، حقـد و حسـادت، غش و فریب کـاری، خبرچینی، شـهادت دروغ، تمجید نفس، فتنه گری و... را ممنوع و صفت های نفسانی دیگری همانند راست گویی، اخلاص، احترام به هم نوعان و حفظ مال، جان و آبروی انسان های دیگر را تشویق کرده است.(۱) رعایت نکردن این مسئله سبب می شود هم بستگی میان شخص و جامعه به هم بخورد و شخص نسبت به زمانه و جامعه خود بدبین شود.

اسلام برای آنکه بتواند با برقراری پیوند فرد با جمع، وفاق اجتماعی را به کمال برساند، نوعی توازن میان خواسته های فردی و مصالـح اجتمـاع ایجـاد کرده است. اسـلام از یـک سو، حیطه های خصوصـی افراد را محترم می شـمارد و از سوی دیگر، برای کسانی که ارزش های اجتماعی را زیر پا می گذارند، شدیدترین مجازات را در نظر می گیرد.

برای نمونه، قرآن کریم در سوره نور آن گاه که به موضوع حفظ حریم خصوصی افراد می پردازد، از مسلمانان می خواهد که بدون اجازه وارد حریم خصوصی کسی نشوند:

یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لا تَدْخُلُوا بُیُوتًا غَیْرَ بُیُوتِکُمْ حَتّی تَسْتَأْنِسُوا وَ تُسَلِّمُوا عَلَی أَهْلِهَا ذلِکُمْ خَیْرٌ لَّکُمْ لَعَلَّکُمْ تَذَکَّرُون. فَإِنْ لَّمْ تَجِدُوا فیها أَحَدًا فَلا تَدْخُلُوهَا حَتَّی یُؤْذَنَ لَکُمْ وَ إِنْ قیلَ لَکُمُ أرْجِعُوا فَأَرْجِعُوا هُوَ أَزْکی لَکُمْ وَ اللّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلیمٌ . (نور:۲۷و۲۸)

ای کسـانی که ایمان آورده ایـد، به خانه هایی که خانه های شـما نیست، داخل مشویـد، مگر اینکه اجازه بگیریـد و بر اهل آن سلام گویید. این برای شـما بهتر است. باشد که پند گیرید . اگر کسی را در آن نیافتید، پس داخل مشوید تا به شما اجازه داده شود و اگر به شما گفته شد برگردید، برگردید که آن برای شما سزاوارتر است و خدا به آنچه انجام می دهید، داناست.

۱- [۱] . محمدحسین ادیب، الروابط الاجتماعیه فی الاسلام، تهران، مکتبه النینوی الحدیثیه ، ۱۹۶۳م، صص ۱۳و۱۸.

قرآن در جایی دیگر دستور داده است که اگر با صحنه هایی رو به رو شدید که وجدان جمعی را جریحه دار می کند، پرده پوشی کنید و به کسی نگویید، مگر آنکه ناظران از حد معیّنی بیشتر باشند. اگر تعداد آنها به حدنصاب نرسیده باشد، خداوند اجازه نمی دهد که فسق دیده شده را بازگو کنند و در صورت بیان جرم، شاهدان را مجازات می کند:

وَ أَلَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدآءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمانِينَ جَلْدَةً وَ لا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهادَةً أَبَدًا وَ أُولئِكَ هُمُ الْفاسِقُونَ. (نور:۴)

به کسانی که نسبت زنا به زنان شوهردار می دهند سپس چهار گواه نمی آورند، هشتاد تازیانه بزنید و هیچ گاه شهادتی را از آنها نپذیرید و اینانند که خود فاسقند.

إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيا وَ الْآخِرَةِ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ وَ أَنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ .(نور:۱۹)

کسانی که دوست دارند زشت کاری در میان آنان که ایمان آورده اند، گسترش پیدا کند، برای آنان در دنیا و آخرت عذابی پر درد خواهد بود و خدا[ست که] می داند و شما نمی دانید.

اگر تنها همین آیات بودند، انسان فکر می کرد اسلام نیز همانند لیبرالیسم، بر آزادی های فردی تأکید کرده است، ولی آیات دیگری وجود دارد که به ظاهر با دسته اول در تضاد هستند و آن آیاتی است که شدیدترین مجازات را برای کسانی در نظر می گیرد که از روی هوای نفسانی، ارزش هایی را که موجب قوام جامعه هستند، زیر پا گذاشته اند:

الزّانِيَةُ وَ ألزّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ واحِدٍ مِّنْهُما مِائَةَ جَلْدَةٍ وَ لا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ أللّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللّهِ وَ الْيَوْمِ ألأَخِرِ وَلْيَشْهَدْ عَذَابَهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ. (نور:۲)

به هر زن زناکار و مرد زناکاری صد تازیانه بزنید و اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید، در [اجرای] دین خدا نسبت

به آن دو دل سوزی نکنید و باید گروهی از مؤمنان در کیفر آن دو حضور یابند.

خداونـد در ایـن آیه دسـتور داده است که زن و مردی که ارزش هـای دینی و اجتمـاعی را زیر پـا گذاشـته انـد، بـدون رحم و مهربانی تنبیه شوند؛ زیرا گسترش رفتار انحرافی و انجام آشـکار آن، سـبب نابودی قداست ارزش های اجتماعی و جای گزینی آن به وسیله ارزش هایی است که در گذشته ضد ارزش به شمار می آمد.

بنـابراین، اسـلام برای حفـظ وفاق اجتماعی جامعه مسـلمانان کوشـیده است تا حـدّ امکان، ظاهر جامعه، اسـلامی پاک باشـد و وجـدان جمعی آسـیب نبینـد و برای این منظور، دسـتور هـای لازم را صادر کرده است، به گونه ای که با رعایت آن فرمان ها، وفاق اجتماعی را خطری تهدید نمی کند.

۲. روابط میان افراد

اشاره

اسـلام بـا طرح آموزه هـایی ماننـد حسن خلق، رعـایت انصـاف، احسان به دیگران و مواسات کوشـیده است هم بسـتگی میان مسلمانان را تقویت و نهادینه کند. حضرت علی(ع) در این باره می فرماید:

یـا بنی إجْعَـلْ نَفْسَـکَ مِیزانـاً فیمـا بَینَـکَ و بَینَ غَیرِکَ فَأَحْبِبْ لِغَیرِکَ مـا تُحِبُ لِنَفسِکَ وَ اکرَهْ لَهُ ما تَکرَهُ لَها وَ لا تَظلِمْ کَما لا تُحِبُ أَنْ تُظلَمَ وَ أَحسِنْ کَمـا تُحِبُ أَنْ یُحسَنَ إلَیـکَ وَ اسْـتَقْبِحْ مِن نَفسِـکَ ما تَسْـتَقبِحُهُ مِنْ غَیرِکَ وَ ارضَ مِنَ النّاسِ بِمَا تَرْضاهُ لَهُمْ مِنْ نَفْسِکَ.

نفس خودت را مقیـاس خـود و دیگران قرار بـده و آنچه را برای خود دوست می داری، برای دیگران دوست بـدار و آنچه را برای خود مکروه می داری، برای آنهـا دشـمن بـدار و سـتم نکن، چنـان که دوست داری در مورد تو سـتم نکننـد و برای خود زشت دان، آنچه را برای دیگران زشت می پنداری

و راضی باش نسبت به مردم آن گونه که رضایت می دهی برای آنها از جانب نفس خودت. (۱)

الف) معاشرت مؤمنان با یکدیگر

ت_ض_اد م_نافع، برتری خواهی، تنگ چشمی و محدودیت نعمت ها و ثروت ها، وفاق اجتماعی را تهدید می کنند و گاهی کار را به جایی می رسانند که به صلح و هم زیستی مسالمت آمیز آسیب می رسانند و کسانی را که ب_ر اث_ر خ_لق_ت و ط_ب_ی_ع_ت، ه_م_زاد و ه_م_راه هم ه_س_ت_ند، در برابر هم قرار می دهند.

اسلام برای آنکه چنین خطری را رفع کند، راه کارهایی را پیشنهاد داده است که یکی از مهم ترین آنها طرح ایده برادری است. خداوند نخست وضعیت نابسامان پیش از اسلام را یادآور می شود. سپس می گوید:

وَ أذْكُرُوا نِعْمَتَ أللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوانًا... .(آل عمران: ۱۰۳)

ن_ع_م_ت خ_دا را ب_ر خ_وی_ش_ت_ن ب_ه ی_اد آوری_د ك_ه دش_م_ن ی_ك_دی_گ_ر ب_ودی_د و او م_ی_ان دل های شما، الفت ایجاد کرد و به برکت نعمت او برادر شدید.

خداوند این برادری را از نعمت های خاص خود می داند و به دلیل آن بر مسلمانان منت می گذارد و نزدیکی قلب های آنان را به یکدیگر، از مصداق های یاری خود می شمارد و عنوان می کند:

اللّهُ هُوَ الّذی أَيَّدَكَ بِنَصْرِهِ وَ بِالْمُؤْمِنينَ. وَ أَلّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ ما فِي الْاَرْضِ جَميعًا ما أَلّفْتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلكِنّ اللّهَ أَلّفَ بَيْنَهُمْ إِنّهُ عَزيزٌ حَكيمٌ. (انفال: ۶۲ و ۶۳)

۱- [۱] . علی(ع)، نهج البلاغه، نسخه صبحی صالح، انتشارات دارالهجر ه ، قم، ص۳۹۷.

همچنین پروردگار در جایی دیگر می فرماید:

إِنّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَهٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَ اتّقُوا اللّهَ لَعَلّكُمْ تُرْحَمُونَ. (حجرات:۱۰)

ت_ن_ه_ا م_ؤم_ن_ان ب_رادر ی_کدیگرنـد. پس میان دو برادر خویش را آشتی دهیـد و تقوای الهی پیشه سازید. شاید مشمول رحمت (خدا) شوید.

برادری مورد نظر اسلام، تشریفاتی نیست، بلکه به واقعیتی خارجی اشاره دارد. با برادر برادر گفتن، وفاق اجتماعی ایجاد نمی شود، بلکه این امر باید در عمل آشکار شود. در همین راستا، امام‌صادق(ع)، علاقه به هم کیش را بخشی از دین‌دوستی دانسته و فرموده است: «مِنْ حُبِّ الرَّجُلِ دینَهُ حُبُّهُ اَخاهُ؛ برادردوستی مرد، از دین‌دوستی اوست».(۱)

حضرت باقر(ع) نیز در این باره چنین فرموده است:

مَنِ اسْتَفادَ اَخاً فِی اللّهِ عَلی ایمانٍ بِاللّهِ وَ وَفاءٍ بِاِخائِهِ طَلَباً لِمَرْضاتِ اللّهِ فَقَدِاسْتَفادَ شُعاعاً مِنْ نُورِ اللّهِ... (۲)

هر کس برای جلب رضایت خدا، فردی را بر اساس ایمان به خدا و رعایت پیمان برادری انتخاب کنـد، پرتویی از نور خدا را یافته است.

بنـابراین، پیمـان ب_رادری، وظ_ی_ف_ه مهمی اس_ت ک_ه ب_ر عهـده مؤمن قرار می گیرد و بخشـی از وظایف دینی اوست. سرآمد مؤمنان، امام علی(ع)، انجام وظیفه نسبت به برادران ایمانی را سرلوحه کردار پرهیزکاران معرفی کرده است و می فرماید:

قَضاءُ حُقُوقِ الْاِخْوانِ اَشْرَفُ اَعْمالِ الْمُتَّقینَ؛ یَسْتَجْلِبُ مَوَدَّهَ الْمَلائِکَهِ

ص:۴۴

۱- [۱] . محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، بیروت، الوفاء، ۱۴۰۳ه_ . ق، ۱۳۶۲، ج ۷۴، ص ۲۷۹.

۲- [۲] . همان، ج ۷۸، ص ۱۷۵.

الْمُقَرَّبِینَ وَ شَوْقَ الْحُورِ الْعِینِ.(۱)

ب_رآوردن ح_ق_وق ب_رادران، شریف ترین کردار پرهیزکاران است که دوستی فرشتگان مقرب و حورالعین را به خود جلب می کند.

ب) طبقه بندی مؤمنان در معاشرت با یکدیگر

اسلام با طرح درجه های برادری، بهترین راه‌کار را برای به ثمر نشستن وفاق اجتماعی پیشنهاد کرده است؛ زیرا هیچ گاه افراد نسبت به دیگران احساس یگانه‌ای ندارند. برخی خویشاوندند و برخی بیگانه و بعضی ها دوست قدیمی اند. اگر قرار بود، فرد نسبت به همه مسلمانان، تکالیفی یکسان داشته باشد، این طرح شکست می‌خورد. ازاین‌رو، خداوند با توجه به شناختی که از انسان ها داشت، بهترین راه‌کار؛ یعنی طبقه بندی کردن افراد را در روابط اجتماعی برگزید.

بر این اساس، وقتی از حضرت علی(ع) درباره اصناف برادران دینی و وظیفه انسان در برابر هرکدام می‌پرسند، می فرماید:

بعضی افراد مورد وثوق شما هستند، به این معنا که در جاهای مختلف آنها را آزموده اید. وظیفه شما در قبال این دسته آن است که اگر به برادرت اعتماد کردی (و او را مورد اطمینان ی_اف_ت_ی)، ث_روت و ک_م_ک خ_وی_ش را از او دری_غ م_دار. ب_ا ه_م‌دلان_ش، ی_ک‌دل و با دشمنانش، دشمن باش. رازش را پوشیده دار. به یاری اش بشتاب و خوبی هایش را آشکار ساز. (۲) در قبال دسته دوم که با آنها مراوده داری، ولی آنها را آزمایش نکرده‌ای و هنوز درجه صداقت آنها برایت روشن نیست یا در حد معمول با آنها مراوده داری، وظیفه‌ات آن است که ت_و ب_ا وج_ود آن_ان، خوشی زندگی را درمی یابی. بنابراین، این مقدار خوشی را از آنان س_لب ن_ک_ن و چ_ی_زی ب_ی_ش از ای_ن از

۱- [۱] . محمد بن الحسن الحر العاملی، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، ۱۴۱۲ه_ . ق، ج ۱۶، ص ۲۲۲.
۲- [۲] . همان، ج ۱۲، ص ۱۳.

آنـان نخواه و همـان گونه که آنـان بـا خوش‌رویی و شـیرین‌زبـانی با تو رو به رو می شونـد، تو نیز چنین حالتی را از آنان دریغ مدار.(۱)

بـدیهی است در چنین جامعه ای، وفاق اجتماعی به نهایت درجه خود می رسـد و زنـدگی، لـذت بخش و آسان خواهـد بود و افراد هیچ گاه دچار افسردگی های روحی و روانی نمی‌شوند، بلکه به شادابی و نشاط دست می یابند.

در هر دو بخش یـاد شـده، نوسـان بسـیاری وجـود دارد و کمـتر افرادی یـافت می ش_ون_د ک_ه ارزش ه_م_س_ان داش_ت_ه ب_اش_ن_د، ت_ا از واکنش و حقوق مساوی برخوردار شونـد. بنـابراین، امـام علی(ع) بر اسـاس معیـاری که معرفی می کنـد، مقـدار محبت و احسـاس یگـانگی با دیگران را روشن می سازد. ایشان می فرمایـد: «اَحْبِبِ الْاِخْوانَ عَلی قَدْرِ التَّقْوی؛ برادران را به اندازه تقوایشان دوست بدار».(۲)

افزون بر این، انسان ها به تناسب روحیه و احساسی که دارند، با ف_رد ی_ا اف_راد برگزیده خویش بهتر انس می گیرند و پیوند نیرومندتری با آنان برقرار می کنند.

اسلام افزون بر ایجاد روابط حسنه به صورت عام، می‌کوشد یک سری روابط ویژه را در میان اجتماع های کوچک ایجاد کند. بر اساس همین اصل، رس_ول اک_رم(ص) پ_س از ه_ج_رت، وفاق اجتماعی را به نهایت درجه خود در مـدینه رسانـد. ایشـان افزون بر تشویـق مسـلمانان بـه دوسـتی و یـک‌رنگی و کمـک بـه هـم، آنـان را بر اسـاس روحیـه هـای مشـترک، برادر ی_ک_دیگر معرفی کرد و خود نیز حضرت علی(ع) را به برادری برگزید. همچنین میان _ابوبکر_ و

ص:۴۶

۱- [۱] . همان.

۲- [۲] . بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۳۳.

ـعمرـ، ـعثمانـ و ـعبدالرحمان بن عوف، طلحهـ و ــزبیرــ، پیوند برادری برقرار کرد.(۱)

در آموزه های دینی، برای افرادی که باید پیوند بسیار نزدیک داشته باشند، ویژگی هایی برشمرده اند که عبارتند از: ظاهر و باطنش یکی باشد؛ بدی و خوبی تو را از آن خود بداند؛ مال و مقام، تغییرش ندهد؛ از هیچ خیری کوتاهی نکند؛ در سختی ها تنهایت نگذارد؛ اگر چند بار عصبانی شد، سخن زشت نگوید؛ با وفا، مدبر، باحیا، خوش‌خلق و آزاده باشد.(۲)

بر اساس این الگو، هرچه جامعه به پرهیزکاری نزدیک تر شود، وفاق اجتماعی نیز نیرومندتر و به نمونه آرمانی خود نزدیک می شود و هرچه جامعه کمتر از پرهیزکاری سود جوید، شیرازه های آن جامعه سست تر خواهد گشت.

ج) وظایف مؤمنان در معاشرت با یکدیگر

اسلام برای آنکه این طرح، ضمانت اجرایی داشته باشد، دستورهایی داده و تکلیف هایی معیّن کرده است. یکی از تفاوت های اساسی اسلام با دیگر مکتب های بشری، در نوع ضمانت اجرایی آن است. مکتب های بشری، بیشتر می کوشند تا حد امکان از ضمانت اجرای رسمی و دولتی استفاده کنند، در حالی که اسلام تلاش دارد از نظارت اجتماعی درونی و غیررسمی سود جوید. و امتیاز این ضمانت اجرایی آن است که به پلیس و دادگاه نیاز ندارد. افزون بر این، در خلوت و مکان هایی که پلیس حضور ندارد، کارآیی دارد.

بنابراین، اسلام، حقوقی را برای مؤمنان نسبت به یکدیگر وضع کرده است که بسیار اهمیت دارد. رعایت این حقوق بر همه مسلمانان و مؤمنان واجب

۱- [۱] . عبدالحسین امینی، الغدیر، تهران، کتاب خانه بزرگ اسلامی، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۱۱۱۲.

۲- [۲] . بحارالانوار، ج ۷۴، صص۱۷۳ و۱۷۵.

است و در صورتی که نادیـده گرفته شود، عـذاب اخروی را در پی خواهـد داشت. فردی که حقوق برادر مؤمنش را ادا نکند، دچـار عـذاب وجـدان می شود و این عـذاب وجـدان، احتمال تکرار آن را می کاهـد. به دلیل اهمیت این حقوق، آنها را برمی شماریم:

۱. ک_م_ت_ری_ن ح_ق ایـن است که آنچه را برای خـود دوست داری، برای او هم دوست بـداری و آنچه را برای خـود نمی پسندی، برای او هم خوش نداری؛

۲. از خشمگین ساختن او بپرهیزی و در پی خشنودی او باشی و فرمانش را اطاعت کنی؛

۳. با جان، مال، زبان و دست و پای خویش، او را مدد رسانی؛

۴. چشم راهنما و آیینه او باشی؛

۵. غ_ذای س_ی_ر ن_خ_وری و او گ_رسنه باشـد؛ سـیراب نگردی و او تشـنه باشـد؛ لبـاس (نیکو) نپوشـی و او بی لباس باشد؛

۶. اگ_ر خدمت کاری داری و او ندارد، خادمت را بفرستی تا لباس او را بشوید، برایش غذا بپزد و مکان استراحتش را جارو بزند.

۷. سوگندش را تصدیق کنی؛ خواسته اش را اجابت کنی؛ هنگام بیماری به عیادتش بروی؛ (اگر مُرد) جنازه اش را تشییع کنی؛ اگر احساس کردی نیازی دارد، در برآوردنش پیش دستی کنی و اجازه ندهی از تو درخواست کند؛(۱)

۸ . چیزی را که برای دنیا و آخرت او سودمند است، از او پنهان نداری؛

۹. نسبت به او کینه و دشمنی نورزی، گرچه به تو بدی کند؛

ص:۴۸

۱- [۱] . اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶۹.

۱۰. هرگاه تو را دعوت کرد، بپذیری؛

۱۱. او را میان دشمنانش، تنها نگذاری.(۱)

یک ـ اهمیت ادای حقوق برادران دینی

بی گمان، پرداخت حقوق مردم در همه زمینه ها و به‌شکل عام و فراگیر، از اصول شریعت اسلامی است و در سخنان پیشوایان اسلام، با تعبیر های نغزی بر آن تأکید شده است که عبارتند از:

اول ـ رکن دین

پرداخت حقوق مردم، با دین‌داری پیوندی مستقیم دارد. مؤمن حتماً باید حقوق مردم را رعایت کند. در غیر این صورت، یا ایمانش دروغین است یا در حد پایینی قرار دارد. امام صادق(ع) در این باره می فرماید:

اَلْمحَمَّدِیَّهُ السَّمْحَهُ إقامُ الصَّلاهِ وَ إیتاءُ الزَّکاهِ وَ صِیامُ شَهْرِ رَمَضانَ وَ حَجُّ الْبَیْتِ وَالطّاعَهُ لِلْإمامِ وَ أَداءُ حُقُوقِ الْمُؤْمِنِ.(۲)

دین محمّدی آسان عبارت است از: برپا داشتن نماز، دادن زکات، روزه ماه رمضان، حج خانه خدا، اطاعت از امام و ادای حقوق مؤمن.

دوم ـ زمینه ساز ادای حق اللّه

عظمت و اهمیت مراعات حقوق مردم، زمینه ساز ادای حق‌الله است که امیرمؤ منان علی(ع) در این باره چنین می فرماید:

جَعَلَ اللّهُ سُبْحانَهُ حُقُوقَ عِبادِهِ مُقَدَّمَهً لِحُقُوقِهِ؛ فَمَنْ قامَ بِحُقُوقِ عِبادِاللّهِ کانَ ذلِکَ مُؤَدِّیاً إِلَی الْقِیامِ بِحُقُوقِ اللّهِ.(۳)

خداوند سبحان، حقوق بندگانش را مقدمه حقوق خویش قرار داده است. هرکس به [رعایت] حقوق بندگان خدا قیام کند، چنین کاری به رعایت

۱- [۱] . همان، ج ۸، ص ۱۲۶.

۲- [۲] . بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۳۷۷.

۳- [۳] . عبدالواحد آمدی، شرح غررالحکم، ترجمه: محدث، تهران، دانشگاه تهران ، ج ۳، ص ۳۷۰.

حقوق الهی می انجامد.

سوم ـ برترین عبادت

امام جعفرصادق(ع) می فرماید:

ما عُبِدَاللّهُ بِشَیءٍ اَفْضَلَ مِنْ اَداءِ حَقِّ الْمُؤْمِنِ.(۱)

خداوند با چیزی برتر از ادای حق مؤمن، پرستش نشده است.

چهارم ـ یکی از درجه های توبه

امیرمؤمنان علی(ع)، توبه واقعی را دارای شش درجه دانسته که دو درجه آن، پرداخت حقوق مردم و حقوق خداست.(۲)

پنجم ـ سبب ورود به بهشت

ادای حقوق، یکی از اسباب ورود مؤمن به بهشت برین است و هرکس بهتر حقوق مردم را ادا کند، از رفعت مقام و درجه های بالاتری برخوردار خواهد بود.

رسول اکرم (ص) می فرماید:

فَاَیُّهُمْ کانَ أشَدَّ لِلشّیعَهِ حُبّاً وَ لِحُقُوقِ اِخْوانِهِمُ الْمُؤْمِنینَ أَشَدَّ قَضاءً کانَتْ دَرَجاتُهُ فِی الْجِنانِ أعْلی.(۳)

هر یک از مؤمنان، که بیشتر به شیعیان عشق بورزد و حقوق برادران مؤمنش را بهتر ادا کند، درجاتش در بهشت، بالاتر خواهد بود.

دو ـ نکوهش پای‌مال کردن حقوق

به همان نسبت که بر رعایت حقوق در اسلام، پافشاری شده، نادیده انگاشتن حق مردم، با عنوان های تکان دهنده ای، ناپسند شمرده شده است که عبارتند از:

۱- [۱] . اصول کافی، ج ۲، ص ۱۷۰.

۲- [۲] . بحارالانوار، ج ۶، ص ۲۷.

۳- [۳] . همان، ج ۸ ، ص ۵۷.

اول ـ گناه کبیره

امام باقر(ع) درباره گناهان کبیره چنین می فرماید:

وَالکَبائِرُ مُحَرَّمَهُ وَ هِیَ الشِّرْکُ بِاللهِ عَزَّوَجَلَّ وَ قَتْلُ النَّفْسِ... وَ حَبْسُ الْحُقُوقِ مِنْ غَیْرِ عُسْرٍ وَ اسْتِعمالُ الْکِبْرِ وَ التَّجَبُّرُ وَ الْکِذْبُ... (۱).

ارتکاب گناهان کبیره حرام است و آنها عبارتند از: شریک قرار دادن برای خدا، کشتن انسان بی‌گناه، حق دیگران را ندادن، تکبر، ستم کردن، دروغ و...

نپرداختن حقوق مردم با وجود توانایی، گناه کبیره است.

دوم ـ سبک شمردن دین

رعایت حقوق مردم با بسیاری از احکام دینی، پیوند مستقیم دارد که اگر کسی آنها را رعایت نکند، در واقع، مسائل دینی را نادیده انگاشته است. ازاین‌رو، حضرت امام صادق(ع) می فرماید:

مَنْ عَظَّمَ دَینَ اللّهِ عَظَّمَ حَقَّ إِخْوانِهِ وَ مَنِ اسْتَخَفَّ بِدِینِهِ اسْتَخَفَّ بِإِخْوانِهِ.(۲)

هرکس دین خدا را تعظیم کند، حقوق برادرانش را نیز بزرگ می‌دارد و هرکس دین او را سبک شمارد، [حقوق] برادرانش را نیز سبک می‌شمارد.

سوم ـ مایه خواری

امام صادق (ع) فرمود:

تَرْکُ الْحُقُوقِ مَذَلَّهٌ.(۳)

پای مال کردن حقوق، مایه خواری است.

چهارم ـ برکت روزی

۱- [۱] . همان، ج ۱۰، ص ۲۲۹.
۲- [۲] . همان، ج ۷۴، ص ۲۷۸.
۳- [۳] . همان، ج ۷۸، ص ۲۴۲.

خ_داون_د ه_رگ_ز راض_ی ن_می شود گروهی س_هل‌انگار یا بداندیش، حقوق بندگانش را به عمد پ_ای‌م_ال ک_ن_ند. ازاین رو، به‌گونه ای آنان را گوشمالی می‌دهد که کاستن از برکت، یک نمونه از آن است. رسول گرامی اسلام فرمود:

م_َنْ ح_َب_َسَ ع_َنْ أَخِ_یهِ الْم_ُس_ْلِمِ ش_َی_ْئاً م_ِنْ ح_َقِّهِ ح_َرَّمَ اللّهُ ع_َلَی_ْهِ ب_َرَک_َهَ الرِّزْقِ اِلّا اَن یَتُوبَ.(۱)

هر کس چیزی از حقوق برادر مسلمانش را از او بازدارد، خداوند برکت روزی را بر او حرام می کند، مگر این که توبه کند.

پنجم ـ بازخواست در روز قیامت

رسول الله(ص) فرمود:

إِنَّ أح_َدَک_ُمْ لَی_َدَعُ م_ِنْ ح_ُق_ُوقِ أَخ_ِیهِ ش_َی_ْئاً ف_َی_ُطالِب_ُهُ ب_ِهِ ی_َوْمَ الْقِ_یام_َهِ ف_َی_ُق_ْض_ی لَهُ و عَلَیْهِ.(۲)

ه_م_ان_ا یکی از شما چیزی از حقوق برادرش را ترک می کند و او حقش را در روز قیامت از وی طلب می کند و در آنجا به نفع طلبکار و زیان بدهکار، حکم خواهد شد.

ششم ـ سبب ورود به دوزخ

اگر ض_ای_ع کنن_ده حق_وق مردم، ت_وبه نکن_د و بر ک_ار زش_ت خ_ویش اص_رار ورزد، ب_ه دس_ت خ_ود، س_رن_وش_ت_ش را تباه ساخته و فرجام خویش را در دوزخ قرار داده است.

امام صادق(ع) در این باره می فرماید:

ه_ر ک_س، م_ؤم_ن_ی را از ح_ق_ش ب_از دارد، خ_داون_د او را در روز ق_ی_ام_ت، پ_ان_ص_د س_ال س_رپ_ا ن_گ_ه می دارد و در ای_ن م_دت، عرق [از ب_دن او] ج_اری می ش_ود. س_پس ندادهن_ده‌ای از سوی خ_دای ب_زرگ اع_لام می کن_د: ای_ن

۱- [۱] . وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۳۲۵.
۲- [۲] . همان، ج ۱۲، ص ۲۱۳.

س_ت_م_گ_ری اس_ت ک_ه ح_ق خدا را ادا نکرده است. آن گاه مدت چهل سال دیگر توبیخ می‌شود و در نهایت به دوزخ می‌رود.(۱)

د) تعاون و همکاری اجتماعی

یکی از مسائلی که سبب تقویت هم بستگی اجتماعی می شود، تعاون و همکاری افراد جامعه است. دورکیم، تعاون و همکاری را همان تقسیم کار اجتماعی می‌دانست. تقسیم کار در کلی ترین کاربرد خود عبارت است از تقسیم یک شغل به اجزایی که هر یک از آنها از سوی اشخاص به‌طور جداگانه انجام می گیرد.(۲) از دیدگاه دورکیم، کارکرد تقسیم کار که با حیات اخلاقی نیز همراه است، هم بستگی اجتماعی است. بنابراین، کارکرد تقسیم کار امری فراتر از منافع اقتصادی است.(۳) البته «سودمندی اقتصادی تقسیم کار شاید تأثیری در این میان داشته است، ولی در هر صورت، نتایج حاصل از تقسیم کار از سپهر اغراض و منافع اساساً اقتصادی گسترده تر است؛ زیرا عبارت است از برقراری نوعی نظم خود بنیاد اجتماعی و اخلاقی»(۴) که در آن، «افراد چنان با هم پیوند یافته اند که اگر تقسیم کار نبود، به کلی مستقل می بودند».(۵)

رمز ایجاد هم بستگی به‌واسطه تقسیم کار، ناهمانندی هایی است که در تقسیم کار وجود دارد. البته ناهمانندی هایی که مکمل یکدیگرند؛ زیرا بدیهی است اگر ناهمانندی ها، مکمل یکدیگر نباشند، تضاد اجتماعی را پدید خواهند آورند.

۱- [۱] . بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۳۷۷.
۲- [۲] . جولیوس گولد و ویلیام ل.کولب، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه: مصطفی ازکیا و دیگران، تهران، مازیار، ۱۳۷۶، چ۱، ص ۲۵۵.
۳- [۳] . درباره تقسیم کار اجتماعی ، ص ۷۲.
۴- [۴] . همان.
۵- [۵] . همان.

دین اسـلام بـا تـوجه به نیازهـای انسـان در برآوردن نیازهـای او به وسـیله دیگران، برای تقویت وفـاق اجتمـاعی، مؤمنـان را به همکـاری و تعاون با یکـدیگر در امور خیر سـفارش کرده است. دورکیم تنها بر تفاوت های مکمل گونه تأکیـد کرده و آن را مایه وفاق اجتماعی دانسته است که به صورت غیرارادی و ناآگاهانه عمل می کند و انسان ها بدون آنکه خود بدانند، با تقسیم کار، نوعی هم بسـتگی و وفاق اجتماعی را برقرار می کنند. در این روش، نسـبت به شیوه دورکیم، برتری هایی وجود دارد که آنها را به شرح زیر بر می‌شماریم:

یـک ـ تنهـا تأکیـد بر ناهماننـدی هـا نیست، بلکه اسـلام در همه عرصه های زنـدگی انسان، بر تعاون و همکاری تأکیـد دارد. امروزه جامعه شـناسان معترفنـد جوامعی که دارای هم بسـتگی اندام وار (ارگانیک) هسـتند، هیچ گاه از هم بسـتگی میکانیکی (وجدان جمعی) بی نیاز نخواهند بود و اگر جامعه ای خالی از وجدان جمعی(احساس آگاهانه تعلق جمعی به چیز خاصی یا به یکـدیگر) باشد، افراد آن جامعه دچار از خود بیگانگی می شوند و در چنین جامعه ای، ناهنجاری های بی شـماری رخ خواهد داد.

دو ـ این نوع وفاق اجتماعی، ناآگاهانه و غیرارادی نیست، بلکه آگاهانه و ارادی است.

سه ـ اسـلام بـا تشویق پیروانش به نیکوکـاری، کار را دوباره تعریف کرده است؛ زیرا برخی کارها هماننـد رباخواری، قوادی، روسپی گری نه تنهـا سـبب هم بسـتگی و وفـاق اجتمـاعی نمی شود، بلکه سـبب نفـاق و دورویی و ایجـاد پراکنـدگی و بحران اجتماعی می شود. بر این اساس، خداوند در قرآن می فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالأَنصَابُ وَالأَزْلاَمُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ. إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَن يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَن ذِكْرِ اللّهِ وَعَنِ الصَّلاَةِ فَهَلْ أَنتُم مُّنتَهُونَ. (مائده: ۹۰ و۹۱)

ای کسانی که ایمان آورده اید، شراب و قمار و بت ها و تیرهای قرعه پلید [و] از عمل شیطانند. پس از آنها دوری گزینید. باشد که رستگار شوید. همانا شیطان می خواهد با شراب و قمار میان شما دشمنی و کینه ایجاد کند و شما را از یاد خدا و از نماز باز دارد. پس آیا شما دست برمی دارید؟

پرسش اساسی این است که آیا تنها تعاون و همکاری سبب وفاق اجتماعی می شود یا نوع خاصی از همکاری سبب وفاق اجتماعی می گردد؟

پاسخ این است که تنها همکاری سبب وفاق اجتماعی نمی شود، بلکه گونه های خاصی از همکاری است که سبب تقویت وفاق اجتماعی می شود که همه آنها را می توان «خیرات» نامید؛ زیرا تعاون و همکاری هنگامی سبب وفاق اجتماعی می شود که برای امور نیک، معقول و منطقی صورت گیرد. همکاری در عصیان، گناه، امور نابخردانه و دشمنی، نه تنها سبب وفاق اجتماعی نمی شود، بلکه سبب چند دستگی در جامعه می‌شود و به شیرازه جامعه آسیب می رساند، چنان‌که درباره قوم لوط چنین اتفاقی افتاد. آنها در امور غیراخلاقی با هم همکاری داشتند که سبب نابودی آنها شد.

خداوند در قرآن کریم درباره لزوم همکاری می فرماید:

وَ تَعاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوى وَ لا تَعاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوانِ وَاتَّقُوا اللّهَ إِنَّ اللّهَ شَديدُ الْعِقابِ. (مائده: ۲)

و [همواره] در راه نیکی و پرهیزکاری با هم تعاون و همکاری داشته باشید و [هرگز] در راه گناه و تعدی همکاری نکنید و از [مخالفت فرمان] خدا بپرهیزید که مجازات خدا شدید است.

ص:۵۵

اینکه خداوند پس از نهی از همکاری در کارهای غیرانسانی (گناه و دشمنی)، به کسانی که این نهی را نادیده بگیرند، وعده عقاب می دهد، نشانه اهمیت این سخن است.

نکته مهم دیگر این است که وعده عقاب خداوند، تشریفاتی یا لزوماً عقاب در آخرت نیست، بلکه افزون بر عذاب در آخرت، کیفر در دنیا را نیز شامل می شود. از آنجایی که گناه به صورت جمعی و در شکل تعاون بر اثم و عدوان بوده است، لزوماً مجازات آنها نیز به صورت جمعی نازل خواهد شد. وقتی قوم بنی اسرائیل برای پرستش گوساله اجتماع کردند، خداوند، راه توبه را عذاب عمومی قرار داد:

وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلَ فَتُوبُواْ إِلَى بَارِئِكُمْ فَاقْتُلُواْ أَنفُسَكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ عِندَ بَارِئِكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ. (بقره:۵۴)

چون موسی به قوم خود گفت: ای قوم من! شما با [به پرستش] گرفتن گوساله بر خود ستم کردید. پس به درگاه آفریننده خود توبه کنید و [خطاکاران] خودتان را به قتل برسانید که این [کار] نزد آفریدگارتان برای شما بهتر است. پس [خدا] توبه شما را پذیرفت که او توبه پذیر مهربان است.

روشن است که عذاب گروهی که خداوند وعده داده است، شیرازه جامعه را از هم می گسلد و وفاق اجتماعی را نابود می سازد.

حضرت علی(ع)، نیز با تأکید بر تعاون در کارهای نیک می فرماید:

چون امر خیر و نیکی یافتید، به کمک و یاری آن بشتابید و اگر شری دیدید، از آن فاصله بگیرید که رسول خدا(ص) همواره می فرمود: ای انسان! در نیکی بکوش و بدی را واگذار؛ که اگر چنین باشی، رهرو میانه روی خواهی بود.(۱)

یک ـ اهمیت همکاری و تعاون اجتماعی در نگاه بزرگان دین

ص:۵۶

۱- [۱] . نهج البلاغه صبحی صالح، خطبه ۱۷۶، صص ۲۵۴و۲۵۵.

تعاون اجتماعی به دلیل نقش محوری آن در وفاق اجتماعی، از جایگاه ویژه ای در اسلام برخوردار است، به گونه ای که پیامبراعظم(ص) آن را از موردهایی می‌دانست که رعایت نکردنش سبب بی دینی و خروج جامعه از مدار ولایت خداوند می شود و عذاب الهی را پدید می آورد.

پیامبر اعظم(ص) در این باره می‌فرماید:

مَنْ أَصبَحَ وَ لایَهْتَمُّ بِأَمْرِ الْمُسْلِمینَ فَلَیْس مِنَ الْاِسْلامِ فِی شَیءٍ وَ مَنْ شَهِدَ رَجُلاً یُنادِی یا لَلْمُسْلِمینَ فَلَمْ یُجِبْهُ فَلَیْسَ مِنَ الْمُسْلِمینَ.(۱)

هرکس چنین شود که به امور مسلمان ها همت نگمارد، چیزی از اسلام در او نیست و کسی که شاهد باشد انسانی فریاد می‌زند و از مسلمانان کمک می‌طلبد، ولی به او کمک نکند، جزو مسلمانان نیست.

اگر اهتمام به امور مسلمانان جزو برنامه های مسلمانان نباشد، جامعه اسلامی آسیب می بیند. امام کاظم(ع) در این باره می فرماید:

مَنْ قَصَدَ إِلَیْهِ رَجُلٌ مِنْ إِخْوانِهِ مُسْتَجیراً بِهِ فی بَعْضِ أَحْوالِهِ فَلَمْ یُجِرْهُ بَعْدَ اَنْ یَقْدِرَعَلَیْهِ، فَقَدْ قَطَعَ وِلایَهَ اللّهِ عَزَّوَجَلَّ.(۲)

هر کس که برادر دینی‌اش برای حل پاره‌ای از مشکلات خود به او پناه آورد و وی با آنکه توانایی حل آن را دارد، از انجام خواسته او سرباز زند، همانا ولایت خدای بزرگ را از خود قطع کرده است.

امام صادق(ع) می فرماید:

ما مِنْ مُؤْمِنٍ یَخْذُلُ أَخاهُ وَ هُوَ یَقْدِرُ عَلی نُصْرَتِهِ إِلاّ خُذْلَهُ اللّهُ فِی الدُّنْیا وَ الْآخِرَهِ.(۳)

ص:۵۷

۱- [۱] . بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۲۱.

۲- [۲] . اصول کافی، ج ۲، صص ۳۶۶ و ۳۶۷.

۳- [۳] . شیخ صدوق، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس، ۱۴۰۸ق، ۱۳۶۶ش، ص ۲۸۴.

هیچ مؤمنی برادر دینی خود را در حالی که توانایی یاری اش را دارد، تنها و بی یاور نخواهد گذاشت، مگر آنکه خداوند او را در دنیا و آخرت تنها و بی یاور می گرداند.

ایشان در جایی دیگر می فرماید:

أَیُّما رَجُلٍ مِنْ شِیعَتِنا أَتی رَجُلاً مِنْ إِخْوانِهِ فَاسْتَعانَ بِهِ فی حاجَتِهِ فَلَمْ یُعِنْهُ وَ هُوَ یَقْدِرُ إِلاّ ابْتَلاهُ اللّهُ بِأَنْ یَقْضِیَ حَوائِجَ غَیْرِهِ مِنْ أَعْدائِنا، یُعَذِّبُهُ اللّهُ عَلَیْها یَوْمَ الْقِیامَهِ.(۱)

هر یک از شیعیان ما که نزد یکی از برادران دینی خود برود و از او برای رفع نیازش کمک بخواهد، ولی او با اینکه توانایی یاری وی را دارد، کوتاهی کند خداوند، او را به برآوردن نیازهای دشمنان ما گرفتار می کند تا به واسطه آن در قیامت عذابش کند.

دو_ مهم ترین مصداق های همکاری اجتماعی

اول _ همکاری اجتماعی در اجرای حق

یکی از مصداق های خیر و پرهیزکاری، اجرای حق و عدالت است. همکاری در مبارزه با باطل و اجرای حق، یکی از مورد هایی است که وفاق اجتماعی را در پی دارد.

امیرمؤمنان علی(ع) این گونه مشارکت را جزو حقوق واجب الهی برشمرده است و می فرماید:

لَکِنْ مِنْ وَاجِبِ حُقُوقِ اللَّهِ عَلَی عِبَادِهِ ... التَّعَاوُنُ عَلَی إِقَامَهِ الْحَقِّ بَیْنَهُمْ.(۲)

بخشی از حقوق واجب الهی بر بندگان این است که... برای اجرای حق در میان خود همکاری کنند.

۱- [۱] . اصول کافی، ج ۲، ص ۳۶۶.

۲- [۲] . نهج البلاغه صبحی صالح، قم، انتشارات دارالهجره، بی‌تا، خطبه ۲۱۵، ص ۳۳۴.

از آنجا که باطل بر پایه هواهای نفسانی بنا شده است، همکاری در به کرسی نشاندن امر باطل، ممکن است نوعی اتحاد موقت ایجاد کند، ولی سرانجام سبب جدایی و پراکندگی می شود؛ زیرا باطل همانند کف دریا تنها برخی وقت ها می تواند خودی نشان دهد، ولی هرگز نمی تواند دوام بیاورد و سرانجام ماهیت آن آشکار می گردد و نابود می شود.

دوم _ همکاری در هدایت و اصلاح دیگران

خیرخواهی و تلاش برای اصلاح خود و دیگران سبب هم بستگی بیشتر اجتماعی خواهد شد. برعکس، هرچه افراد نسبت به یکدیگر بی اعتنا باشند، به همان اندازه، گسست اجتماعی، بیشتر و قلب های مردم از هم دور خواهد شد. یاری دادن برادران دینی برای هدایت، اصلاح و تهذیبشان، از دیگر جنبه های مهم تعاون است که سبب رشد آنان می گردد و برکت های آن در جامعه نمودار می شود.

حضرت علی(ع) درباره حقوق خداوند بر بندگان می فرماید:

لَكِنْ مِنْ وَاجِبِ حُقُوقِ اللَّهِ عَلَی عِبَادِهِ النَّصِیحَهُ بِمَبْلَغِ جُهْدِهِمْ.(۱)

بخشی از حقوق واجب الهی بر بندگان این است که به اندازه توان خود همدیگر را سفارش و هدایت به خیر کنند.

همچنین ایشان می فرماید:

أعِنْ أخاکَ عَلی هِدایَتِهِ.

برادر دینی ات را در هدایتش [به سوی رشد و کمال] یاری کن. (۲)

در جایی دیگر نیز می فرماید:

أشْفَقُ النّاسِ عَلَیْکَ أعْوَنَهُمْ لَکَ عَلی صَلاحِ نَفْسِکَ... .(۳)

ص:۵۹

۱- [۱] . همان.
۲- [۲] . عبدالواحد تمیمی آمدی، شرح غررالحکم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۱۷۸.
۳- [۳] . همان، ص ۴۸۶.

دل سوزترین مردم نسبت به تـو کسی است که جهت اصلاح نفست، بیشترین یاری را به تو برساند.

مؤمن آنچه برای خودش می پسندد، باید برای برادر دینی خود نیز بپسندد؛ چون این شیوه سبب یک رنگی و هم‌دلی می شود.

سوم ـ همکاری در طاعت الهی

یکی از مصداق های همکاری در کارهای نیک، همکاری در طاعت است. همکاری در طاعت می تواند شامل امور عبادی یا امور اجتماعی باشد. برای نمونه، حضور افراد در عبادت های گروهی همانند نماز جماعت، نمازجمعه و حج از مصداق های تعاون در طاعت الهی است. شرکت در مراسم گردآوری زکات یا شرکت در جهاد و امر به معروف و نهی از منکر، از دیگر مصداق های اطاعت الهی در امور اجتماعی است. این امر بسیار مهم است، به گونه ای که ترک آنها جامعه را به خطر می اندازد. ازاین‌رو، حضرت علی(ع) با تأکید بر آن می فرماید:

وَ اللَّهَ اللَّهَ فِی الْجِهَادِ بِأَمْوَالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ وَ أَلْسِنَتِکُمْ فِی سَبِیلِ اللَّهِ... لَاتَتْرُکُوا الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْیَ عَنِ الْمُنْکَرِ.(۱)

خدا را، خدا را در جهاد با اموال و جان‌ها و زبان هایتان در راه خدا... ترک نکنید امر به معروف و نهی از منکر را.

همکاری در طاعت الهی افزون بر آثار اجتماعی، آثار فردی نیز دارد. حضرت علی(ع) با اشاره به این جنبه از تعاون، همراه و یاور انسان در انجام طاعت الهی را بهترین یار او معرفی کرده است و می فرماید:

اَلْمُعینُ عَلَی الطّاعَهِ خَیْرُ الأَصْحابِ.(۲)

بهترین یار انسان کسی است که در انجام طاعت و عبادت پروردگار کمک

۱- [۱] . نهج البلاغه فیض الاسلام ، نامه ۲۷، ص۴۲۲.
۲- [۲] . شرح غررالحکم، ج ۱، ص ۲۹۸.

و همراه او باشد.

چهارم _ گذشت و مدارا

معمولاً ـ کمتر اتفـاق می افتـد که دو نفر در همه ویژ گی هـا مثل هم باشـند. انسان ها خواسـته های فردی ویژه ای دارنـد که هر کـدام بـا دیگری فرق دارد. اگر قرار باشـد هرکس دنبـال خواسـته دل خـود برود، سـنگ روی سـنگ بنـد نمی شـود. هر قـدر فردگرایی رشـد یابـد، وفاق اجتماعی تضـعیف می شود. براین اساس، در جامعه های غربی که به صورت افراطی بر فردگرایی، لذت گرایی و اصالت فرد تأکید می شود، هم بسـتگی و وفاق اجتماعی روز به روز کاهش یافته است و مسئولان این جوامع، با پررنگ تر کردن نقش حکومت، سـعی در جبران آن دارنـد. این در حالی است که اسـلام برای رفع این کاستی، پیشـنهاد داده است تا گذشت و مدارا نهادینه شود. اسلام از افراد می خواهد که دربرابر خواسته های خردمندانه دیگران، نرمش نشان دهند. حضرت علی(ع) در این باره فرموده است:

اَلرِّفْقُ مِفْتاحُ الصَّوابِ وَ شیمَهُ ذَوِی الاَلْبابِ.(۱)

ملایمت، کلید درستی و روش خردمندان است.

ای_ن ویژ گی اهمیت بسیاری دارد، به گونه ای که خداوند، آن را بر پیامبر اسلام واجب کرده است و می فرماید:

أَمَرَنی رَبّیِ بِمُداراهِ النّاسِ کَما اَمَرَنی بِأَداءِ الْفَرائِضِ.(۲)

پروردگارم، مرا به مدارا با مردم فرمان داده است، چنان که به ادای واجبات فرمان داد.

۱- [۱] . همان، ج ۲، ص ۳۸.

۲- [۲] . محمدمهدی نراقی، جامع السعادات، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۸۳ه_ . ق، ۱۹۶۳م. ج ۱، ص ۳۴۱.

در جـایی دیـگـر، آن را نـیـمـی از ایـمـان دانـسـتـه است کـه بـدون آن، ایـمـان فـرد کـامل نخواهد بود: «أَلْمُداراةُ نِصْفُ الاْ یمانِ؛ مدارای با مردم، نصف ایمان است».(۱)

خرد، تجربه و دین بر ضرورت و حیاتی بودن رفاقت و مدارا با اعضای خانواده، همکاران، هم کیشان، هم میهنان و هم نوعان، و اثرگـذاری حیـاتی آن بر وفاق اجتماعی دلالت دارد. ازاین رو، مسـئولان جامعه بایـد بکوشـند تا مـدارا را جزو آموزش های لازم قرار دهنـد و کـاری کننـد همگـان در خـانه و خیابـان، مـسـجـد و مـدرسـه، کشـتزار و کـارخـانـه و بـاآشـنـا و بیگـانه، گرم و صـمیمی باشـند و بـا نرمی و خـوش رویی برخـورد کننـد و از هـرگـونـه تـنـدی و خـشـونـت، بـداخـلاقـی و بـدزبـانی و درگیری بپرهیزند.

دوستی مؤمنان سـبب فراگیر شـدن وفاق اجتماعی می‌شود. هرچه در جامعه، افراد بیشتری باهم رابطه خوبی داشـته باشـند، هم‌بسـتگی در آن جامعه محکم‌تر است. ازاین‌رو، اسـلام، تهمت، غیبت، و تمسـخر را ناپسـند شـمرده است. در هیمن راستا رفق و مدارا با مؤمنان سبب افزایش دوستی‌ها و کاهش دشمنی‌ها می‌شود.

حضرت امیرمؤمنان(ع) در این باره می‌فرماید:

رِفقُ المَرْءِ وَ سَخائُهُ یُحَبِّبُهُ اِلی أَعدائِهِ.(۲)

نرم‌خویی و سخاوت شخص، او را محبوب دشمنانش می کند.

گذشت و چشم پوشی نیز همانند رفق و مدارا، اثر شگرفی در هم بستگی اجتماعی دارد. خداوند در این باره می فرماید:

الْدْفَعْ بِالَّتِی هِیَ أحْسَنُ فَإِذَا الَّذِی بَیْنَکَ وَبَیْنَهُ عَدَاوَةٌ کَأَنَّهُ وَلِیٌّ حَمِیمٌ. (فصلت: ۳۴)

ص:۶۲

۱- [۱] . همان.

۲- [۲] . شرح غررالحکم، ج ۴، ص ۹۶.

در برابر کسی که به شما بدی کرده است، خوبی کن تا دوستی آتشین بین شما حاکم شود.

در جای دیگر می فرماید:

ادْفَعْ بِالَّتِی هِیَ أَحْسَنُ السَّیِّئَهَ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا یَصِفُونَ. (مؤمنون: ۹۶)

بدی را به شیوه ای نیکو دفع کن. ما به آنچه وصف می کنند، داناتریم.

خداوند در آیه نخست به روشنی تصریح می کند علت اینکه خداوند از شما می خواهد بدی را با خوبی پاسخ دهید، این است که میان شما دوستی و وفاق ایجاد شود.

با ب_ررس_ی دیگر م_ن_اب_ع اس_لام_ی درمی یابیم ک_ه گ_ذش_ت، ی_ک_ی از اصول اساسی در برخورد اجتماعی است. خدا از پیامبر اعظم(ص) می‌خواهد که به روشی نیکو از اشتباه های مردم بگذرد: «فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمیلَ؛ به طریق نیکو گذشت کن». (حجر: ۸۵)

در این باره از ام_ام ع_لی (ع) چ_ن_ی_ن ن_ق_ل ش_ده است: «ص_ف_ح جمیل، عفو بدون عتاب و سرزنش مجرم است».(۱)

پ_ی_ش_وای_ان بزرگ اس_لام، هم_واره عف_و و گ_ذشت را ب_ه پیروان خ_ود می آموختن_د. برای نم_ونه، روزی _اب_وه_ری_ره_ ن_زد ام_ام ع_لی(ع) آمد و سخنان ناروایی به حضرت گفت. ف_ردای آن روز ش_رف یاب شد و خواسته هایی را خدمت حضرت مطرح کرد و علی (ع) همه آنها را برآورده ساخت. این کار امام بر برخی از اصحاب گران آمد و سبب اعتراض آنان شد. حضرت به یارانش فرمود:

اِنّی لَأَسْتَحْیِی أَنْ یَغْلِبَ جَهْلُهُ عِلْمِی وَ ذَنْبُهُ عَفْوِی وَ مَسْأَلَتُهُ جُودِی.(۲)

م_ن از ای_نکه نادانی او بر علمم، گناه او بر عفوم و درخواست او بر بخشایشم

ص:۶۳

۱- [۱] . طبرسی، مجمع البیان، بیروت، دارالمعرفه، ج ۶، ص ۳۴۴.

۲- [۲] . بحارالانوار، ج ۴۱، ص ۴۹.

چیره شود، شرم می کنم.

امام صادق(ع) در این باره فرمود:

اِنّا اَهْلُ بَیْتٍ، مُرُوَّتُنَا الْعَفْوُ عَمَّنْ ظَلَمَنا.(۱)

ما خاندانی هستیم که جوان مردی مان، گذشت از کسی است که بر ما ستم کرده است.

روشن است در جامعه ای که فرهنگ گـذشت فراگیر باشـد، پیونـد عاطفی افراد نسـبت به همدیگر عمیق تر می شود و این امر سبب تقویت وفـاق اجتماعی خواهـد شـد. برعکس، اگر افراد نسبت به همـدیگر گـذشت نداشـته باشـند، برای کوچک ترین مسئله، کارشـان به دادگـاه خواهـد کشـید و با عمیق تر شـدن اختلاف ها و گسترش دشـمنی ها، وفاق اجتماعی کم رنگ می شود. البته هر نوع عفو و گـذشتی، سـبب وفـاق اجتمـاعی نخواهـد شـد، بلکه چه بسـا برخی مورد هـا سـبب از هم گسـیختگی اجتماعی شود.

ان_دک_ی درنـگ در به کـار گیری واژه عفو در آثار اسـلامی نشان می دهـد که این واژه گاهی در ب_راب_ر ان_تقام و گاهی در برابر مجازات به کار می رود. آنجا که عفو در برابر ان_ت_ق_ام به کار گرفته شده، چون منظور از انتقام، تسـکین خـاطر انتقـام گیرنـده است و او تمـام ه_م_ت خ_ود را ص_رف ف_رونشانـدن آتش خشم خویش می سازد و هیـچ گونه نظری بـه اصـلاح و ه_دایت طرف مقابـل نـدارد، عفـو، یـک ارزش به شـمار می آیـد و سـبب وفـاق اجتمـاعی می شـود. اگر ع_ف_و در ب_راب_ر ع_ق_وب_ت و م_ج_ازات شـخص خطاکـار بـه کـار رود و انسـان سـرگردان شـود و نـداند خ_طاکـار را ببخشـد یـا او را عادلانه مجازات کنـد، عفو به طور مطلق ارزش به شـمار ن_م_ی آیـد. م_ج_ازات ه_م_یشه ناپسند نیست. گزینش یکی از دو راه تا حدود زیادی، به دو عامل

۱- [۱] . همان، ج ۷۱، ص ۴۱۴.

تعیین کننده؛ یعنی نوع جرم و وضعیت مجرم بستگی دارد. اگر جرم و تجاوز نسبت به حقوق شخصی باشد و زیان ناشی از خطا و لغزش، متوجه فرد یا گ_روه م_ح_دودی شود، در این صورت، عامل دوم (وضعیت مجرم) تعیین کننده است. به این معنا که ب_ای_د دی_د آیا گذشت سبب پشیمانی و اصلاح مجرم می شود یا بر جسارت او در ت_ک_رار ع_م_ل ن_اپ_س_ن_دش م_ی اف_زای_د. ان_س_ان های فاضل و ب_زرگوار، اگر طرف م_ق_ابل را از کرده خود پشیمان و شایسته عفو و بخشش ببینند، به سادگی از او می گذرند، ولی اگر به این نتیجه برسند که عفو مجرم، او را گستاخ تر می سازد و گذشت بزرگوارانه آن_ان را ح_م_ل بر ضعف یا ترس می کند، او را به خاطر جرمش تحت تعقیب قانونی قرار می‌دهند تا به کیفر عمل خود برسد.

بنابراین، ب_ه ک_ارگ_ی_ری ب_خ_ش_ش در مورد اشخاص شایسته و خودداری از عفو افراد فرومایه، همواره سفارش شده است. ام_ام ع_لی(ع)، ک_س_ی را ک_ه از روی دانش و آگاهی مرتکب جرمی شود، شایسته عفو نمی داند و می فرماید:

اَلْمُذْنِبُ عَلی بَصیرَهٍ غَیْرُ مُسْتَحِقٍّ لِلْعَفْوِ.(۱)

آن‌که با بصیرت بر زشتی گناه، آن را مرتکب می‌شود، سزاوار عفو نیست.

امام زین العابدین(ع) نیز در رساله حقوق خود می فرماید:

وَ حَقُّ مَنْ ساءَکَ أَنْ تَعْفُوَ عَنْهُ، وَ اِنْ عَلِمْتَ اَنَّ الْعَفْوَ یَضُرُّ انْتَصَرْتَ.(۲)

حق کسی که به تو بدی کرده آن است که از او بگذری، ولی اگر عفوِ او را زیان بار دانستی، می توانی او را عقوبت کنی.

۱- [۱] . شرح غررالحکم، ج ۱، ص ۳۹۱.
۲- [۲] . بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۹.

اگر جرم و تجاوز، مربوط به حقوق جامعه باشد، چون حدود الهی و حقوق اج_ت_ماعی در میان است و خوش بختی عمومی در گرو اجرای آنهاست، ناگزیر حدود باید اجرا و ح_ق_وق پرداخت شود؛ زی_را در غیر این صورت، امنیت و وفاق اجتماعی نابود می شود؛ زمینه را برای هرج و مرج و ناامنی فراهم می کند؛ ادامه زندگی را ب_رای م_ردم دش_وار می سازد و به یک پارچگی جامعه نیز آسیب می زند. بدین ترتیب، با کوچک ترین تهاجم خارجی، جامعه از هم خواهد پاشید؛ زیرا مردم اطمینان خود را نسبت به سردمداران از دست خواهند داد و هنگام خطر آنها را یاری نخواهند کرد.

تأکید قرآن بر لزوم اجرای حدود الهی در همین راستاست. برای همین، در آیه حد زنا می فرماید:

وَلَا تَأْخُذْكُم بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلْيَشْهَدْ عَذَابَهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ.(۱)

مؤمنان حق ندارند در مورد آنها رأفت و نرمی به خرج دهند و باید گروهی از مؤمنان شاهد عذاب و آبروریزی آنها باشند تا این کار دیگر تکرار نشود.

به عبارت دیگر، ایان با هدف قرار دادن وجدان جمعی، اساس جامعه را تهدید کرده و در خطر نابودی قرار داده اند. روایت شده است روزی زن_ی از بزرگان ق_ب_ی_له ب_نی مخزوم دزدی کرد و قرار شد حد سرقت بر او جاری ش_ود. س_ران ق_ب_ی_له از بیم آنکه اجرای حد سبب سرافکندگی آنان در میان مردم شود و این ننگ برای ایشان بماند، _اُسا___مه___ بن زید_ را به شفاعت، نزد پیامبر اسلام ف_رس_تادند. آن حضرت پس از آگاهی از مضمون پیام، با خشم فرمود: «ای اُسامه، تو را نبینم که درباره تعطیل حدی از حدود خداوند شفاعت کنی.» آن‌گاه در جمع مهاجر و انصار حضور یافت و چنین فرمود: «ع_لت

۱- [۱] . نور: ۲.

هـلاکـت قوم های گـذشته این بود که هرگاه شخص نامداری از آنان دزدی می کرد، حد خداوند را بر او اجرا نمی کردند، ولی اگر فرد ضعیفی دست به این کار می زد، حکم را اجرا می کردند. به خدا سوگند، حتی اگر دخترم فاطمه دزدی کند، دستش را قطع خواهم کرد».(۱)

باید در نظر داشت که افراط در مدارا، مشکلاتی برای فرد و جامعه می آفریند. بنابراین، انسان باید دقت کند مدارا سبب سوءاستفاده نشود و در جای خود به کار رود. ازاین رو، حضرت امیرمؤ منان علی(ع) می فرماید:

إِخْلِطِ الشِّدَّهَ بِرِفْقٍ وَارْفُقْ ما کانَ الرِّفْقُ أَوْفَقَ.(۲)

قاطعیت را با نرمی درهم آمیز و تا جایی که نرمی کارساز است، نرمی پیشه کن.

۳. روابط گروه های اجتماعی

اشاره

گروه های اجتماعی شامل گروه های خانوادگی، خویشاوندی، قومی، (هم ملیتی) است. اسلام برای هرکدام از این گروه های اجتماعی، سفارش ویژه ای دارد که آنها را بررسی خواهیم کرد:

الف) روابط مؤمنان با مؤمنان و کافران

وقتی هویت اجتماعی شکل می گیرد که مرزهای اجتماعی مشخص باشد و مرزها هنگامی مشخص خواهد شد که افراد خودی ها را بشناسند و نسبت به آنها مهربان باشند و از دشمنان فاصله بگیرند و در صورت لزوم، با آنها خصمانه برخورد کنند. قرآن با تأکید بر این دو عامل؛ یعنی جاذبه خودی ها و دافعه بیگانگان، خواسته است تا هر چه بیشتر در شکل گیری وفاق اجتماعی مطلوب بکوشد. خداوند در این باره می فرماید:

۱- [۱] . محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه ، دفتر تبلیغات اسلامی، ج ۲، ص ۳۰۸.

۲- [۲] . شرح غررالحکم، ج ۲، ص ۲۰۴.

مُّحَمَّدٌ رَّسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِم مِّنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَاةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُم مَّغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا. (فتح:۲۹)

محمد(ص) پیامبر خداست و کسانی که با اویند بر کافران سخت گیر و با همدیگر مهربانند... آنان را در رکوع و سجود می‌... بینی فضل و خشنودی خدا را خواستارند علامت [مشخصه] آنها بر اثر سجود در چهره‌هایشان است این صفت ایشان در تورات است و مثل ایشان در انجیل چون دانه‌ای است که جوانه خود برآورد و آن را مایه دهد تا سبز شود و بر ساقه‌های خود بایستد و دهقانان را به شگفت درآورد تا از [انبوهی] آنان [خدا] کافران را به خشم اندازد. خدا به کسانی از آنان که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند، آمرزش و پاداش بزرگی وعده داده است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ مَن يَرْتَدَّ مِنكُمْ عَن دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللّهِ وَلاَ يَخَافُونَ لَوْمَةَ لآئِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاء وَاللّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ . (مائده: ۵۴)

ای کسانی که ایمان آورده اید، هر کس از شما از دین خود برگردد، به زودی خدا گروهی را می آورد که آنان را دوست می دارد و آنان نیز او را دوست دارند. آنان با مؤمنان فروتن و بر کافران سرافرازند. در راه خدا جهاد می کنند و از سرزنش هیچ ملامت‌گری نمی ترسند. این فضل خداست. آن را به هر که بخواهد می دهد و خدا گشایشگر داناست.

خداوند در این آیه ها، مؤمنان را به گذشت با یکدیگر و به سختی و گردن کشی در برابر دشمنان فرا می خواند. قرآن می خواهد ما را از این دو راه به وفاق اجتماعی برساند و موفقیت زمانی به دست می آید که این دو با هم باشند. به عبارت دیگر، همان گونه که با گذشت و مدارا در میان برادران دینی

می توانیم به وفاق اجتماعی دست یابیم، با دشمنی و جهاد با معارضان، معاندان و کافران، می توانیم به وفاق اجتماعی برسیم؛ زیرا تهدید خارجی بر رفتار مردم به ویژه جوانان اثر مستقیمی می گذارد. داشتن دشمن مشترک همواره سبب هم بستگی مردم می شود.(۱) به دنبال آن، شرکت کنندگان در این جنگ، فرهنگی متناسب با ارزش های ملی آن جامعه را به وجود می آورند. در زمان جنگ، انسان به الگوهای ارزشی و اخلاقی بیشتر توجه دارد، ولی در دورانی که انسان خیالش از دشمن راحت است، رقابت ها و درگیری ها برای رسیدن به قدرت شکل می گیرد.

در سال هایی که مردم احساس امنیت دارند و دشمن خارجی را فراموش می کنند، سفسطه گرایی، عمل گرایی(۲) و فردگرایی(۳) جای گزین هم‌بستگی، ایثار، فداکاری و وفاق اخلاقی می شود. به سخن دیگر، توجه به دشمن, عامل مهمی در هم‌بستگی اجتماعی، ارائه الگوهای ارزشی وفاق اخلاقی و پیوند جوانان با جامعه و نسل گذشته است، ولی با پایان یافتن حساسیت نسبت به دشمن، این عامل از بین می رود. بنابراین، در دوران معاصر, با بی توجهی به دشمن و دشمن شناسی، زمینه برای قطع رابطه با گذشته، روی آوری به الگوهای منحط بیگانگان، علاقه مندی به مدرنیسم و الگوهای جهانیِ فرهنگ فراهم می شود. این وضعیت از یک سو, سبب رشد توسعه همه جانبه در بازار فرهنگی(۴) می شود و از سوی دیگر, تحت تأثیر رسانه های جمعی قرار می گیرد.(۵)

۱- [۱] . برای نمونه جنگ ایران و عراق، سبب هم بستگی اجتماعی فوق العاده ای شد که حتی اهل کتاب نیز داوطلبانه، دوشادوش رزمندگان مؤمن شیعی، با دشمن مشترک جنگیدند.

۲- [۲] . Pragmatism.

۳- [۳] . Individulism.

۴- [۴] . Culturral Bazar.

۵- [۵] . نک: رسول ربانی, جامعه شناسی جوانان، تهران. آوای نور، ۱۳۸۰، صص ۲۹ و ۳۰.

این نکته ظریفی است که تجربه هـای ملت هـا و قوم های گوناگون آن را تأییـد می کنـد. همچنین قرآن نیز به آن توجه دارد. قرآن کریم با تأکیـد بر «أشِدَّاء عَلَی الْکُفَّارِ» (فتح: ۲۹) و «أعِزَّةٍ عَلَی الْکَافِرِینَ» (مائـده: ۵۴) همواره مؤمنـان را در حالت نبرد با کافران قرار می دهد. نفس حالت تهاجمی مؤمنان نسبت به دشمنان، در حفظ وفاق اجتماعی کافی است. عکس آن نیز صادق است؛ یعنی اگر روحیه تسامـح و تساهل در میان افراد جامعه تقویت شود، به هر میزانی که این روحیه رشـد می کنـد، به همان اندازه از وفاق اجتماعی کاسته می شود. ازاین‌رو, قرآن، قوام جامعه اسلامی را بسته به این دو چیز دانسته است, چنان‌که به این مورد اشاره دارد: «مَن یَرْتَدَّ مِنکُمْ عَن دِینِهِ» (مائـده :۵۴) از دست دادن این دو عنصـر به معنـای دوری از جامعه اسـلامی است؛ زیرا هویت جامعه اسـلامی تنها با این دو قوام می یابـد وگرنه جامعه اسـلامی وجود خارجی نخواهد داشت. وقتی بنی اسـرائیل طرح دوستی با دشـمنان خـدا؛ یعنی آشور و مصـر را ریختنـد و تساهل و تسامـح با دشـمنان را پیش گرفتنـد، خداونـد از طریق ـارمیای نبیـ به آنها گفت اگر از این کارهای ناشایست دست برندارید، کافران را بر شـما مسلط می کنم. بنی اسرائیل با این اسـتدلال که مگر ممکن است خداونـد, قومی را که ادعـای خـدا پرستی دارد, به دست کـافران (دشـمنان خودش) نابود کنـد, سخن خداوند را نادیده گرفتند. خداوند خطاب به ارمیای نبی فرمود:

... خـدای قـادر متعـال می فرمایـد: از اتحـاد بـا مصـر و آشور چه نفعی برده ای. شـرارت و گنـاه خودت تو را تنبیه و مجازات خواهد کرد... آن‌گاه خواهی دید که سـرپیچی از خدا و بی احترامی به او چه سـرانجام بدی دارد. از مدت ها پیش یوغ مرا از گردنت باز کردی. رشته های انس و الفت خود را با من بریدی و با کمال بی شرمی از من سرپیچی کردی؛... همچون

شیری که شکار خود را می کشد، شما هم انبیای مرا کشته اید... مدام به دنبال هم‌پیمانان جدید می گردید، ولی همان گونه که آشور شما را رها کرد، مصر نیز کمکی به شما نخواهد کرد و از آنجا نیز ناامید و سرافکنده باز خواهید گشت. چون خداوند, کسانی را که شما به ایشان تکیه می کنید, طرد کرده است، با وجود تمام کمک های ایشان، باز هم کاری از پیش نخواهید برد.(۱)

در این سخن، کشتن پیامبران و فسق و فجور و پناه بردن به کشورهای کافر، در یک ردیف بیان شده است.

ب) روابط مردم با حکومت اسلامی

مهم ترین عنصر وفاق اجتماعی، نوع پیوند مردم با حکومت است. حضرت علی(ع) در خطبه ای این مسئله را زیر عنوان «حق الوالی علی الرعیه و حق الرعیه علی الوالی» بیان فرمود.(۲) در این بحث به ترجمه و تفسیر این خطبه بسنده می شود. حضرت علی(ع) پیش از هرچیز تأکید می کند:

۱- [۱] . کتاب مقدس عهد عتیق، کتاب ارمیای نبی ، جملات ۱۸ تا ۳۶. به یقین، بخش هایی از کتاب یهود تحریف شده است، ولی لحن این کلمات نشان می دهد که تحریف نشده اند؛ چراکه مضمون آن شبیه مضمون قرآن است.

۲- [۲] . (نهج البلاغه صبحی صالح، خطبه ۲۱۶، صص۳۳۳ و۳۳۴ و نهج البلاغه سید رضی، صص ۵۲۸ و ۵۲۹). متن کامل فرمایش امیرمؤمنان چنین است: ... وَ أَعْظَمُ مَا افْتَرَضَ سُبْحَانَهُ مِنْ تِلْکَ الْحُقُوقِ حَقُّ الْوَالِی عَلَی الرَّعِیَّهِ وَ حَقُّ الرَّعِیَّهِ عَلَی الْوَالِی ... فَجَعَلَهَا نِظَاماً لِأُلْفَتِهِمْ وَ عِزّاً لِدِینِهِمْ فَلَیْسَتْ تَصْلُحُ الرَّعِیَّهُ إِلَّا بِصلَاحِ الْوُلَاهِ وَ لَا تَصْلُحُ الْوُلَاهُ إِلَّا بِاسْتِقَامَهِ الرَّعِیَّهِ فَإِذَا أَدَّتِ الرَّعِیَّهُ إِلَی الْوَالِی حَقَّهُ وَ أَدَّی الْوَالِی إِلَیْهَا حَقَّهَا عَزَّ الْحَقُّ بَیْنَهُمْ وَ قَامَتْ مَنَاهِجُ الدِّینِ وَ اعْتَدَلَتْ مَعَالِمُ الْعَدْلِ وَ جَرَتْ عَلی أَذْلَالِهَا السُّنَنُ فَصَلَحَ بِذَلِکَ الزَّمَانُ وَ طُمِعَ فِی بَقَاءِ الدَّوْلَهِ وَ یَئِسَتْ مَطَامِعُ الْأَعْدَاءِ. وَ إِذَا غَلَبَتِ الرَّعِیَّهُ وَ الِیهَا أَوْ أَجْحَفَ الْوَالِی بِرَعِیَّتِهِ اخْتَلَفَتْ هُنَالِکَ الْکَلِمَهُ وَ ظَهَرَتْ مَعَالِمُ الْجَوْرِ وَ کَثُرَ الْإِدْغَالُ فِی الدِّینِ وَ تَرَکَتْ مَحَاجُّ السُّنَنِ فَعُمِلَ بِالْهَوَی وَ عُطِّلَتِ الْأَحْکَامُ وَ کَثُرَتْ عِلَلُ النُّفُوسِ فَلَا یُسْتَوْحَشُ لِعَظِیمِ حَقٍّ عُطِّلَ وَ لَا لِعَظِیمِ بَاطِلٍ فُعِلَ فَهُنَالِکَ تَذِلُّ الْأَبْرَارُ وَ تَعِزُّ الْأَشْرَارُ وَ تَعْظُمُ تَبِعَاتُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ عِنْدَ الْعِبَادِ. فَعَلَیْکُمْ بِالتَّنَاصُحِ فِی ذَلِکَ وَ حُسْنِ التَّعَاوُنِ عَلَیْهِ فَلَیْسَ أَحَدٌ وَ إِنِ اشْتَدَّ عَلَی رِضَا اللَّهِ حِرْصُهُ وَ طَالَ فِی الْعَمَلِ اجْتِهَادُهُ بِبَالِغٍ حَقِیقَهَ مَا اللهُ سُبْحَانَهُ أَهْلُهُ مِنَ الطَّاعَهِ لَهُ وَ لَکِنْ مِنْ وَاجِبِ حُقُوقِ اللهِ عَلَی عِبَادِهِ النَّصِیحَهُ بِمَبْلَغِ جُهْدِهِمْ وَ التَّعَاوُنُ عَلَی إِقَامَهِ الْحَقِّ بَیْنَهُمْ وَ لَیْسَ امْرُؤٌ وَ إِنْ عَظُمَتْ فِی الْحَقِّ مَنْزِلَتُهُ وَ تَقَدَّمَتْ فِی الدِّینِ فَضِیلَتُهُ بِفَوْقِ أَنْ یُعَانَ عَلَی مَا حَمَّلَهُ اللَّهُ مِنْ حَقِّهِ وَ لَا امْرُؤٌ وَ إِنْ صَغَّرَتْهُ النُّفُوسُ وَ اقْتَحَمَتْهُ الْعُیُونُ بِدُونِ أَنْ یُعِینَ عَلی ذَلِکَ أَوْ یُعَانَ عَلَیْهِ؛ بزرگ تر از آن حقوق متقابل مردم و زمامداران است و این فریضه ای الهی است که خداوند سبحان آن را برای هر یک بر دیگری واجب کرده است، پس آن حقوق متقابل را نظام هم‌بستگی و راز شکوه دینشان خواسته است. چنان که ملت سامان نیابد مگر با اصلاح زمام داران و زمام داران اصلاح نشوند جز با استقامت ملت. پس هرگاه ملت حق والی را بپردازد و زمام دار نیز حقوق ملت را پاس دارد، حق در میانشان شکوه یابد و راه های دین استوار گردد، شناسه های عدالت راست شود و سنت ها در روندی فراخور جریان یابد. بدین‌سان، زمانه اصلاح می شود، به ماندگاری دولت امید می رود و آزمندی دشمنان به نومیدی مبدل می گردد؛ ولی هنگامی که ملت

بر زمام دار خود چیره شود و زمام دار با ملت خود از در زورگویی درآید، اختلاف کلمه رخ می دهد، نشانه های جور آشکار می شود، دغل‌کاری در دین فزونی می یابد و راه های اصلی سنت بی رهرو می ماند. هوا و هوس مبنای عمل قرار می گیرد و احکام به تعطیل کشیده می شود. بیماری های نفسانی فزونی می گیرد، چنان‌که از تعطیل حق، هر چند بزرگ باشد و عملی شدن باطل، هر چند چشمگیر، کسی احساس نگرانی نمی کند. ازاین‌رو، نیکان به ذلت می افتند و بدان عزت می یابند و بندگان از خدا کیفری گران می بینند. پس بر شما باد پند دادن متقابل در این زمینه و همکاری نیک بر آن؛ چرا که هیچ کس هرچند که بر خشنودی خدا سخت حریص، و در سخت کوشی و مبارزات عملی سابقه اش طولانی باشد نمی تواند به ژرفای اطاعت خداوند، چنان‌که او را شایسته است، راه یابد، ولی بخشی از حقوق واجب الهی بر بندگان این است که در حد توان و استعداد خویش از نصیحت دریغ نورزند و بر اجرای حق در میان خود همکاری کنند.

باعظمت ترین حقوق الهی، حق حاکم بر مردم و حق مردم بر حاکم است ... و آن را نظام تشکل و پیوند آنان قرار داد و مایه عزت دینشان؛ پس کار مردم به نتیجه نمی رسد و راه اصلاح نمی پیماید, مگر به صلاح حاکم و حاکم کارش به انجام نمی رسد، مگر به استقامت مردم. پس اگر مردم حق حاکم را ادا کنند و حاکم حق مردم را ادا کند، مسیرهای روشن دین هموار و نشانه های عدالت معتدل و برپا و سنت ها در مجرای خود به جریان می افتد. در نتیجه, زمانه اصلاح می شود و دولت استمرار و بقا می یابد و دشمنان از تسلط بر جامعه ناامید می شوند، ولی زمانی که این دو حق یکدیگر را رعایت نکنند, به این معنا که رعیت بر حاکم غالب شود یا حاکم ظلم و تعدی روا دارد، کلمه جامع آن دو مختلف می گردد و پراکندگی در جامعه نفوذ می کند و ستم رواج می‌یابد و بیداد خواهد کرد و فساد و

ص:۷۲

تباهی در دین زیاد خواهد شد و طوق سنت ها رها می گردد. در این زمان, به هوا و هوس عمل می‌شود و احکام الهی معطل می‌ماند و اختلالات و بیماری های نفسانی رو به فراوانی می گذارد... پس در این هنگام, افراد صالح, خوار خواهند شد و اشرار مورد احترام قرار خواهند گرفت. (۱)

حضرت علی(ع) در این سخن به نقش پیوند میان حاکم و مردم در وفاق اجتماعی یا نبود آن اشاره کرده است. اگر مردم و حاکم به دستور های اسلام پای‌بند باشند، چیزی نمی تواند جامعه اسلامی را تهدید کند, ولی اگر مردم و حاکم، یا یکی از این دو از وظایف خود سر باز زند، آن‌گاه وفاق اجتماعی آسیب خواهد دید. وقتی جامعه گرفتار چنین وضعی شود, بلاهایی بر سر این جامعه می آید که بر اثر انجام کارهای ناشایست بندگان است.

حضرت علی(ع) برای حل این مشکل، به نکته های ارزنده ای اشاره کرده است که آنها را برمی شماریم:

یک ــ خیرخواهی و پند حاکمان و یاری آنها در اجرای حق

حضرت علی(ع) در این باره می فرماید:

آنچه از حقوق خداوندی که بر بندگانش واجب است، خیراندیشی، نصیحت و خیرخواهی به قدر طاقت و هم‌یاری برای برپا داشتن حق در میانشان است. [در اینجا ممکن است کسی بپرسد که حاکم نیاز به خیرخواهی از مادون خود ندارد که حضرت در جواب می فرماید:] و هیچ انسانی هر اندازه هم دارای مقامی بزرگ در حق و فضیلت و پیشرو در دین باشد، از کمک و یاری شدن در عمل به آن حقی که خداوند بر او مقرر فرموده است، بی نیاز نیست. همچنین هیچ انسانی هر اندازه هم که مردم او را حقیر و پست بشمارند و چشمان آنان او را به

۱- [۱] . نهج البلاغه صبحی صالح ، خطبه ۲۱۶، صص۳۳۳ و۳۳۴.

خواری بنگرند، پست تر از آن نیست که انسان ها را در ادای حق یاری کند یا خود او شایسته یاری باشد.(۱)

دو _ خودداری حاکمان از فخر فروشی و غرورورزی

امام علی(ع) می‌فرماید:

قطعی است که از زشت ترین حالت زمام داران نزد مردمان صالح این است که مردم درباره آنان گمان فخر فروشی و غرور ورزی داشته باشند و وضع شخصیتی آنان بر کبر مبتنی شود. من اکراه دارم از اینکه در ذهن شما این گمان خطور کند که من مدح و تمجید و شنیدن درود را دوست می دارم. خدا را سپاس می گویم که چنین نیستم... گفت وگویتان با من مانند گفت وگو با جباران روزگار و ساختگی نباشد و در برابر من از تسلیم و خویشتن داری که در برابر نیرومندان پرخاشگر دارید, بپرهیزید. هرگز از بیان گفتار حق به من یا مشورت با من برای اجرای حق خویشتن داری نکنید. من بالاتر از آن نیستم که خطا کنم و در کاری که انجام می دهم, از ارتکاب خطا در امان نیستم، مگر آنکه خداوندی که مالک تر از من به من است، کفایتم کند.

سه _ تعاون و یاوری بر ادای آن

حاکم باید خیرخواه مردم باشد و مردم نیز خیرخواه حاکم. حاکم, خیرخواهی خود را در کارهای عمرانی و رشد معنوی مردم و مردم, خیرخواهی خود را با نصیحت کردن نشان دهند.

نکته مهمی که این حدیث شریف بدان تأکید کرده «حُسنُ التَّعاوُن» است، نه «تعاون». مردم و حکومت نه تنها باید خیرخواه یکدیگر باشند، بلکه باید به یکدیگر یاری رسانند. دولت باید بکوشد بارهایی را از دوش مردم بردارد و مردم هم باید همه کارها را بر عهده دولت نگذارند، بلکه با دولت همکاری کنند و دولت را از خود بدانند.

۱- [۱] . همان، ص ۳۳۴.

با توجه به عواملی که حضرت علی(ع) می فرماید، همکاری میان مردم و دولت پدید خواهد آمد و وفاق اجتماعی شکل خواهد گرفت.

ص:۷۵

فصل چهارم: وفاق اجتماعی در جامعه ایران

اشاره

اکنون وقت آن رسیده است تا با نگاهی به تاریخ معاصر و جامعه کنونی ایران، وضعیت وفاق اجتماعی را در ایران بررسی کنیم.

همان‌گونه که فیلسوفان تأکید می کنند: «أَدَلُّ شَیءٍ عَلی إِمکانِ شَیءٍ وُقُوعُهُ»، اگر درباره وفاق اجتماعی در ایران به تاریخ ایران بنگریم، جامعه ای با ویژگی‌های ممتاز که در عهد صفویان پدید آمد، نمی یابیم.

پس از سرنگونی ساسانیان و پذیرش اسلام که با شور و اشتیاق و آرام آرام صورت گرفت، ایرانیان گوهر گران‌بهای اسلام را به دست آوردند، ولی زمام داران اموی و عباسی به نام اسلام، معجونی از ارزش های دینی و جاهلی را گسترش دادند. آنان برای نابود کردن استقلال سیاسی کامل ایرانیان, اجازه ندادند ایرانیان با تکیه بر ملیت خود, از حکومت ملی برخوردار شوند. البته در این مدت، قیام هایی برای دست‌یابی به استقلال صورت گرفت، ولی به موفقیت دست نیافت.

پس از سقوط بغداد، در سال ۶۵۶ هـ . ق، ایرانیان بیش از گذشته، گرفتار حاکمیت ایلخانان مغول، تیموریان و حکومت های قراقویونلوها شدند. بدین

ترتیب، حکومت های بیگانه یا حکومت های ملوک الطوایفی، هیچ گاه اجازه ندادند ایرانیان بر اساس ملیت خود به هم‌بستگی ملی دست یابند. تنها با روی کار آمدن صفویان بود که سلطه بیگانه و حکومت ملوک الطوایفی که به نام قومیت های خود، بر هر گوشه ای از ایران حکومت می کردند، برافتاد. در این زمان, ایرانیان از استقلال سیاسی برخوردار شدند و با تکیه بر احساسات ملی خود، دریچه تازه‌ای از تعامل‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را با ملل جهان گشودند.

این الگو به ما در برشمردن علل وفاق اجتماعی کمک می‌کند. ما باید با عواملی آشنا شویم که در دوره صفویه, ایران را از نو بنا کرد و از این عوامل در تقویت وفاق اجتماعی در عصر حاضر سود ببریم.

عوامل وفاق اجتماعی ایرانیان

عوامل بسیاری را می‌توان برای وفاق اجتماعی یک ملت برشمرد، ولی به طور معمول, زبان، نژاد، سنت‌ها و شرایط اقلیمی و طبیعی، معیارهای کلاسیک تشکیل هویت ملی است.(۱) برخی متفکران این عوامل را عوامل اصلی وفاق اجتماعی نمی دانند، بلکه ریشه را در جای دیگری می جویند و اینها را عوامل تبعی و دست دوم می دانند که لزوماً در جامعه‌های دیگر یافت نمی شود.

استاد مرتضی مطهری بر این باور است که اساس در هم‌بستگی و وفاق اجتماعی, وجدان جمعی است که در درون شخصیت افراد جامعه و بین آنها و «گذشتگان و اسلافشان رابطه و دل‌بستگی هایی ایجاد می کند و روابط و

ص:۷۷

۱- [۱] . مرتضی مطهری، خدمات متقابل اسلام و ایران، تهران، صدرا، ۱۳۶۲، چ۱۲، ص۲۱.

مناسبات آنها را با هم و با سایر ملل رنگ می دهد و آمال و آرمان های آنان را به هم نزدیک و منطبق می‌سازد». (۱)

ایشان در ادامه یادآور می شود:

در تعریف کلاسیک غربی خواسته‌اند چنین القا کنند که این وجدان جمعی، زاییده شرایط اقلیمی، نژادی، زبان مشترک، سنن و آداب تاریخی و فرهنگ مشترک است، ولی دقت بیشتری در واقعیت های فردی و اجتماعی بشر نشان می دهد که عوامل فوق، نقش بنیانی و درونی در تکوین وجدان جمعی ندارند و نمی توانند برای همیشه مایه و ملاط چسبندگی و پیوستگی افرادی از ابنای بشر تحت یک ملیت گردند.(۲)

استاد سپس با رد یکایک معیارهای کلاسیک چنین نتیجه می گیرد:

عوامل متعارف زبان و فرهنگ و سوابق تاریخی و نژادی، گرچه در مبادی تکوین یک ملت مؤثرند، ولی نقش اساسی و همیشگی ندارند.(۳)

حال چه باید کرد؟ آیا ما معیارهای اساسی برای تشکیل هویت ملی و وفاق اجتماعی نداریم. ایشان در طرح این مشکل چنین می‌نویسد:

حال که عوامل مؤثر در پیدایش وجدان جمعی و هم‌بستگی ملی یا عناصر سازنده ناسیونالیسم طبق تعریف کلاسیک غربی آن اصالت خود را از دست داده اند، آیا می توان ادعا کرد که اصولاً تفکیک و تمایزی بین واحدهای اجتماعی بشری موجود نیست و همه ملیت ها می توانند و باید در یکدیگر حل شوند و ملت واحدی بسازند؟ تجربه تاریخی و شواهدی که از مبارزات و تحولات اجتماعی کسب شده، نشان می دهد که به هر حال، در

۱- [۱] . همان، ص ۲۲.

۲- [۲] . همان.

۳- [۳] . همان، ص ۳۱.

عالم انسان ها، اصناف و شعبی وجود دارند. اصنافی که از یکدیگر متمایزند و راه های مشخصی از یکدیگر دارند و امکان ادغام و اضمحلالشان در یکدیگر طبیعه وجود ندارد. تحولات اجتماعی و سیاسی و فرهنگی جهان معاصر روز به روز، وحدت و تفاهم جهان غرب با دنیای سوم را دورتر و ناممکن تر می سازد. هر قدر دم از همزیستی و صلح و وحدت جهانی زده شود، باز هم عمل یا واقعیت، تحولات آن را دورتر و غیرعملی تر می سازد. تا زمانی که گرگ و گوسفندی در عالم هست، وحدت بین آنها غیر ممکن است. همین که جماعتی به هر عنوان اجتماعی سازمان یافته تشکیل دادند، بر هر اساس که باشد، اگر مطمح نظرها شود و یا در معرض تجاوز و دست‌درازی‌هایی قرار گیرد، ناچار است مرزهای جغرافیایی و سیاسی و اقتصادی و یا فرهنگی و عقیدتی خود را حفظ کند.(۱)

شهید مطهری در ادامه تأکید می کند که آنچه سبب وفاق اجتماعی یک ملت می شود, عوامل دست دومی همانند زبان مشترک، نژاد مشترک یا اقلیم مشترک نیست، بلکه آنچه آنها را بر اساس سرشت افراد، به هم متصل می کند، درد مشترک، طلب مشترک و آرمان های مشترک است. این درد، طلب و آرمان مشترک بر اساس باورها یا آموزش، گاه در عواملی همانند نژاد یا زبان یا اقلیم مشترک و گاهی در چیزهای دیگری چون مذهب یا باورهای مشترک تجلی می یابند. ایشان در این باره می نویسد:

۱- [۱] . همان، ص ۳۰.

این مردمی که در اطراف و اکناف عالم، ارتباطات قلبی و آرمانی با یکدیگر پیدا می کنند، چه چیز مشترکی دارند که آنان را به هم پیوند می دهد؟... این عامل، درد مشترکی است که آنها دارند.(۱)

شهید مطهری، ملیت و حس ناسیونالیستی را که مهم ترین عامل هم‌بستگی اجتماعی از نظر متفکران غرب است، نقد می‌کند و آن را زاییده «درد از ظلم و تجاوز و استعمار» می داند:

تولـد ناسـیونالیسم ملت هـا کاملاً ـ مصـادف بـا زمـانی بوده است که توده مردمی یـک احسـاس درد یا خلأ عمومی و مشترک کردند. ناسـیونالیسم آلمانی همان زمان متولد شد که از تبعیض ها و دخالت فرانسویان احساس درد کردند، ناسـیونالیسم ایتالیا یـا مجـار یـا هنـد یـا هنـدوچین و الجزایر نیز زمانی به وجود آمدنـد که یک احساس خلأ و درد، همه یا اکثریتی از مردم را فرا گرفت... پس وجـدان جمعی و احساس ملیت یا ناسـیونالیسم، در میان جماعتی از مردم، زمانی متولد می شود که درد و طلب مشترکی در آن جمع به وجود آمـده باشـد، این طلب مشترک آنـان می باشـد که آرمان جمعشان را می سازد و به دنبال همان است که به حرکت در می آینـد و جهاد و مبارزه می‌کننـد و متحمل رنـج و محرومیت می شونـد و بعـداً نیز به وجـدان جمعی آنان قوام و دوام بیشتری می دهد و میان ایشان علایق و روابط قلبی و یک‌پارچگی ملی ایجاد می کند.(۲)

بنابراین، آنچه در وفاق اجتماعی ملت نقش اساسی دارد، وجـدان جمعی است و وجـدان جمعی نیز زاییده درد، طلب و آرمان های مشترک است. این

ص:۸۰

۱- [۱] . همان، صص ۳۲ و ۳۳.

۲- [۲] . همان.

عوامل نیز بسته به شرایط تاریخی و موقعیت ویژه در نمودهای خارجی، همانند مذهب، زبان، نژاد، و ملیت تجلی پیدا می کند. با توجه به فرهنگ و سابقه تاریخی ملت ایران، مهم ترین نمودهای خارجی را بررسی می کنیم:

تشیع، قویترین عامل وفاق اجتماعی در جامعه ایران

سلسله های پیش از صفویه نتوانستند با ایجاد وجدان جمعی، ملت ایران را متحد کنند، ولی صفویان توانستند با بهره‌مندی از مذهب تشیع، طلب و آرمان های مشترک پدید آورند و هم بستگی و وفاق جمعی را نهادینه کنند.

هویت ایران پس از اسلام، تنها با مذهب تشیع واقعیت خارجی می یابد. به سخن دیگر، مهم ترین عامل وفاق اجتماعی در میان ایرانیان, مذهب تشیع است. اهمیت این عامل به اندازه‌ای است که شاهان صفوی، پیش از آنکه بر ایرانی بودن خود تأکید کنند، بر هویت های مذهبی‌شان؛ یعنی سیادت و تشیع تأکید داشتند. ازاین‌رو، موقعیت ایران در آن روزگار ایجاب می کرد مردم برای رسیدن به هم‌بستگی سیاسی، اجتماعی و مذهبی، به عناصر مذهبی به جای عنصرهای ملی تأکید بیشتری داشته باشند.

وقتی از مذهب تشیع به عنوان عاملی برای وفاق اجتماعی سخن به میان می آید، این گونه تلقی می شود که گویا این عامل غیرملی است. این پندار در صورتی درست است که عناصر ملی را به معنای یادگارهای به‌جا مانده از عهد باستان و عشق و دوستی به سرزمین ایران بدانیم. اگر به عناصر ملی همچون ویژگی های فرهنگی ایران بنگریم، درخواهیم یافت که مذهب تشیع در ایجاد هم‌بستگی اجتماعی و وحدت ملی میان مردم ایران، به ویژه در عهد صفویه، همچون یک عنصر ملی عمل کرده است.

برخلاف دیگر کشورهای اسلامی، از دیرباز، تشیع در ایران، از موقعیت ممتازی برخوردار بوده, چنان‌که قیام های شیعی در ایران معروف و مشهور است. هر چند این قیام ها به نتیجه نرسیدند، ولی سرانجام شاهان صفوی توانستند افزون بر گسترش باورها، ارزش ها و هنجارهای شیعی میان مردم، از مذهب تشیع به عنوان عنصری ملی برای تهییج احساسات ملی و تمایز میان خودی از بیگانه بهره گیرند.

دیگر عناصر هم‌بستگی ملی چون نژاد، زبان فارسی، جشن ها و اسطوره‌ها مانند ترویج شاهنامه فردوسی، از ابزارهای جانبی تقویت روح هم‌بستگی میان ایرانیان در عهد صفویه به شمار می‌رود.

ادوارد براون که جنبش صفویه را جنبشی ملی معرفی می کند، در پاسخ به این پرسش که چگونه جنبش صفویه, ملی بوده است؟ می نویسد: «اگرچه شاهان صفویه پس از هشت قرن و نیم، از مردم ایران، ملتی دوباره ساختند، ولی آن ملیتی که بدین ترتیب ایجاد شد, با ملیت هایی که بر پایه نژاد و زبان به وجود می آیند، اساساً تفاوت دارد».(۱)

خان‌بابا بیانی نیز در این باره می‌نویسد:

در اینجا با یکی از کیفیات شگفت آور تاریخ مواجه می شویم و آن این است که چگونه با عناصر نژادی مختلف، یک عنصر مذهبی _ ملی توانست در تجدید حیات ملی مؤثر واقع شود؛ زیرا معتقدین به مذهب شیعه و قبایل ترکمنِ اردبیل و رؤسای مذهبی آنان و شیوخ صفوی به تدریج تمام اختلافات نژادی و طبقاتی خود را فراموش کرده، خویشتن را در سلک طبقه روشن‌فکر

۱- [۱] . ادوارد براون، تاریخ ادبیات ایران از صفویه تا عصر حاضر، ترجمه: ابراهیم مقدادی، تهران، مروارید، ۱۳۶۹، چ۱، ص ۲۵.

و طبقات مختلف ایرانی درآوردند و وسیله‌ای شدند که ملیت ایرانی از نو تجدید حیات کند.(۱)

با بررسی عوامل جنگ میان ایرانیان و ازبک ها در شمال و عثمانی ها در غرب می توان با عناصری آشنا شد که مردم ایران و شاهان صفوی بر آن تأکید داشتند. ادوارد براون بر این باور است:

تنفر متقابل میان ایران و عثمانی هیچ‌گاه شامل زبان و نژاد و فرهنگ اساطیری ایران نبود. اگر تنفری در میان بود, منحصراً به خاطر معتقدات مذهبی آنان؛ یعنی مذهب تشیع در ایران و مذهب تسنن در کشور عثمانی و کشور وابسته به آن؛ یعنی ازبک ها بود، نه از این لحاظ که یکی ایرانی و دیگری عثمانی است، بلکه برعکس, شاهان صفوی و عثمانی در نژاد و زبان و فرهنگ اساطیری به یکدیگر گرایش داشتند و هر یک خود را بر دیگری در داشتن این عناصر مقدم می شمردند. سلطان‌سلیم تقریباً و منحصراً به فارسی شعر می‌گفت و شاه‌اسماعیل که تخلصش خطایی بود، نیز تقریباً و منحصراً به ترکی شعر می سرود.(۲)

اگر شاهنامه فردوسی را مهم‌ترین کتاب در زمینه به تصویر کشیدن زندگی پادشاهان افسانه ای ایران و عامل تجدید حیات فرهنگ باستانی و زبان و ادبیات فارسی در ایران بدانیم، آن‌گاه تعجب می‌کنیم چگونه در آن پیکارهای سهمگین میان ایران و عثمانی، _سلطان‌سلیم_ در نامه ای که به خط فارسی به _شاه اسماعیل_ می نویسد، از لقب‌های شاهان باستانی ایران سود می‌جوید:

اما بعد؛ این خطاب مستطاب از جانب خلافت مآب ما که قاتل الکفرهِ والمشرکین، قامع اعداءِ الدین، مُرَغِّم انوْف الفراعین، مغفرتیجان الخواقین، سلطان الغزاه و المجاهدین، فریدون فر، سکندر درگاه، کیخسروِ عدل و داد، دارای عالی نژاد، سلطان سلیم شاه بن سلطان با یزید بن سلطان محمد

ص:۸۳

۱- [۱] . خان‌بابا بیانی، تاریخ نظامی ایران، جنگ‌های دوره صفویه، تهران، چاپ‌خانه ارتش، بی تا، ص ۳۲.
۲- [۲] . همان، صص ۲۵ و ۲۶.

خانیم، به سوی تو که فرماندار عجم, سپهسالار اعظم، سردار معظم، ضحاک روزگار [!]...صدور یافت.(۱)

در این نامه, به عجم بودن شاه اسماعیل اشاره شده است. از این نامه و نامه های دیگر شاه اسماعیل پیداست که علت اصلی جنگ این دو، مذهب و نیز ادعای سلطان سلیم مبنی بر تشکیل حکومت واحد جهان اسلام است.(۲) به همین دلیل, سلطان سلیم در نامه دوم خود, شرط آتش بس را سنّی شدن شاه اسماعیل قرار می دهد:

به موجب ألدِّینُ النَّصِیحَهُ، اگر روی نیاز به قبله اقبال و کعبه آمال آستان ملایک آشتیان ما که محال رحال رجال است، آوری و دست تعدی از سر زیردستان که پای‌مال ظلم و طغیان گشته اند، مراد او سنی مذهبانی است که در ایران زندگی می‌کردند, کوتاه کردی و خود را در سلک «ألتائِبُ مِنَ الذّنبِ کَمَن لا ذَنبَ لَهُ» مسلک گردانیدی و در مذهب و ملت تبعیت سنت سنیه حنیفیه محمدیه عَلَیهِ الصَّلوهُ وَالتَّحِیّه وَ آلِهِ الطّاهِرِینَ... کردی و آن بلاد بِأَسرها از مضافات و متعلقات ممالک محروسه عثمانیه شمردی، هر آینه, عنایت پادشاهی و عاطفت شاهنشاهی ما شامل حال تو گردد.(۳)

ـسیوریـ، شرق‌شناس انگلیسی نیز در این باره می نویسد:

[رسمیت مذهب تشیع] تمایز آشکاری بین دولت صفویه و امپراتوری عثمانی... به وجود آورد و به این ترتیب به دولت صفوی هویت ارضی و سیاسی داد... برقراری تشیع اثنی عشری به عنوان مذهب رسمی کشور

ص:۸۴

۱- [۱] . محمدعارف اسپناقچی پاشازاده، انقلاب الاسلام بین الخواص و العوام، به کوشش: رسول جعفریان، قم، دلیل ما، ۱۳۷۹، چ۱، ص ۸۴ .

۲- [۲] . تاریخ ادبیات ایران از صفویه تا عصر حاضر، ص ۳۸.

۳- [۳] . انقلاب الاسلام بین الخواص و العوام، ص ۹۱.

توسط صفویه موجب ایجاد آگاهی بیشتری نسبت به هویت ملی و بدین طریق ایجاد دولت متمرکزتر و قوی تری شد. اگر هویت ملی ایران که قوام آن به مذهب تشیع بود, به وجود نمی آمد، کشور ایران توسط کشور قدرتمند عثمانی که روزگار اوج اقتدارش را می گذراند, به تصرف درمی آمد.(۱)

سیوری در پاسخ به این پرسش که چرا شاه اسماعیل با وجود جمعیت سنّی که دو سوم جمعیت ایران را تشکیل می داد، به گسترش مذهب تشیع پرداخت و گسترش تشیع چه سودی برای او داشت؟ می گوید که شاهاسماعیل به این وسیله می توانست یک ایدئولوژی مذهبی پویا را به خدمت دولت جدید درآورد و به این ترتیب به دولت این قدرت را می داد که بر مشکلات اولیه چیره شود. این گزینش، تمایز آشکاری میان دولت صفویه و امپراتوری عثمانی پدید آورد و به این ترتیب به دولت صفوی هویت ارضی و سیاسی داد.(۲)

میشل فوکو(۳) نیز در سال ۱۹۷۸م. به این نتیجه رسید:

در برابر قدرت های مستقر، تشیع پیروان خود را به نوعی بی قراری مدام مسلح می کند و در ایشان شوری می دمد که هم سیاسی و هم دینی است.(۴)

ص:۸۵

۱- [۱] . راجر سیوری، ایران عصر صفوی ، ترجمه: کامبیز عزیزی، تهران، مرکز، ۱۳۷۴، چ۴، ص ۲۹؛ منوچهر پارسا دوست، شاه اسماعیل اول ، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۵ ، چ۱، ص ۴۹۹.

۲- [۲] . ایران عصر صفوی ، ص ۳۲.

۳- [۳] . Michel Foucalt ، فیلسوف نامدار فرانسوی که شهرت و اعتبار جهانی دارد. برای آگاهی بیشتر نک: رضا رمضان نرگسی، دغدغه های میشل فوکو درباره انقلاب اسلامی ایران، مندرج در : آموزه کتاب هفتم، شرق شناسی نوین و انقلاب اسلامی، قم، مؤسسه امام خمینی(ره)، ۱۳۸۴.

۴- [۴] . میشل فوکو، ایرانی ها چه رؤیایی در سر دارند ، ترجمه: حسین معصومی همدانی، تهران، هرمس، ۱۳۷۷، ص ۳۰.

به عبارت دیگر، تشیع ویژگی خاصی در پدید آوردن وحدت و هم‌بستگی اجتماعی دارد که نظیرش را شاید در هیچ مکتب دیگری نتوان یافت. مذهب تشیع، انقلاب اسلامی ایران را پدید آورد و توانست پیروان دیگر دین‌ها و مکتب‌ها را زیر پرچم خود گرد آورد و به آنها جهت دهد. میشل فوکو در این‌باره چنین نوشته است:

من چندین دانشجو را در میان جمعیت شناختم که با معیارهای ما چپی محسوب می شوند، اما روی تابلویی که خواسته هایشان را نوشته بودند و به هوا بلند کرده بودند، با حروف درشت نوشته شده بود: «حکومت اسلامی».(۱)

مذهب تشیع در ایران کاری کرد که هیچ یک از مکتب‌های بشری نمی‌توانست آن را انجام دهد. به گفته میشل فوکو، «اراده جمعی» را تنها در ایران شیعی می توان دید:

اراده جمعی، اسطوره ای سیاسی است که حقوق‌دانان یا فیلسوفان تلاش می کنند به کمک آن، نهادها و غیره را تحلیل یا توجیه کنند، اراده جمعی یک ابزار نظری است؛ اراده جمعی را هرگز کسی ندیده است و خود من فکر می کردم که اراده جمعی مثل خدا یا روح است و هرگز کسی نمی تواند با آن روبه‌رو شود، اما ما در تهران و سراسر ایران با اراده جمعی یک ملت برخورد کرده ایم و باید به آن احترام بگذاریم؛ چون چنین چیزی همیشه روی نمی دهد. این اراده جمعی که در نظریه های ما همواره اراده ای کلی است، در ایران هدفی کاملاً روشن و معیّن را برای خود تعیین کرده و بدین‌گونه در تاریخ ظهور کرده است.(۲)

اسلام شیعی در واقع خصوصیاتی دارد که می تواند به خواستِ حکومت اسلامی رنگ ویژه ای بدهد: نبودِ سلسله مراتب در میان روحانیت، استقلال روحانیان از یکدیگر و در عین حال وابستگی ایشان (حتی از نظر مالی) به مُریدان [خود]،

۱- [۱] . همان، ص۲۸.

۲- [۲] . همان، ص ۵۷.

اهمیت مرجعیت روحانی محض [در نزد مقلدان]، و نقشی که روحانی باید برای حفظ حامیان [و مریدان] خود ایفا کند که هم نقش راهنماست و نقش بازتاب. این از لحاظ سازمانی. از لحاظ اعتقادی هم این اصل که حقیقت با آخرین پیامبر کارش به پایان نمی رسد و بعد از محمد(ص) دور دیگری آغاز می شود که دور ناتمام امامانی است که با سخن خود، با سرمشقی که با زندگی خود می دهند، و با شهادت خود حامل نوری هستند که همواره یکی است... نوری که شریعت را که تنها برای این نیامده است که حفظ شود، بلکه معنایی باطنی دارد که باید به مرور زمان آشکارگردد، از درون روشن می کند. (۱)

اینجاست که پی می‌بریم با وجود آنکه شیعه در ابتدای سلسله صفویه در اقلیت بود، چگونه توانست از نظر سیاسی و انقلابی توان‌مند شود و افزون بر ایجاد وفاق اجتماعی میان ایرانیان, در برابر امپراتور توانای جهانی (عثمانی) بایستد.

نقش تشیع در هویت تاریخی ملت ایران

اشاره

مذهب تشیع, مهم ترین و محوری ترین عنصر هویت ساز ایرانیان است. این عنصر فروعی دارد که هر کدام از آنها در وفاق اجتماعی, نقشی محوری دارند که به مهم ترین آنها اشاره می‌کنیم:

الف) تأیید مسئولان سیاسی جامعه به وسیله علما و مراجع تقلید

یکی از عنصرهای وفاق اجتماعی در ایران، تأیید حاکمان و مسئولان سیاسی جامعه، به وسیله عالمان و همکاری نزدیک با آنهاست. نمونه مثبت تاریخی آن را در دوره صفویه می توان دید. تا زمانی که همکاری نزدیکی میان عالمان و شاهان صفوی وجود داشت، هم‌بستگی ایرانیان کم‌نظیر بود.

۱- [۱] . همان، صص ۳۶ و ۳۷.

از میانه قرن نهم ه_ . ق تا پایان قرن یازدهم، در پی نیاز ایرانیان برای فراگیری ارزش ها و اندیشه های شیعی، عالمان لبنان به ایران سفر کردند. _میرزاعبدالله افندی _در کتاب _تحفه فیروزیه شجاعیه_ چنین می نویسد:

و لیکن چون چنان مجتهد و عالمی در آن اوقات در ایران نبوده و اکثر مؤمنان در اصول و فروع خود نادان بودند... شیخ علی کرکی خود از بلاد جبل عامل و دیار شام و عراق به ولایت ایران آمده... به جهت هر یک از شهرهای ولایت ایران, مرشد و معلم تعیین کرده، بلکه به هر ده و قصبه نیز و در هر مکانی به مناسب مردم آن به زبان معلمان از طلبه علم عربی لسان یا فارسی و ترکی زبان فرستاده، مردم هر ناحیه را به لغت خودشان به دین و آیین شیعه راهنمایی نموده، حلال و حرام مذهب حق را به مردم آموخته می کرده اند... .(1)

عالمان شیعی ایران نیز فرصت را غنیمت شمردند و از جنبش شیعی که صفویان علمدار آن بودند، حمایت کردند.(2) بی گمان, اعلام رسمیت تشیع از سوی شاه اسماعیل، نخستین گام و پذیرش دعوت شاه صفوی از سوی _محقق کرکی_ برای حضور در ایران، گام مهم دیگری است که در راه تقویت وفاق اجتماعی برداشته شد و تا پایان حکومت صفویان همچنان ادامه یافت. یکی از نویسندگان در توصیف وفاق اجتماعی که حاصل همکاری عالمان و شاهان صفوی بود، چنین می نویسد:

در آن وقت جماعت شیعه از هر گوشه و کناری از باب آهوان رم دیده بر دور آن معیّن مؤمنان بر پدر و مادر مهربان شیعیان از همه مکان خصوصاً بلاد ایران گرد آمدند و یکه یکه علمای شیعه در ایران به هم رسیدند و از آنکه... شاه تهماسب صفوی نیز جانشین پدر خود گردید... شیخ علی کرکی...

۱- [۱] . میرزاعبداللّه افندی، تحفه فیروزیه شجا عیه ، ص ۱۶، به نقل از: رسول جعفریان، مقالات تاریخی ، دفتر هفتم، قم، دلیل، ۱۳۷۹، چ۱، ص ۴۲.

۲- [۲] . صفویه در عرصه دین، فرهنگ، سیاست ، ص ۲۵.

به ولایت ایران آمده و آخرالاَمر به اشفاقات شاهنشاهی سرافراز گشته و به فرموده آن دو پادشاه دین پناه، این پیشوای دین، خودش به جهت هر یک از شهرهای ولایت ایران، مرشد و معلم تعیین کرد... .(1)

مهم ترین عاملی که در همکاری میان عالمان و حاکمان سبب وفاق اجتماعی می شد، مسئله مشروعیت بخشی به حاکمان و افزایش اقتدار آنان بود. در مذهب تشیع عنوان شده است که در زمان غیبت، حکومت غیرفقیه، مشروعیت ندارد، ولی فقیه جامع‌الشرایط می تواند اجازه حکومت به غیر خود را صادر کند. در این صورت، حاکم از طرف فقیه، سمت نیابت خواهد داشت و با توجه به نواب‌عام بودن فقیهان جامع‌الشرایط از سوی امام زمان(عج)، حکومت نیز مشروعیت خواهد داشت. این امر در زمان صفویه رخ داد؛ زیرا از یک سو، شاهان صفوی، خود را شاه می خواندند، ولی پذیرش نسبی نیابت عام فقیهان و باور به ولایت عام مجتهدان و اینکه آنها به نمایندگی از فقیهان تنها به اوامر و نواهی آنان اقدام می کردند و از سوی دیگر، تجربه تلخ عالمان از چندین قرن دشمنی دولت ها با تشیع، سبب گشت عالمان و شاهان صفوی برای همکاری با یکدیگر، انگیزه بسیاری داشته باشند. ــرسول جعفریانــ در این باره می‌نویسد:

در تمام دوره صفوی، آموزه های فقهی و سیاسی شیعه این اصل را در میان مردم مطرح می کرد که قدرت اصلی از آن امام معصوم(ع) و سپس از آن فقیه است. در عین حال چه در قالب نظریه همکاری با سلطان عادل یا ستمگر و چه بر پایه این نظریه که سلطان، نایب فقیه باشد، غالب علمای

۱- [۱] . تحفه فیروزیه شجاعیه، ص ۱۶، به نقل از: مقالات تاریخی، ص ۴۲.

شیعه با دولت همکاری می کردند، سمت هایی را عهده‌دار می شدند و برای دوام این دولت دعا می نمودند.(۱)

از سوی دیگر، حمایت شاهان صفوی از تشیع به گونه ای بود که شعار اصلی آنان گسترش تشیع بود و برای گسترش شعایر شیعی در قالب برگزاری مراسم دینی، آبادانی بارگاه امامان، ساختن مسجد، توسعه نماز جمعه و واگذاری موقوفات به عالمان می‌کوشیدند. از این‌رو, دلیلی برای همکاری نکردن عالمان وجود نداشت.(۲) _شاردن_ در این باره می‌نویسد:

نکته قابل توجه اینکه... ایرانیان صادقانه فرمان های پادشاه خود را واجب‌الاطاعه می دانند و به رضا و رغبت فرمان می برند و به تحقیق می توان باور کرد مردم ایران مطیع ترین ملت‌ها نسبت به پادشاه خود می باشند. آنان چنین گمان می کنند... فرمان های آنان را... به شرط اینکه با احکام دین مبانیت نداشته باشد، به ناچار باید پذیرفت.(۳)

نظر یک مسیحیِ بیگانه با فرهنگ مردمِ ایران را نمی توان پذیرفت، ولی می توان دریافت که در دوره صفوی, مردم ایران پیرو شاهان صفوی بودند و این پیروی تنها در سایه مشروعیت نسبی که صفویه در سایه همکاری با عالمان از آن برخوردار شده بودند، تأمین شده بود. با توجه به باور صفویان به ولایت فقیهان، واگذاری این مقام می توانست نقش ویژه‌ای در تقویت وفاق اجتماعی و توجیه ساختار حکومتی صفویان داشته باشد.

۱- [۱] . صفویه در عرصه دین، سیاست، فرهنگ، ص ۱۳۵.

۲- [۲] . جان شاردن، سفرنامه شوالیه شاردن، ترجمه: اقبال یغمایی، تهران، توس، ۱۳۷۴، چ۱، ج ۳، ص ۱۱۴۸.

۳- [۳] . همان.

حکم زیر که از _شاه تهماسب_، برای _محقق کرکی_ صادر کرده، نشان‌دهنده نهایت فروتنی شاهان صفویه است:

بسم اللّه الرحمن الرحیم، حکم امام صادق(ع) است که أنظُرُوا إِلی مَنْ کانَ مِنکُم قَد رَوی حَدِیثَنا وَ نَظَرَ فِی حَلالِنا وَ حَرامِنا... واضح است که حکم مخالفت مجتهدین که حافظان شرع سید المرسلینند, با شرک در یک درجه است. پس هر که مخالف حکم خاتم المجتهدین، وارث علوم سیدالمرسلین نایب ائمه المعصومین... کند و در مکان متابعت نباشد, بی شایبه ملعون و مردود در این آستان ملک آشیان مطرود است و به سیاسات عظمیه و تأدیبات بلیغه مؤاخذه خواهد شد.(۱)

همین نوع همکاری در زمان شاه عباس صفوی با عالمانی چون _شیخ بهایی_ و _میرداماد_ به چشم می‌خورد. مهم‌ترین مقام های رسمی که در ساختار حکومتی صفویان به عالمان شیعه واگذار شد، عبارت بود از: مقام های شیخ الاسلامی، صدر، قاضی.(۲)

شاردن این مقام ها را چنین معرفی می کند:

صدر در کلیه موضوعاتی که با امور معنوی رابطه داشته باشد، اختیار تام دارد. همچنین بر همه امور موقوفات و چگونگی عمل ناظرانشان نظارت می‌کند... شیخ الاسلام [پس از صدر عامه و صدر خاصه] سومین شخصیت

ص:۹۱

۱- [۱] . میرزا محمدباقر خوانساری اصفهانی، روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات، قم، اسماعیلیان، ۱۳۹۱ه_ . ق، ج ۴، صص ۳۶۲ و۳۶۳.

۲- [۲] . انگلبرت کمپفر، سفرنامه کمپفر، ترجمه: کیکاووس جهانداری، تهران، نشر شرکت افست «سهامی عام»، ۱۳۶۰، چ۲، صص ۱۲۲ و ۱۲۴.

مـذهبی و قضـایی است. شـیخ الاسـلام داور همه دعـاوی مـدنی و کلیه اختلافـاتی است که به نوعی با قوانین مـدنی پیوسـتگی دارد... .(۱)

در آغاز دوره قاجار، _فتـح‌علی‌شاه_ بسـیار کوشـید خود را نماینده عالمان معرفی کند. در همین زمینه ضـمن پاسخ به _میرزا مهدی مجتهد_ که خواستار رفع محاصره مشهد شده بود، چنین می‌نویسد:

سلطنت ما به نیابت مجتهدین عهد و ما را به سعادت خدمت ائمه هادین، مهتدین, سعی و جهد است.(۲)

شـیخ جعفر کـاشف الغطـا یکی از این عالمـان شـیعی, نظر خود را درباره حکومت و جنگ ایران و روس این‌گونه بیان می کند:

در صـورت عـدم حضـور امـام معصـوم(ع) بر مجتهـد واجب است که به جهـاد دفـاعی قیـام کنـد و خود یـا شخصـی به اذن او فرماندهی و رهبری جنگ را به عهده گیرد.... اکنون که روس های پست به خاک مسلمانان هجوم آورده اند، بر همه اشخاص اهل تدبیر و سیاست و غیره واجب است که بجنگند و چون اذن گرفتن از مجتهد موافق احتیاط است، به سـلطان بن سلطان بن خاقان، فتح‌علی شاه اذن می دهم که آنچه برای هزینه

ص:۹۲

۱- [۱] . سفرنامه شوالیه شاردن، ج ۳، صص ۱۳۳۶ و ۱۳۳۷.
۲- [۲] . حامد الگار، نقش روحانیت پیشرو در جنبش مشـروطیت، ترجمه: ابوالقاسم سری، تهران، توس، ۱۳۵۵، چ۱، ص ۷۹، به نقل از: رو ضه الصفای ناصری ، ۳۷۹/۹.

جنگ لازم است، تأمین کرده و بر همه لازم است که سلطان را اطاعت کنند.(۱)

کاشف‌الغطا، با اشاره به مشروعیت نداشتن ذاتی حکومت فتح‌علی شاه، او را تنها فرمانده جنگ می‌داند و از دیگران می‌خواهد که پیرو او باشند.

شیخ جعفر نجفی نیز به شاه اجازه سلطنت داده و او را نماینده خود معرفی کرده بود، مشروط به اینکه شاه در گروه های نظامی، مؤذنی قرار دهد و امام جماعتی در لشکر حضور یابد و هفته ای یک‌بار آنها را پند دهد.(۲)

میرزای قمی، مجتهد شیعی دیگری است که ضمن تکریم شاه، وجه تکریم و احترام خود نسبت به او را این‌گونه بیان می کند:

عمده دل‌خوشی و مایه تسلی خود را وجود ذی‌جود سلطان اعظم و... می داند و این نه از برای تحصیل منصب و جاه است و نه به طمع جمع مال و رسیدن به نعمت و عیش و رفاه است، بلکه چون ایشان را دین‌پرور و شریعت‌گستر یافته... .(۳)

با وجود دوستی شیخ جعفر کاشف‌الغطا با فتح‌علی شاه و تقدیم کتابش به وی، هرگز حکومت او را حکومت اصیل اسلامی نمی دانست و نمی گذاشت شاه بدون تأیید عالمان، حکومت خود را مشروع بخواند.(۴)

۱- [۱] . کاشف الغطاء، جعفربن‌خطر، کشف‌الغطاء عن مبهمات الشر یعه الغراء ، قم، دفتر تبلیغات حوزه علمیه (مرکز انتشارات)، ۱۴۲۲ه_ . ق، ۱۳۸۰، ص ۳۹۴، به نقل از: حسین‌علی منتظری، مبانی فقهی حکومت اسلامی، ترجمه و تقریر: محمود صلواتی، تهران، کیهان، ۱۳۶۷، ج۱، ص ۴۹.

۲- [۲] . نقش روحانیت پیش رو در جنبش مشروطیت، ص ۷۸، به نقل از: قصص العلماء، ص ۱۴۱.

۳- [۳] . عبدالهادی حائری، نخستین رویارویی اندیشه گران ایران، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۲، ج۲، صص ۳۵۶ و ۳۵۷.

۴- [۴] . همان، صص ۳۲۹ و ۳۳۰، به نقل از: کشف الغطاء، صص ۲۰۳ _ ۳۹۴.

شایـد این امر، یکی از علـل فراهم نشـدن بستر وفـاق ملی در زمان قاجاریه باشـد. در زمان دیگر شاهان قاجار، نقش وفاق ملی کم‌رنگ‌تر شد. امتیازهای قاجاریه به غرب و شـکل گیری مشـروطه، اصل مشـروعیت قاجاریه را زیر سؤال برد و وفاق اجتماعی آسیب دید. این امر سبب شد دولت ایران ناتوان شود و کشور آسیب‌های بسیاری ببیند.

ب) احترام مسئولان حکومت به علما و حمایت از آنان

همکـاری عالمـان بـا شاهان، عامل مشـروعیت‌بخشـی به حکومت و فراهم شـدن وفاق اجتماعی است. حال اگر این عامل به هر دلیلی نادیـده گرفته شود و عالمان, حاکم را تأییـد نکننـد، باز می توان عامل دیگری را یافت که وفاق اجتماعی را پدید آورد. آن عامـل، احـترام به عالمـان از سـوی حاکمـان است. در این صـورت, مردم نیز بـا حاکمـان همکـاری می کننـد و هم‌بسـتگی اجتماعی شکل می گیرد. نمونه هایی از این نوع وفاق اجتماعی در زمان صفویه و قاجاریه رخ داد.

یک ـ عصر صفویه:

اقتـدار عالمـان در زمـان شـاه‌عبـاس، نسـبت به زمان شاه‌تهماسب انـدک بود، ولی شاه‌عباس به عالمان محترمانه می‌نگریست و عالمـان بسـیاری بـا او هم‌نشـین و از جایگـاه ویژه‌ای برخـوردار بودنـد. معروف‌ترین و اثرگـذارترین عالمـان این دوره، ـشـیخ بهایی‌ـ، ـمیرمحمد باقرداماد‌ـ و ـملّاعبدالحسین کاشی‌ـ هستند که بیشتر هم‌نشین او بودند. ـعالم آرای ــــعباسی‌ـ درباره شیخ بهایی چنین می نویسد:

فرید عصـر و وحید دهر شـیخ بهاءالدین محمد... از مشایخ عظام جبل عامل و در جمیع علوم و فنون به تخصیص فقه و تفسیر و حدیث و عربیت فاضل و

ص:۹۴

دانشمند بود... بعد از آنکه جناب شیخ [شیخ زین‌الدین، ـشهیدثانیـ] به جهت تشیع به دست رومیان به درجه شهادت رسید، مشارالیه از وطن مألوفه به جانب عجم آمده به عز مجالست مجلس بهشت آیین شاهی معزز گردید، منظور انظار عنایات گوناگون گشت. در اقامت نماز جمعه که بنا بر اختلافی... مدت های مدید متروک و مهجور بود, به سعی بلیغ به تقدیم رسانید. با جمعی کثیر از مؤمنین به آن اقدام می نمود. آخر منصب شیخ الاسلامی و تصدی شرعیات و حکومت به نیابت ممالک خراسان، عموماً در دارالسلطنه... اقدام می نمود.(۱)

قدرت مقام صدارت و شیخ الاسلامی عالمی مانند محقق کرکی به گونه‌ای بود که شاه‌تهماسب به محقق‌کرکی می گوید:

شما اصل و اساس حکومت هستید و به حکومت سزاوارترید؛ زیرا شما نایب امام زمان(عج) و من از عمال شما هستم که تنها به امر و نهی شما قیام می کنم.(۲)

شاه‌تهماسب با فرمانی که به امیران و وزیران خود می‌دهد، دست محقق کرکی را در عزل و نصب باز می گذارد. او چنین می گوید:

مقرر فرمودیم که سادات عظام و اشراف فخام و امرا و سایر ارکان دولت, مؤمی الیه را [محقق کرکی] مقتدا و پیشوای خود دانسته، در جمیع امور اطاعت و انقیاد به تقدیم رسانیده، آنچه بدان امر نماید, مأمور و آنچه نهی نماید, منهی بوده، هرکس را از متصدیان امور شرعیه ممالک محروسه و عساکر

۱- [۱] . اسکندر بیک منشی، عالم آرای عباسی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۷۷ ، چ۱، ج۱، ص ۲۴۷.
۲- [۲] . روضات الجنات فی احوال العلماء السادات، ج ۴، ص ۳۶۱.

منصوره عزل نمایند, معزول و هر که را نصب نماید, منصوب دانسته، در عزل و نصب مزبورین به سند دیگری محتاج ندانند.(۱)

شاه‌عباس به میرداماد نیز بسیار علاقه داشت و در سفرها از جمله زیارت عتبات عالیات و لشکرکشی ها، او را با خود می برد.(۲)

دو ــ عصر قاجاریه

فتح‌علی‌شاه قاجار نیز چنین ویژگی داشت. احترام فوق العاده فتح‌علی شاه به عالمان سبب شد وفاق اجتماعی شکل بگیرد. ــحامد الگارــ درباره این دوره می نویسد:

از این پس سیاستی پایدار را می بینیم که علاقه‌مند به نفوذ روحانیت است و با انجام اعمال دینی در پی کسب تأیید آنان است و شفاعت آنان را می پذیرد.(۳)

در حقیقت, عالمان شیعه در این دوره، قدرت شاهان را نامشروع می دانستند، ولی آن را در طریقی می یافتند که خود می خواستند. البته طبیعی است که فتح‌علی شاه نیز سود خود را می جست و می توانست با حمایت عالمان و پیروان آنان، به‌گونه ای مشروعیت به دست آورد. ــعبدالهادی حائریــ در این باره چنین می‌نویسد:

دل‌بستگی فتح‌علی شاه به امور و شعایر مذهبی و نیاز وی به مشروعیت بخشیدن به حکومت دودمان قاجار خود به خود دوستی نزدیک وی با علما و سر نهادن بر بسیاری از خواسته های آنان را به همراه داشت.

۱- [۱] . همان، ص ۳۶۴.

۲- [۲] . فلسفی، نصرالله، زندگانی شاه عباس اول ، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۷۱، چ ۵، ج ۳، ص ۸۸۵ .

۳- [۳] . نقش روحانیت پیش رو در جنبش مشروطیت ، ص ۷۸.

تاریخ‌نگاران آن دوره همه از بنیادگذاری و بازسازی بنیادهای مذهبی، آراستن زیارت گاه ها، زراندود ساختن گنبد امامان و امامزادگان در ایران و عتبات به وسیله فتح‌علی شاه سخن آورده اند.(۱)

حامد الگار به کارهای مذهبی بسیار شاه برای راضی نگه‌داشتن عالمان اشاره می کند که کوتاه و گذرا آنها را برمی... شماریم:(۲)

اول _ واگذاری دادگاه‌های قضایی در امور شرعی به عالمان؛

دوم _ تزیین و تعمیر بارگاه امامان و امام زادگان و ساختن مسجد؛

سوم _ سفارش و تشویق به نوشتن کتاب های مذهبی؛

چهارم _ پذیرش شفاعت عالمان؛

پنجم _ اختصاص درآمد موقوفات به امور مذهبی؛

ششم _ همکاری عالمان با شاه در ماجرای جنگ های ایران و روس.

عاملی که بیش از دیگر عوامل، زمینه های همکاری عالمان شیعه را با شاهان در این دوره فراهم ساخت، تهدید خارجی بود. فتح‌علی شاه و جانشین وی، _عباس میرزا_ با پذیرش این همکاری توانستند از پشتوانه فتوای مراجع شیعه در جهاد با کافران بهره‌مند شوند.(۳)

پس از مرگ فتح‌علی‌شاه، پیوند عالمان با شاهان قاجار تیره شد و وفاق اجتماعی آسیب دید. تقریباً از آغاز حکومت محمدشاه، رنجش های عالمان آغاز گشت و در یک روند صعودی، در نهضت مشروطه به اوج خود رسید. _جان فوران_ در این باره می‌نویسد:

۱- [۱] . نخستین رویارویی اندیشه گران ایران ، ص ۳۵۶.

۲- [۲] . نقش روحانیت پیش رو در جنبش مشروطیت، صص ۶۳-۷۱.

۳- [۳] . نخستین رویارویی اندیشه‌گران ایران ، صص ۳۵۸ - ۳۶۲.

مناسبات دولت و روحانیت در طول سده نوزدهم (۱۱۷۹ - ۱۲۷۹) بین دو قطب همکاری و رویارویی در نوسان بوده است. اگرچه در این دوره نیز میان حکومت و علما، همکاری هایی وجود داشته است، اما به تدریج, در میان علما یک گرایش مخالف به وجود می آید. این گرایش به تدریج افزایش می یابد، به حدی که علما با مداخله در سیاست به صراحت از تکفیر شاه در صورت تغییر ندادن روش خود سخن می گویند و بالاخره با زیر سؤال بردن مشروعیت حکومت قاجار, زمینه های پیدایش نهضت تنباکو و بعداً عدالت‌خانه را فراهم می کنند.(۱)

به دلیل دوری حاکمان با عالمان، ماجرای تنباکو و نهضت مشروطه، شکل گرفت. این شکاف, سال های بسیاری جامعه را ملتهب نگه داشت و با پدید آمدن گسست های اجتماعی، آثار زیان‌بار فراوانی به‌جا گذاشت.

ج) دین‌داری حاکمان و جلوگیری از منکرات

وفاق اجتماعی با مشروعیت نظام پیوندی ناگسستنی دارد و از آنجا که ایرانیان, پیرو تشیع هستند، بهترین و تنها وسیله مشروعیت بخشی به نظام، نمایندگی از طرف فقیهان است. ازاین‌رو، یکی دیگر از عوامل وفاق اجتماعی، پای بندی مذهبی حاکمان سیاسی است.

این پای بندی را در تاریخ ایران، تنها در زمان صفویه می توان یافت و با مروری بر زندگی شاه‌تهماسب صفوی درمی‌یابیم که او در مقایسه با دیگر شاهان صفوی، در دوره سلطنت پنجاه ساله اش, به تشیع اعتقاد داشت و برای گسترش آن می کوشید. او از همان دوران جوانی به «توبه» روی آورد. در

۱- [۱] . جان فوران، مقاومت شکننده، ترجمه: احمد تدین، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۷، چ۱، صص ۲۲۰ و ۲۲۱.

احسن التواریخ چنین آمده است: «و اندر این سال [۹۳۹] شاه دین پناه از جمیع مناهی توبه کرد».(۱)

شاه‌تهماسب در _تذکره_, توبه خود را که آثار بسیاری داشت، به رؤیای صادقه ای نسبت می دهد که هنگام تشرف به زیارت امام رضا(ع) دیده است.(۲) برخی نویسندگان این دگرگونی روحی را تحت تأثیر مرحوم محقق کرکی می دانند. احتمالاً_ پس از همین تحول روحی بود که فرمان‌های شاه درباره امر به معروف و نهی از منکر صادر شد. در _احسن التواریخ_ چنین آمده است:

فرمان همایون شرف نفاذ یافت که محتسبان آبروی پیاله و جام عقوبت انجام را ریخته, شیشه ناموس... ایشان را به سنگ افسوس زنند... اگر سرکشی کند، گردن او را نرم سازند, بلکه به حکم کُلّ مُسکِرٍ حَرامٌ بوزه و بنگ (دو نوع مادّه مخدر) و هر چه ببینند, بیندازند. بی‌معنی گوی را اگر بی‌قانون شرع آواز کند, چون مغنی به زخم گوشمال, فریاد از نهاد او برآورند و چنگ بی‌ننگ را در کنار هر کس ببینند, موی گیسوی ببرند... و مبلغ که از قمارخانه و شراب‌خانه و بیت‌اللطف (فاحشه‌خانه) حاصل می شد, از دفتر اخراج نمودند.(۳)

این نخستین فرمان شاه تهماسب درباره امر به معروف و نهی از منکر بود و پس از این، فرمان‌های بسیاری درباره امر به معروف و نهی از منکر صادر کرد.(۴)

ص:۹۹

۱- [۱] . حسن بیک روملو، احسن التواریخ ، تصحیح: عبدالحسین نوایی، تهران، بابک، ۱۳۵۷، ص ۳۲۳.

۲- [۲] . تهماسب بن اسماعیل بن حیدری صفوی، تذکره شاه تهماسب، مقدمه: امراللّٰه صفری، تهران، شرق، ۱۳۶۳، صص ۲۹ و ۳۰.

۳- [۳] . احسن التواریخ، ص ۳۲۳.

۴- [۴] . صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست ، صص ۳۷۲-۳۸۱.

علایق دینی شاه‌عباس و تلاش‌های او برای گسترش مذهب تشیع به اندازه جدش، شاه تهماسب نبود، ولی همین کارهایش نیز در گسترش ارزش ها، هنجارها، مناسک و رسم‌های دینی اثرگذار بود. البته برخی شاهان از این مسئله سوءاستفاده می کردند و برای رسیدن به قدرت، خود را به دین پای بند نشان می دادند. برای نمونه، رضاخان پیش از آنکه به سلطنت برسد، خود را طرفدار دین معرفی کرد تا مردم از او حمایت کنند. او در این راستا، پس از کودتای سال ۱۲۲۹م. که فرمانده دیویزیون قزاق گشت، دو اعلامیه منتشر کرد که یکی از اعلامیه‌ها، دارای نه ماده بود که با جمله «من حکم می کنم» آغاز شده بود. در این اعلامیه چنین آمده است:

ماده ششم ــ تمام مغازه های شراب‌فروشی و عرق‌فروشی، تئاتر و سینما، فتوگراف ها و کلوپ های قمار باید بسته شود و هرکه مست دیده شود, به محکمه نظامی جلب خواهد شد.(۱)

همچنین پس از شکست طرح جمهوری خواهی، در اعلامیه دولت که رضاخان صادر کرد، از عالمان تجلیل شد و خود را پیرو عالمان و طرفدار حکومت اسلامی نشان داد.(۲) او در بخش هایی از این بیانیه می گوید:

لیکن از طرف دیگر چون یگانه مرام و مسلک شخصی من از اولین روز, حفظ و حراست عظمت اسلام و استقلال ایران و رعایت کامل مصالح مملکت بوده و هست... و چون من و کلیه آحاد و افراد قشون از روز نخستین, محافظت و صیانت ابهت اسلام را یکی از بزرگ‌ترین وظایف و نصب العین خود قرار داده و همواره درصدد آن بوده ایم که اسلام روز به

۱- [۱] . حسین مکی، تاریخ بیست ساله ایران، تهران، علمی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۳۶.

۲- [۲] . همان، صص ۵۴۶ و ۵۴۷.

روز رو به ترقی و تعالی گذاشته و احترام مقام روحانیت کاملاً رعایت و محفوظ گردد... .(۱)

ـ حسن اعظام قدسی ـ، از رجال دوره رضاخان درباره تظاهر رضاخان به دین‌داری چنین می نویسد:

سردار سپه پس از موفقیت های فوق‌الذکر به فکر افتاد که حالا باید توجه مردم را به خود جلب و معتقد به خود نماید و بهترین راه هم اعمال مذهبی، خاصه عزاداری است که عامه طبقات متوجه خواهند گردید. من الاتفاق ماه محرم که عموم مردم مشغول عزاداری [هستند] و مجالس در تمام تهران دایر است. سردار سپه روز دهم محرم ـ عاشورا ـ دسته قزاق [را] با یک هیئت از صاحب منصبان در جلو و افراد با بیرق ها و کتل با نظم و تشکیلات مخصوص از قزاق خانه حرکت [کردند و از] میدان توپ خانه، خیابان ناصریه به بازار آمده، صاحب منصبان در جلو و جلوی آنها سردار سپه با یقه‌باز و روی سرش کاه و غالب آنها به سرشان گِل زده بودند و پای برهنه وارد بازار شدند و دسته سینه‌زن از افراد، چند قدم ایستاده، نوحه‌خوان می خواند و افراد سینه می زدند.

پر واضح است که مشاهده این حال در مردم خوش باور خالی از تأثیر نبود و شخص وزیر جنگ از این پس بین عامه مردم یک شخص مذهبی و مخصوصاً پای‌بند به عزاداری که ایرانیان خیلی به آن علاقه مند می باشند، معرفی شده... بعضی از وعاظ و روضه خوان ها روی منابر از او

۱- [۱] . همان.

تعریف و او را دعا می کردند. مردم از زن و مرد متوجه می شدند که وزیر جنگ به روضه می آید.(۱)

رضاخان کوشید با به کارگیری سفارش های لازم برای به دست آوردن وجهه مذهبی، به قدرت برسد. او برای رسیدن به هدف‌های خود و اجرای برنامه های بیگانگان، تظاهر به دیانت کرد, به‌گونه‌ای که بسیاری گمان می کردند رضاخان می‌خواهد حکومتی اسلامی پدید آورد. ـداوود امینی ـ در این باره می نویسد:

رضاخان در ماه رمضان برای اینکه توجه مردم را به دین داری خود جلب کند، به روزه گرفتن فرمان داد و کارکنان سازمان های نظامی و انتظامی را به ادای فرایض مذهبی وادار کرد و حتی به منظور رعایت دقیق موازین شرعی، ناظر شرعیات تعیین کرد.(۲)

د) نقش علما در قالب ولایت فقیه در وفاق اجتماعی

پیش از آنکه به اهمیت نقش ولایت‌فقیه در وفاق اجتماعی ایرانیان بپردازیم، لازم است تا به وضعیت تاریخی ولایت در ایران باستان بنگریم؛ زیرا ذهنیت تاریخی ملت، هویت واقعی آن ملت را شکل می‌دهد که در تمام مراحل تاریخ می تواند نقش اساسی ایفا کند.

یک ـ وضعیت تاریخی ولایت در ایران باستان

فرهنگ و تمدن ایران، با شکل‌گیری دولت مادها و اقتدار آن در جهان باستان، پس از سرنگونی دولت آشوری، شکلی سیاسی ـ روحانی یافت. در گذشته, برای

ص:۱۰۲

۱- [۱] . حسن اعظام قدسی (اعظام الوزاره)، خاطرات من یا تاریخ صد ساله ایران، تهران، کارنگ، ۱۳۷۹، ج۲، صص ۶۹۲و۶۹۳.

۲- [۲] . داود امین، چالش های روحانیت با رضاشاه، تهران، نشر سپاس، ۱۳۸۲، صص۷۷ و ۷۸.

مشروعیت مقام پادشاهی، از «فره ایزدی» یاد می‌شد. فره(۱) در فارسی میانه به معنای لطف بی‌واسطه حق به انسان است. فره با نور و درخشندگی ارتباط دارد و به صورت هاله نوری بر گرد سر شهریاران و امشاسپندان و قدسیان است و به آنها قداست و عظمت معنوی می بخشد.(۲)

شیخ‌اشراق ــ شهاب‌الدین سهروردی ــ در رساله پرتونامه می گوید:

هر پادشاهی حکمت بداند و بر نیایش و تقدیس نورالانوار مداومت کند چنان‌که گفتیم او را فره کیانی بدهند و فره نورانی بخشند و بارق الهی او را کسوت هیبت و بها بپوشاند، و رئیس طبیعی عالم شود، و او را از عالم اعلی نصرت رسد و خواب و الهام او به کمال رسد.(۳)

در نگاه ایرانیان باستان، بر اساس نظریه «اصالت تفضل» و «فره‌انگاری», مبنای حقانیت ریاست و پیشوایی و ملاک صحت و مشروعیت آن، عقل و فهم مشترک همگانی و منقولات و مأثورات نیست، بلکه لطف و تفضل ایزدی است و چنین انگاشته می شود که به حکمت محض الهی شامل حال برخی فرمانروایان می شود.

حکمت محض است اگر لطف جهان آفرین

منم گفت با فره ایزدی

خاص کند بنده ای مصلحت عالم را

همم شهریاری و همم موبدی

۱- [۱] . Farah.

۲- [۲] . محمد مددپور، آیین فرهی شهریاری و دین‌داری از ایران باستان تا ایران اسلامی، مندرج در مؤلفه‌های هویت ملی در ایران، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۱، صص ۵۴ و ۵۵.

۳- [۳] . همان، ص ۵۵.

فره در حکمت معنوی باستانی ایرانی، به صورت هاله نورانی گرد سر به نمایش در می آید و از نظر وجودی نیز از سوی محل آفرینش فرشتگان و مکان جاویدانان و دین مزدیسنا، ظهور و به صورت فروهر(۱) جلوه می کند.(۲)

این مراتب، در حکمت معنوی ایران باستان، بنیاد حکمت نبوی و آیین شهریاری است. بر اساس همین مبنای نظری، عالَم ایرانی، در گذر زمان، روحی ویژه یافت که نسبت به دیگر قومها و ملت‌های شرقی، لطیف تر و متعادل است. در این عالم، آدمی دو نسبت طولی و عرضی دارد. از طول با عالم بالا پیوند دارد و از عرض با عالم پایین. ذاتاً انسان از حقیقت ماورایی بهره مند است و مؤید به فروهر یا آنچه در دین‌های ابراهیمی، روح یا روح‌القدس می‌نامند و از آنجا نسبتی با خلق پیدا می کند که حق تصرف در آنها را می یابد. این مرتبه‌های معنوی چنان در روح قوم‌های ایرانی ریشه داشت که تا عصر حاضر استمرار یافته است.

تفکر فره‌اندیشانه، در دوره‌های گوناگون تاریخی حفظ شده و در عصرهای گوناگون، همانند دوره باستان، دوره اسلامی و دوران جدید، روح ایرانی جاودانه در جست‌وجوی فره و تفضل الهی بوده است. حتی در حیات دنیوی در پی بهشت گم‌شده بود. ولایت و حکمت نبوی و ولاییِ عصر اسلامی، استمرار همان معنای قدسی فره و نسبت طولی آیین فرهی است و جست‌وجوی اساطیر ایران باستان یا بازگشت به هویت دینی در دو گرایش عصر جدید، به شکلی احیاکننده همان جهان به گونه ای دیگر است. هیچ گاه روح ایرانی،

۱- [۱] . در زبان پهلوی، فروهر در اصل مرکب از دو جزء فره یا فرا، به معنای «پیش» و «هر» است که معنای پوشاندن و نگه‌داری کردن و پناه بخشیدن است. زرتشتیان معتقدند که فروهر هر یک از آفریدگان نیك این گیتی را در جهان مینوی زیرین بیافرید و هریك به نوبه خود برای نگه‌داری آن آفریده جهان خاکی فرو می فرستد و پس از مرگ آن افریده فروهر او دیگر بار به سوی آسمان گراید و به همان پاکی ازلی بماند. (همان، ص ۵۶)

۲- [۲] . همان.

تسلیم جهان یونانی و دنیای مدرنیته از دوران ایلغار اسکندر تا ایلغار تمدن غربی نشد.(۱)

در ایران باستان، مفهوم فره و فروهر، هر دو به معنای شأن انسان کامل است. یکی, مرتبه پیامبری و خرد و دانش است و دیگری, مرتبه امارت و سیاست و رهبری و شهریاری. روح ایرانی با نوعی اندیشه طولی ولایی که با جهان بالا پیوند دارد و معرفت را امری اعطایی می‌پندارد و به‌گونه‌ای جهان بالا را با جهان پایین متصل می گرداند، شکل می گیرد.

دو ــ پیوند روح ایرانی با مفهوم ولایت الهی

با ورود اسلام به ایران، تفکر و آیین فره مزدایی، در ساحت شهریاری و دین داری و نمایندگی خلافت خداوندی (خلیفه الهی) در جهان اسلامی و دین و سنت وحیانی شرقی استمرار می یابد. خلافت الهی در اسلام با «ولایت» و «وِلایت» نسبت دارد. دومی به معنای سیاست و حکومت و امامت مردم به سوی حق است؛ حقی که انسان در مرتبه ولایت بدان نزدیک می‌‌شود. روح‌القدس، چونان فره ایزدی، انبیا و اولیا را حمایت می کند.(۲)

بنابراین، روح ایرانی که در حقیقت هماهنگ با روح اسلامی بود، در شش قرن در فرهنگ های بیگانه نفوذ کرد. این نفوذ در عصر سلجوقی به اوج خود رسید و در عصر ایلخانی با توجه به فضای تسامح و تساهل ایجاد شده، توانست باطن خود را نشان دهد و با گرایش به مذهب تشیع، چهره واقعی خود را آشکار کند.

۱- [۱] . همان، ص ۵۷.

۲- [۲] . همان، ص۵۸.

در جهان جدید، ایران اسلامی نیز همانند جهان ایران باستان، سرنوشت انسان ها به دست انسان دیگری، مثل خودشان سپرده نمی شود (حتی اگر دارای بیشترین رأی باشد) و کسی همانند دیگران حق حکومت کردن بر مردم ندارد. آنچه سبب مشروعیت حکومت بر انسان ها می شود, اتصال به منبع وحی و خداوند است. تمام سلسله های پیش از صفویه که بر این ملت حکومت کردند, تنها بر اساس زور نظامی بوده و در میان مردم هیچ جایگاهی نداشتند و هیچ گاه مردم آنها را مشروع ندانستند و با رغبت احکام آنها را اجرا نکردند؛ در این میان، ایرانیان که دنبال حق و حقیقت بودند؛ با آشنایی با اسلام اصیل یعنی مذهب تشیع به راحتی بدان گردن نهادند و با وجود تنگناهایی که برای شیعیان وضع کرده بودند, گرایش مردم ایران به مذهب تشیع رشد صعودی داشته است. به‌گونه‌ای که تا پیش از صفویه، بیش از نیمی از مردم ایران بدان گرویده بودند. در تمام این قرن‌ها, شیعیان به حکم امامان معصوم(ع) گردن نهادند و در زمان غیبت بنا بر فرمایش امام معصوم(ع) از نواب عام آن حضرت پیروی کردند.

سه ـ ولایت فقیه و وفاق اجتماعی

ایران و روح ایرانی هیچ گاه به دنیای نامقدس تعلق خاطر پیدا نکرد. شاهان صفوی با آنکه دولت شیعه تشکیل داده بودند, ولی تا زمانی که امضای فقیهان پای حکومت صفوی بود، وفاق اجتماعی بر جامعه ایران حاکم بود. زمانی که شاهان صفوی راه بی تقوایی را پیش گرفتند و رأی هوای نفسانی را بر نظر عالمان ترجیح دادند، مردم از آنها فاصله گرفتند و وفاق اجتماعی آسیب دید تا اینکه در زمان ـ سلطان حسین صفوی ـ، به پایین ترین درجه خود تنزل کرد.

ص:۱۰۶

در ابتدای قرن حاضر نیز در نهضت مشروطه تا امضای علما و مراجع تقلید نجف زیر ورقه مشروطه قرار نگرفت، امر مشروطه پیش نرفت. زمانی که افراطیون مشروطه با اعدام شیخ_ فضل الله نوری_ و ترور سید _عبدالله بهبهانی_, حضور عالمان را نادیده گرفتند، مشروطه نیز دفن شد و استبداد رضاخانی پدید آمد. در حقیقت, استبداد رضاخانی, نتیجه نهایت هرج و مرج ناشی از ضعف بیش از حد وفاق اجتماعی در دوره عصر مشروطه بود. در دو دوره حکومت پهلوی نیز وفاق اجتماعی در ایران، بسیار آسیب دید، به گونه‌ای که در حمله متفقان به ایران، مردم ایران به دولت کمک نکردند و ارتش رضاشاه نیز حتی یک روز نتوانست مقاومت کند.

۲. ملیت

به باور استاد مطهری برای ایجاد یک ملت؛ یعنی برای رسیدن به درد مشترک، طلب مشترک، آرمان مشترک و احساس جمعی، لازم است افراد آن ملت باید بتوانند این مقوله ها را در خود احساس کنند تا حالت «آرمانی و متعالی» برای آنها ایجاد شود.ایشان معتقد است:

این عوامل اساسی و جوهری وقتی در میان مردمی القا شد و احساس و وجدان مشترکی را پدید آورد، روح و زیربنای ملیت آماده می شود. این زیربنا نیازمند قالبی است که همان حدود و ثغور مادی، طبیعی و قراردادی یک ملت را می سازد. پاسداری از عوامل اساسی و جوهری مستلزم حفاظت و نگه‌داری قالب از دخالت و نفوذ بیگانه است. بیگانه ای که در جوهر با یک ملت اختلاف دارد و درد و داعیه او را نمی شناسد.(۱)

ص:۱۰۷

۱- [۱] . خدمات متقابل ایران و اسلام , صص ۲۳ _ ۲۶.

بنابراین, جا دارد مشخص شود شاهان صفوی برای ایجاد هم‌بستگی میان مردم و تشویق آنها در جهت هدف‌های خود روی چه عنصرهایی پافشاری کرده اند.

نقش ملیت در وفاق اجتماعی عهد صفوی

بی گمان، موفقیت شاه‌اسماعیل صفوی، مرهون عوامل گوناگونی بود که یکی از این عوامل، تکیه شاه‌اسماعیل روی ملیت بود. تقریباً همه در ایرانی بودن شاه‌اسماعیل اتفاق نظر دارند. «شیخ صفی و پدرانش تا آنجا که به راستی شناخته می باشند، از بومیان آذربایجان و زبان ایشان آذری می بوده و ترکی که شاه‌اسماعیل با آن شعر می سرود، بعداً در آن خاندان رواج یافته است».(۱)

ایرانیان پس از اینکه دریافتند شاه‌اسماعیل نه به عنوان رئیس یک قبیله، بلکه به عنوان یک ایرانی،(۲) برای وحدت ملی و الغای سیطره خلافت سنّی(عثمانی) می کوشد، با او همراه شدند و از آن به بعد شاهان صفوی را یاری کردند و شاهان صفوی نیز با احترام به ایرانیان در تحکیم هم‌بستگی ملی کوشیدند. _پتروشفسکی_ در کتاب_ اسلام در ایران_ می نویسد:

اگر قزلباشان از پشتیبانی توده های مردم به ویژه روستانشینان و صحرانشینان ایرانی برخوردار نمی گشتند، موفقیتی به‌دست نمی آوردند.(۳)

راجر سیوری نیز از زنده شدن هویت ایرانی پس از قرن ها سخن گفته است:

ص:۱۰۸

۱- [۱] . احمد کسروی، شیخ صفی و تبارش, بی جا، جار، بهمن ۲۵۳۵ شاهنشاهی، ص ۴ .

۲- [۲] . ایران عصر صفوی ، ص ۲.

۳- [۳] . ایلیا پاولویچ پتروشفسکی، اسلام در ایران، ترجمه: کریم کشاورز، تهران، پیام، ۱۳۵۴، چ ۴، صص ۳۹۲ و ۳۹۳.

از زمان یزدگرد سوم... آخرین پادشاه ساسانی... به مدت ۸۵۰ سال، ایران از استقلال کامل سیاسی برخوردار نبود و تنها با تشکیل حکومت صفویان بود که هویت ملی ایران زنده شد.(۱)

در طول این ۸۵۰ سال، خلافت سنّی، ایران را به گونه ای تحقیرآمیز, عجم و تاجیک می‌نامید.(۲) به طور کلی, شرق شناسان از صفویان به عنوان اولین دولت ملی ایران نام می برند.(۳) _والتر هینتس_ در کتاب _تشکیل دولت ملی در ایران_ چنین می نویسد:

شاه اسماعیل پس از حدود ۹ قرن عدم حکومت ملی در ایران، توانست اولین حکومت ملی در ایران را تأسیس کند.(۴)

لرد استانلی _آف الدرلی_ نیز می نویسد:

[شاه اسماعیل] ایرانِ پرهرج و مرج را وحدت بخشید و ملیت ایرانیان را احیا کرد.(۵)

شاه اسماعیل به عنوان یک ایرانی از قزلباشان که بیشتر ترک بودند، استفاده ابزاری کرده و پس از تحکیم قدرت، خود را شاه نامید و به تدریج, قدرت را از قزلباشان ستاند و به ایرانیان سپرد. البته نقش ترکان آناتولی در تحقق هدف های شاه اسماعیل و اثرگذاری آنان در ساختار سیاسی _ فرهنگی انکارناپذیر است, به گونه ای که ترکی مدت ها زبان دربار شاهان صفوی (نه

۱- [۱] . ایران عصر صفوی ، ص ۲.

۲- [۲] . نک: شاه‌اسماعیل اول، صص ۶۷۸ و ۶۷۹.

۳- [۳] . ای. پ. پتروشفسکی، تاریخ ایران در سده های میانه، ترجمه: سیروس ایزدی و حسین تحویلی، تهران، دنیا، ۱۳۵۹، چ ۱، ص ۸۶ .

۴- [۴] . والتر هینتس، تشکیل دولت ملی در ایران ، ترجمه: کیکاووس جهان داری، تهران، خوارزمی، چ۱، ۱۳۶۱، ص ۸۸ .

۵- [۵] . باربارو ژوزافا و دیگران، سفرنامه های ونیزیان در ایران، تهران، خوارزمی، ۱۳۴۹، چ ۱، ص۱۵.

زبان اداری) بود.(۱) فرهنگ و اندیشه ترکمانان تحت تأثیر فرهنگ ایرانی بود و سادات آل کیای گیلان در تربیت شاه... اسماعیل، نقش داشتند. (۲)

شمس الدین لاهیجی، یکی از عالمان شیعه لاهیجان، وظیفه تربیت و تعلیم شاهاسماعیل را برای سال های طولانی به عهده داشت. بی گمان, لاهیجی توانست در شخصیت شاگرد خود اثر بگذارد. لاهیجی همان شخصی است که پس از به قدرت رسیدن شاهاسماعیل، به مقام صدارت رسید. او شخصیتی شیعی و جزو شاگردان و مریدان فقیه معروف, _شیخ احمد بن فهد حلّی_ بود.(۳)

در واقع, رهبری سیاسی که قزلباشان آسیای صغیر و شام و همچنین قوم ایرانی تالش را سازمان دهی کرد، شاهاسماعیلِ ایرانی بود و ایرانی بودن او یکی از ویژگی هایی بود که سبب شد ایرانیان با آرامش خاطر، او را بپذیرند و چنان‌که پتروشفسکی تصریح می کند, اگر ایرانیان از او حمایت نمی کردند، جنبش موفق نمی شد. جالب این است که سلطان بایزید، پادشاه عثمانی در نامه هایی که به شاهاسماعیل می نویسد، به این نکته ظریف اشاره می کند. او در نامه ای چنین می نویسد:

ایرانیان نیز ملتی بوده و هستند که تا پادشاه از نجبا و از خودشان نباشد، به میل، انقیاد و اطاعت نمی کنند و می خواهند که پادشاه آنها در یکی از پایتخت های ایران، ساکن شده، خود را ایرانی بشناسد.(۴)

۱- [۱] . صفویه از ظهور تا زوال، ص ۲۲.

۲- [۲] . میشل مزاوی. م، پیدایش دولت صفوی، ترجمه: یعقوب آژند، تهران، نشر گستره، ۱۳۶۸، چ۱، ص ۲۱.

۳- [۳] . ه. ر. رویمر، تاریخ ایران، دوره صفویان، ترجمه: یعقوب آژند، تهران، جامی، ۱۳۸۰، چ ۱، ص ۱۵.

۴- [۴] . شاه اسماعیل اول (بخش ضمایم)، ص ۸۱۵ .

شاه‌اسماعیل هنگامی که در پانزده سالگی به سلطنت رسید، _حسین بیک___ ___شاملو_ را که از مردم شام بود، به‌سمت امیرالامرایی برگزید و وی را پس از شش سال از مقام وکالت که حکم نیابت سلطنت را داشت، عزل کرد و این مقام را که بالاترین مقام سیاسی پس از پادشاه بود و همه امیران قزلباش و مقام های درباری پیرو آن بودند، به _امیرنجم رشتی_ سپرد و این روش تا پایان عمر شاه ادامه یافت. همچنین شاه‌اسماعیل برخی مقام های مهم کشوری و لشکری را که قزلباشان مجبور به اطاعت از آن مقام ها بودند، به ایرانیان واگذار کرد.(۱)

اینکه بخشی از قدرت به قزلباشان واگذار شد، برای آن بود که آنان شاه را در روزگار کودکی پناه داده بودند و بر این اساس، شاه‌اسماعیل از نظر عاطفی, خود را مدیون آنان می دانست. البته به دلیل مصلحت سیاسی و نظامی، شاه می خواست با اعطای قدرت به قزلباشان, آنها را همچنان به عنوان بازوی نظامی خود که البته در آن هنگام بی بدیل بود، حفظ کند. شاه... عباس پس از یافتن جانشینی مطمئن که آنها را نیروی سوم می نامند، قدرت قزلباشان را به شدت کاهش داد. بنابراین، نقش ترکان آناتولی را می‌توان ابزاری و موقت دانست. ایرانی بودن شاه‌اسماعیل و دیگر شاهان صفوی و گرایش متقابل آنها و ایرانیان سبب شد تا پس از رسیدن به قدرت، به رسم شاهان ایرانی، خود را شاهنشاه ایران بخوانند(۲) و برخی مظاهر تمدن ایران باستان را تبلیغ و ترویج کنند که به برخی از آنان اشاره می شود:

۱. جشن نوروز که هر سال برگزار می شد؛

۱- [۱] . ایران عصر صفوی ، ص ۳۵.

۲- [۲] . تاریخ ایران در سده های میانه ، ص ۳۹۲.

۲. جشن آب‌پاشان که گفته می شود میان شاهان قدیم ایرانی رواج داشته است؛

۳. آیین سپند که رسمی در دوره باستان بوده است؛(۱)

۴. چوگان بازی.(۲)

«عامل مهم دیگری که شاه‌اسماعیل را مصمم به واگذاری مقام وکالت به امیر نجم رشتی کرد، علاقه رو به تزاید او به ایران و ایرانی بود. ولایت هایی را که او تصرف می کرد, جزو خاک ایران بود. پس از پیروزی های اولیه, افراد بیشتری علاوه بر ساکنان تالش از کردان و لران به سپاهیان او پیوستند و بخش قابل توجهی از سپاه او را تشکیل دادند و او نیز خود را شاه ایران می دانست و خود را به رسم شاهان پیشین ایران، شاهنشاه خواند. او به شاهنامه فردوسی علاقه داشت و به فارسی نیز شعر می گفت. او در کلیه سال ها، نوروز عید باستانی ایران را جشن گرفت... از پنج پسر خود نام چهار نفر آنان را تهماسب، بهرام، سام و رستم گذاشت که همه آنها نام های ایرانی بودند».(۳)

با تقویت ملیت ایرانی، به تدریج قدرت از دست قزلباشان خارج شد، به گونه ای که در دوره شاه عباس، نقش مهمی نداشتند.(۴) پتروشفسکی در این باره بر این باور است:

شاه به خاطر تحکیم قدرت مرکزی به طرف مأموران کشوری گرایش پیدا کرد، مأمورانی که ذکر کردیم تماماً از مردم فارس زبان بودند. نقش رهبری کننده سیاسی در دولت در وابستگی به این نکته از دست عنصر

۱- [۱] . صفویه از ظهور تا زوال ، ص ۲۳۵.

۲- [۲] . نصرالله فلسفی، شاه عباس اول، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۷۱، چ ۵، ج ۱ و۲، صص ۶۹۱ _ ۶۹۷.

۳- [۳] . شاه اسماعیل اول ، ص ۶۰۷.

۴- [۴] . سفرنامه پیترو دلاواله ، ص ۳۵۰.

کوچ نشین ترک _ آذربایجانی به دست عنصر اسکان یافته ایرانی رسید. وزیر _ حاتم بیک اردوبادی دستیار اصلی شاه‌عباس اول بود. شاه‌اسماعیل اول با حمایت از عنصر ایرانی برای رشد نیروهای مولده ولایت های ایرانی دولت و پیش از همه، ولایت مرکزی، عراق عجم و شهر عمده آن اصفهان.... می کوشید.(۱)

پیترو دلاواله نیز در سفرنامه خود چنین می نویسد:

شاه برای اتفاقاتی که در گذشته روی داده است، نه تنها با خویشاوندها، بلکه با تمام قزلباشان سخت کینه می ورزد و تا حد امکان قدرت را از دست آنها گرفته است.(۲)

۱- [۱] . تاریخ ایران در سده های میانه؛ ص ۹۸.

۲- [۲] . سفرنامه پیترو دلاواله ، ص ۳۵۰.

فصل پنجم: همراه با برنامه سازان

نقش رسانه در زمینه وفاق اجتماعی

امروزه رسانه های گروهی[(۱)] نقش حساس و سرنوشت سازی در تضعیف یا تقویت وفاق اجتماعی هر جامعه‌ای دارد. رسانه های گروهی می توانند با فرهنگ سازی و تقویت یا تضعیف برخی هنجارها، ارزش ها و باورها، نوعی هم‌بستگی اجتماعی را برای رابطه مردم با مردم و پیوند مردم با حکومت و نظام سیاسی پدید آورند یا به وفاق آسیب برسانند. امریکایی‌ها در زمینه اثرگذاری فرهنگی بر مردم و فرهنگ‌سازی و گسترش ارزش های خود، از راه وسایل ارتباط جمعی و تولید فیلم های سینمایی، بیش از دیگر کشورها موفق بوده‌اند. پژوهش‌های اخیر نشان می دهد که حتی در کشورهای اروپایی نیز فیلم های امریکایی، تماشاگران بسیاری دارد. این کار که با شعار جهانی‌سازی انجام می‌شود، می تواند نوعی احساس تعلق نسبت به دولت‌مردان امریکایی در میان ملت های دنیا به وجود آورد, به گونه‌ای که بسیاری از مردم دیگر

۱- [۱] . mass media.

کشورها به جای آنکه به حکومت خود، علاقه‌مند بوده و پاسبان منافع خود باشند، به شعارهای سازمان های بین‌المللی توجه می کنند. با گسترش تلویزیون و ماهواره و سازمان دهی ساختار تلویزیونی در همه کشورها، از جمله جهان سوم، این اثرگذاری فرهنگی گسترش یافت. ـتامسونـ در کتاب ـانتقالـــ فرهنگی یا امپریالیسم الکترونیکیـ(۱) نشان می دهد که چگونه اثرگذاری برنامه های تلویزیونی امریکایی بر تلویزیون های اروپا در حال گسترش است. قدرت صدا و سیما به اندازه... ای است که به تدریج, اعضای جامعه به جای دریافت اطلاعات آموزنده و فعال شدن قدرت تفکر آنها، آرام آرام منفعل می‌شوند و در حقیقت, رسانه های گروهی برای سرنوشت مردم تصمیم خواهند گرفت.(۲) اثرگذاری وسایل ارتباط جمعی در زمینه هم‌بستگی و وفاق اجتماعی, کوتاه‌مدت و بلندمدت است. پی‌آمدهای کوتاه‌مدت در قالب الگوی محرك ـ پاسخ بحث می شود. رسانه‌های جمعی می‌توانند حالت احساسی مخاطبان خود را تغییر دهند. رسانه ممکن است «اثر انگاره‌سازی» یا «اثر اطلاعاتی» داشته باشد که به آن, یادگیری از راه تماشا گفته می شود. در واقع, این نوع اثر، واکنش مقلدانه است و اطلاعات مربوط به رفتاری را ارائه می کند که برخی مخاطبان، خواهان پیروی از آن هستند. پی‌آمدهای بلندمدت شامل حساسیت زدایی یا حساسیت زایی است(۳) که با گسترش برخی ارزش ها، وفاق اجتماعی را بین مردم نهادینه می‌کند یا از شدت آن می‌کاهند. برای نمونه, صدا و سیما می تواند در زمینه رواج آداب برادری آن گونه که اسلام می خواهد, فعالیت و در فیلم ها و سریال ها، مهربانی و حسن معاشرت یا

ص:۱۱۵

۱- [۱] . Thomse n, ۱۹۸۹: Cultural Transfer or Electronic Imperialism.

۲- [۲] . نک: فرامرز رفیع‌پور، وسایل ارتباط جمعی و تغییر ارزش‌های اجتماعی، تهران، کتاب فرا، ۱۳۷۸, صص ۵ و ۸ .

۳- [۳] . نک: جمعی از نویسندگان، خشونت و جامعه، ترجمه: اصغر افتخاری، تهران، سفیر، ۱۳۷۹، صص ۳۲۶ و ۳۲۹.

محسنات همکاری را بیان کند یا برعکس, بداخلاقی، بدزبانی، تک‌روی و خودپسندی را مطرح سازد.

بنابراین, نقش صدا وسیما در زمینه وفاق اجتماعی بسیار اهمیت دارد؛ زیرا گستردگی مخاطبان صدا و سیما بیش از هر رسانه دیگری است و این گستردگی مخاطبان, مسئولیت این رسانه را سنگین می کند.

نقد و عملکرد رسانه در زمینه وفاق اجتماعی

یکی از مسائل مهم برای رسانه های گروهی، آگاه شدن از مقدار علاقه مندی مردم به برنامه های ساخته شده و شمار مخاطبان هر برنامه و همچنین سنجش میزان اثرگذاری برنامه ها در تغییر یا حفظ ارزش های اجتماعی است. بنابراین، درباره بررسی عملکرد رسانه به ویژه تلویزیون معمولاً از بینندگان نظرسنجی می کنند تا دریابند برنامه ها چقدر مطلوب بوده است.

باید در نظر داشت که ارزیابی بینندگان هرگز برای بررسی و ارزیابی اثرگذاری وسایل ارتباط جمعی برای تغییر ارزش ها و فرهنگ یک جامعه قابل اعتماد نیست؛ زیرا بینندگان به طور عام، قدرت تشخیص ارزش های صالح برای یک نظام اجتماعی سالم را ندارند و در صورتی که ارزیابی ارزش ها به بینندگان واگذار شود، هرکس مایل است آنچه از آن بیشتر لذت می برد، به ارزشی فراگیر تبدیل شود.

افراد به نتیجه رفتار خود نمی‌اندیشند و هواهای نفسانی و منافع فردی برایشان بسیار مهم است. چه بسا منافع فردی افراد آسیب جبران‌ناپذیری به وفاق اجتماعی وارد سازد و سبب از هم‌گسیختگی اجتماعی شود. همواره افرادی بوده اند که به دلیل جلب منافع بیشتر برای ملت‌های بیگانه جاسوسی

کرده و زیان‌های جبران ناپذیری به کشور خود وارد ساخته اند که خانواده اردشیرجی(۱) نمونه ای از این دست است.

شیوه ارزیـابی برنـامه هـا در کشور مـا درست نیست؛ زیرا بر اساس این روش نیز نظام ارزشـی جامعه تغییر می کند(۲) و آموزه های خاصی رواج می یابد.

ممکن است صـدا و سیما در زمینه وفـاق اجتمـاعی به سازمـان هـای جهـانی و افکـار عمومی دنیا، توجه و در تبلیغ بسـیاری از عوامل وفاق اجتماعی کوتاهی کند. یکی از عوامل اصلی وفاق اجتماعی، تأکید بر آموزه های مکتب تشیع است. رسانه های ما نباید برای حفظ وحدت مسلمانان، از برخی اصول تشیع کوتاه بیایند که پی‌آمدهایی منفی دارد.

پیشنهادهای کلان

برای اهمیت موضوع، برنامه ریزان باید هدف‌مند وارد صحنه شوند و برای اهداف زیر آگاهانه تلاش کنند:

۱. برای ایجاد وفاق اجتماعی میان مردم با تبلیغ روحیه همکاری و برادری و مسلمان‌دوستی و تولّی و تبرّی؛

۲. تبلیغ برای فرهنگ انتظار و تبلیغ داستان های زندگی ائمه(ع)؛

۳. گسترش فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر؛

۱- [۱] . وی در سـال هـای طولانی حضور در ایران, در بسـیاری از دگرگونی‌ها و رخ‌دادهای سـرنوشت ساز، حضور جـدی و فعـال داشت. شـرکت در راه‌انـدازی لژ بیـداری ایران، حضور در نشـست‌هـای انجمن هـای پنهانی عصـر مشـروطه، زمینه سازی تحصن در سـفارت انگلستان، گسترش گرایش به بهاییت در میان زرتشتیان (که سبب شد زرتشتیان ایران اعتراض کنند)، نفوذ در نیروی قزاق و گزینش و هـدایت رضاخـان میرپنـج برای انجـام کودتـا و کمک به او برای رسـیدن به سـلطنت, گوشه ای از کارهای اردشیر جی بود که عمق اثرگذاری و نفوذ این جاسوس کهنه‌کار را در دگرگونی‌های سیاسی ایران آشکار می سازد. در سال های بعد, جای خالی وی با حضور فرزندش, شاپورجی پر شد و او نیز مانند پدر در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در ایران, نقش داشت. اردشـیر جی، مجری سیاست لابی صهیونیستی قدرت‌مندی بود که در رأس هیئت دولت انگلستان و حکومت هند بریتانیا قرار داشت.

۲- [۲] . نک: وسایل ارتباط جمعی و تغییر ارزش‌ها, صص ۹ و ۱۰.

۴. ترسیم مرزهای خودی و غیرخودی؛

۵. نمایش نمادهای اسلامی در فیلم ها و تبلیغ آنها، همانند نماز خواندن بازیگران و حساسیت آنها نسبت به جشن‌ها و عزاداری‌ها.

این موردها باید به صورت نامحسوس، لابه‌لای برنامه ها پخش شود؛ زیرا یکی از موردهایی که تلویزیون می تواند اثر مهمی بگذارد، بهره‌مندی از محرک های نامحسوس است. پژوهش‌ها در زمینه ادراک و روان‌شناسی نشان داده اند که اگر مقدار اندک و نامحسوسی از محرکی به انسان منتقل شود، انسان آن محرک را درک نمی کند. از این اندیشه در وسایل ارتباط جمعی و تبلیغات استفاده می شود، به گونه‌ای که بسیاری از محرک ها(۱) و یادگیری ها زیر مرز ادراک و وقوف به مخاطب منتقل می شود. از این قانون می توان در ارائه تصویری زشت یا زیبا از یک شخصیت یا یک اخلاق و حتی یک گروه سود جست.

پیام هم‌بستگی را می توان در فیلم ها و سریال ها گنجاند, به گونه‌ای که موضوع فیلم، وفاق اجتماعی نباشد، ولی در ضمن داستان به موردهایی همانند لزوم همکاری در کارهای خیر، بدی همکاری با شرور، لزوم پیروی از ولایت فقیه پرداخت مسئله دیگر سانسور است که باید به آن توجه ویژه ای شود. باید جلو پخش برنامه هایی را که به وفاق اجتماعی آسیب می رساند یا آموزه های تشیع را زیر سؤال می برد و سبب درگیری فرقه ای و تعصب‌های قومی می شود، گرفته و به خبرهایی که چنین پی‌آمدهایی دارد، اجازه پخش نداد.

پرسش‌های مردمی

۱. چه کار کنیم که مردم با هم مهربان باشند؟

۲. صدا و سیما چگونه می تواند در ایجاد محبت و هم‌بستگی موفق باشد؟

۱- [۱] . Stimulus.

۲. آیا برنامه های طنز سبب دشمنی میان اعضای خانواده نمی شود؟

۳. فیلم های سینمایی موجود سبب هم‌بستگی و وفاق جمعی می شود یا به هم‌بستگی آسیب می‌رساند؟

پرسش‌های کارشناسی

الف) تاریخی

۱. ایرانی ها در طول حیات خود با چهار بحران بزرگ روبه‌رو بودند که هر کدام می توانست وفاق اجتماعی و هویت ایرانی آنها را تحت تأثیر قرار دهد. برخورد ایرانی ها با هرکدام از این بحران ها متفاوت بوده است. در بحران عربی، ایرانی ها اسلام را پذیرفتند، ولی در برخورد با بحران غربی، پس از گذشت دویست سال، هنوز مفاهیم غربی را نپذیرفته اند. این تفاوت ناشی از چیست؟ چرا ایرانی ها در برابر تمدن اسلام از خود نرمی نشان دادند, ولی در برابر تمدن غرب مقاومت می کنند؟

۲. چرا پس از اسلام، وفاق جمعی در میان ملت ایران شکل نگرفت و ملت مستقل با حاکمیت سیاسی مستقل در قرن‌های نخست پدید نیامد؟

۳. چگونه در ایران که دین‌ها و قوم‌های گوناگون وجود دارند و در دوره هایی نیز حاکم بودند، تشیع در هویت‌بخشی به ایرانیان نقش داشت؟

۴. چرا ایرانیان آیین شیعه را برگزیدند؟

۵. پیوند مفهوم «نظریه ملیت» و «خلافت» با وفاق اجتماعی چگونه است؟

۶. آیا اکنون نمی توان کسانی را یافت که فارسی زبان نیستند، ولی ایرانی‌اند؟

ب) حقوقی

۱. اگر تشیع را مبنای هویت ایرانی و وفاق اجتماعی در ایران بدانیم، اقلیت ها چه وضعیتی دارند؟

۱. آیا اقلیت ها و اهل سنت، شهروند درجه دوم خواهند بود؟

ج) جامعه شناختی

۱. در طول تاریخ، ایران, سرزمینی گسترده بوده است. از این‌رو، زبان و تشیع چگونه می تواند معرّف هویت های ملی باشد؟

۲. آیا شیعه شدن در شکل گیری ملیت اثر دارد؟

۳. چه کنیم که اقلیت های دینی، به اندازه شیعیان به هم‌بستگی ملی بیندیشند؟

۴. آیا تأکید بر عامل تشیع سبب جنگ داخلی شیعه و سنّی نمی شود؟

۵. چه اشکالی دارد که به جای تأکید بر عامل تشیع که وجود دارد و نیازی به تبلیغ نیست، دیگر عوامل همانند زبان مشترک پرچم، نژاد، باستان گرایی، رسم‌های باستانی را گسترش دهیم؟

د) روان شناسی

۱. آیا احساس تعلق خاطر نسبت به دیگران با امر به معروف و نهی از منکر که لازمه آن خشونت است، سازگار است؟

۲. آیا خط کشی دور خود و پدید آوردن دایره خودی و غیرخودی سبب کینه‌توزی و پراکندگی نمی شود؟

ص:۱۲۰

کتاب نامه

 قرآن کریم.

 نهج البلاغه، صبحی صالح و فیض الاسلام.

۱. آزاد ارمکی، تقی، _اندیشه اجتماعی متفکران مسلمان_، تهران، سروش، چاپ دوم، ۱۳۷۶.

۲. آوینی، سید مرتضی، _آغازی بر یک پایان_، تهران, ساقی، ۱۳۷۸.

۳. ابن بابویه, محمد, _ثواب الاعمال و عقاب‌الاعمال_, قم, نسیم کوثر, ۱۳۸۲.

۴. ابن خلدون، _مقدمه_، ترجمه: محمدپروین گنابادی، تهران, انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۶.

۵. ادیب، محمدحسین، _الروابط الاجتماعیه فی الاسلام_، تهران، مکتبه النینوی الحدیثیه، ۱۹۶۳ م.

۶. اسپناقچی پاشازاده، محمدعارف، _انقلاب الإِسلام بین الخواص و العوام_، به کوشش: رسول جعفریان، قم، دلیل ما، چاپ اول، ۱۳۷۹.

۷. امینی، داوود، _چالش های روحانیت با رضاشاه_، تهران، سپاسی، ۱۳۸۲.

۸. امینی، محمدحسین, _الغدیر_، تهران, کتاب خانه بزرگ اسلامی، ۱۳۶۳.

۹. باربارو جوزافا و دیگران، _سفرنامه های ونیزیان در ایران_، تهران، خوارزمی، چاپ اول، ۱۳۴۹.

۱۰. براون، ادوارد، _تاریخ ادبیات ایران از صفویه تا عصر حاضر_، ترجمه: ابراهیم مقدادی، تهران، مروارید، چاپ اول، ۱۳۶۹.

۱۱. بشیریه، حسین، _انقلاب و بسیج اجتماعی_، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۴.

۱۲. بیانی، خان‌بابا، _تاریخ نظامی ایران، جنگ‌های دوره صفویه_، تهران، چاپ‌خانه ارتش، بی تا.

۱۳. بیرو، آلن، _فرهنگ علوم اجتماعی___، ترجمه: باقر ساروخانی، تهران، کیهان، چاپ دوم، ۱۳۷۰.

پارسادوست، منوچهر، _شاه اسماعیل اول_، تهران, شرکت سهامی انتشار، چاپ اول،

۱۴. ۱۳۷۵.

۱۵. پتروشفسکی، ای. پ. ، _تاریخ ایران در سده های میانه_، ترجمه: سیروس ایزدی و حسین تحویلی، تهران, انتشارات دنیا، چاپ اول، ۱۳۵۹.

۱۶. _اسلام در ایران_، ترجمه: کریم کشاورز، تهران، پیام، چاپ چهارم، ۱۳۵۴.

۱۷. ترنر، جاناتان اچ. ، _پیدایش نظریه جامعه شناسی_، ترجمه: عبدالعلی لهسایی زاده، شیراز، فرهنگ، چاپ اول، ۱۳۷۱.

۱۸. تنهایی، ابوالحسن، _درآمدی بر مکاتب و نظریه های جامعه شناسی_، تهران، مرندیز، چاپ اول، ۱۳۷۱.

۱۹. جانسون، چالمرز، _تحول انقلابی_، ترجمه: حمید الیاسی، تهران، امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۶۳.

۲۰. جعفریان، رسول، _مقالات تاریخی_ (دفتر هفتم)، قم، انتشارات دلیل ما، چاپ اول، ۱۳۷۹.

۲۱. ______________، ___تاریخ ایران اسلامی___، (___دفتر سوم: از یورش مغولان تا زوال)_، تهران، مؤسسه فرهنگی و اندیشه معاصر، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۲۲. ______________، ___صفویه از ظهور تا زوال_، کانون اندیشه جوان، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۲۳. ______________، ___صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست_، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، چاپ اول، بی‌تا.

۲۴. جمعی از نویسندگان، _خشونت و جامعه_، ترجمه: اصغر افتخاری، بی‌جا، سفیر، ۱۳۷۹.

۲۵. چلبی, مسعود، _وفاق اجتماعی_، فصل نامه علوم اجتماعی، شماره ۳، بهار ۱۳۷۲.

۲۶. __________، _جامعه شناسی نظم_، تهران، نشر نی، چاپ اول، ۱۳۵۷.

۲۷. حویزی, عبدعلی, _تفسیر نورالثقلین_، قم, دارالتفسیر, ۱۳۸۲.

۲۸. دلّاواله، پیترو، _سفرنامه پیترو دلاواله_، ترجمه: شجاع الدین شفا، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۷۰.

۲۹. دهخدا، علی‌اکبر، _لغت‌نامه دهخدا_، تهران، دانشگاه تهران, ۱۳۲۵.

۳۰. دورکیم، امیل، _درباره تقسیم کار اجتماعی_، ترجمه: باقر پرهام، بابل، نشر کتاب‌سرای بابل، چاپ اول، ۱۳۶۹.

۳۱. ربانی، رسول، _جامعه شناسی جوانان_، تهران، آوای نور، ۱۳۸۰.

۳۲. رمضـان نرگسـی، رضـا، _دغـدغه های میشل فوکو درباره انقلاب اسـلامی ایران_، منـدرج در: آموزه کتاب هفتم، شـرق شناسی نوین و انقلاب اسلامی، قم، مؤسسه امام خمینی(ره)، ۱۳۸۴.

ص:۱۲۲

۳۳. روشه، گی، _جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز_، ترجمه: عبدالحسین نیک‌گهر، تهران، مؤسسه فرهنگی انتشارات تبیان، چاپ اول، ۱۳۷۶.

۳۴. روملو، حسن بیک، _احسن التواریخ_، تصحیح: عبدالحسین نوایی، تهران، بابک، ۱۳۵۷.

۳۵. رویمر،ه_. ر، _تاریخ ایران_، _دوره صفویان_، ترجمه: یعقوب آژند، تهران، نشر جامی، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۳۶. ریاحی، محمد امین، _سفارت‌خانه های ایران_، تهران، توسن، چاپ اول، ۱۳۶۸.

۳۷. ریتزر، جورج، _نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر_، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران، انتشار علمی، چاپ دوم، بی‌تا.

۳۸. ریمون, آرون، _مراحل اساسی اندیشه در جامعه شناسی_، ترجمه: باقر پرهام، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۰.

۳۹. ریمون, کیوی، _روش تحقیق در علوم اجتماعی_، ترجمه: عبدالحسین نیک‌گهر، تهران، فرهنگ معاصر، چاپ اول، ۱۳۷۰.

۴۰. سبحانی، محمدتقی، _موانع حضور اخلاق در صحنه مطبوعات_، مجموعه مقالات «رویکرد اخلاقی در رسانه ها»، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها، ۱۳۷۵.

۴۱. سیوری، راجر، _ایران عصر صفوی_، ترجمه: کامبیز عزیزی، تهران، مرکز، چاپ چهارم، ۱۳۷۴.

۴۲. شاردن، جان، _سفرنامه شوالیه شاردن_، ترجمه: اقبال یغمایی، تهران، توس، چاپ اول، ۱۳۷۴.

۴۳. حر عاملی، محمدبن حسن، _وسائل الشیعه_، قم، مؤسسه آل‌البیت الحیاء التراث، ۱۴۱۲ه_. ق.

۴۴. کلینی، محمد بن یعقوب، _اصول کافی_، بیروت._ _

۴۵_._ ______________________________ ، _کافی___، _تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.

۴۶. طباطبایی، سید محمدحسین، _روابط اجتماعی در اسلام_، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۲.

۴۷. طبرسی، الفضل بن الحسن، _مجمع البیان_، بیروت, دارالتراث العربی، ۱۳۷۹ ه_. ق.

۴۸. محقق نوری، حسین, _مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل_، قم، موسسه آل البیت لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ ه_. ق.

۴۹. حیدری صفوی، تهماسب بن اسماعیل، _تذکره شاه تهماسب_، با مقدمه: امرالله صفری، تهران، شرق، ۱۳۶۳.

طوسی، نصیرالدین، _اخلاق ناصری_، به کوشش: مجتبی مینوی و علی‌رضا حیدری,

ص:۱۲۳

۴۷. تهران، خوارزمی، چاپ اول، ۱۳۶۲.

۴۸. یعقوبی، عبدالرسول، _عوامل تقویت و تهدیدگر هم‌بستگی در ایران_، قم، انتشارات مؤسسه امام خمینی(ره)، ۱۳۸۳.

۴۹. حائری، عبدالهادی، _نخستین رویارویی اندیشه گران ایران_، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم, ۱۳۷۲.

۵۰. آمدی ،عبدالواحد، _شرح غررالحکم_، ترجمه: محدث، تهران, دانشگاه تهران، ۱۳۴۸.

۵۱. فارابی، ابونصر، _فصولٌ منتز___عه___ (عربی)_، بیروت، دارالمشرق، چاپ دوم, ۱۹۸۶م.

۵۲. ___________ ، _کتاب آراءِ اهل المدینه الفا___ضله___ (عربی)_، بیروت، دارالمشرق، چاپ ششم, ۱۹۹۱م.

۵۳. فاروق, سومر، _نقش ترکان آناطولی در تشکیل و توسعه دولت صفوی_، چاپ اول، جامی، ۱۳۸۰.

۵۵. فلسفی، نصرالله، _شاه عباس اول_، تهران، انتشارات علمی, چاپ پنجم، ۱۳۷۱.

۵۶. فوران، جان، _مقاومت شکننده_، ترجمه: احمد تدین، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ اول، ۱۳۷۷.

۵۷. فوکو، میشل، _ایرانیان چه رؤیایی در سر دارند___،_ ترجمه: حسین معصومی همدانی، تهران، هرمس، ۱۳۷۷.

۵۸. قدسی، حسن اعظام (اعظام الوزاره)، _خاطرات من یا تاریخ صد ساله ایران_، تهران، کارنگ, ۱۳۷۹.

۵۹. _کتاب مقدس، عهد عتیق_، انجمن پخش کتب مقدس، بی‌جا، ۱۹۸۷م = ۱۳۶۶ش.

۶۰. کسروی، احمد، _شیخ صفی و تبارش_، تهران، بهمن, ۲۵۳۵.

۶۱. کمپفر، انگلبرت، _سفرنامه کمپفر_، ترجمه: کیکاووس جهان داری، تهران، نشر شرکت افست «سهامی عام»، چاپ دوم، ۱۳۶۰.

۶۲. کوزر، لوئیس، _زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی_، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی، چاپ اول، ۱۳۶۸.

۶۳. کوهن، آلوین استانفورد، _تئوری‌های انقلاب_، ترجمه: علی‌رضا طیب، تهران، قومس، چاپ اول، ۱۳۶۹.

۶۴. الگار، حامد، _نقش روحانیت پیش رو در جنبش مشروطیت_، ترجمه: ابوالقاسم سری، تهران، توس، چاپ اول، ۱۳۵۵.

۶۵. گولد, جولیوس و ویلیام ل.کولب، _فرهنگ علوم اجتماعی_، ترجمه: مصطفی ازکیا و دیگران، تهران، مازیار، چاپ اول، ۱۳۷۶.

۶۲. مجلسی، محمدباقر، _بحارالانوار_، تهران، اسلامیه، ۱۴۰۳هـ .ق.

۶۳. محمدی ری شهری، محمد، _میزان___ الحکمه_، قم، دارالحدیث، ۱۴۲۲ هـ . ق.

۶۴. مددپور، محمد، _آیین فرهی شهریاری و دین‌داری از ایران باستان تا ایران اسلامی_، مندرج در: مؤلفه‌های هویت ملی در ایران (مجموعه مقالات)، پژوهش گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران؛ ۱۳۸۱.

۶۵. مزاوی. م، میشل، _پیدایش دولت صفوی_، ترجمه: یعقوب آژند، تهران، نشر گستره، چاپ اول، ۱۳۶۸.

۶۶. مصباح یزدی، محمدتقی، _معارف قرآن (۷)، اخلاق در قرآن_، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی _ پژوهشی امام خمینی(ره)، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۶۷. _آموزش فلسفه_، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ هشتم، قم، ۱۳۷۷.

۶۸. مطهری، مرتضی، _خدمات متقابل اسلام و ایران_، قم، صدرا، چاپ دوازدهم، ۱۳۶۲.

۶۹. معین، محمد، _فرهنگ فارسی معین_، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۰.

۷۰. مکی، حسین، _تاریخ بیست ساله ایران_، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۷۴.

۷۱. منتظری، حسین‌علی، _مبانی فقهی حکومت اسلامی_، ترجمه و تقریر: محمود صلواتی، تهران، کیهان، چاپ اول، ۱۳۶۷.

۷۲. منشی (ترکمان)، اسکندر بیک، _عالم آرای عباسی_، تهران، نشر دنیای کتاب، چاپ اول، ۱۳۷۷.

۷۳. موسوی خوانساری اصفهانی، میرزا محمد باقر، _روضات الجنات فی احوال العلما السادات_، تهران، اسلامیه، ۱۳۵۶.

۷۴. نجفی، موسی، _تکوین و تکون هویت ملی ایرانیان_، تهران، ۱۳۸۵، مندرج در سایت [۱ http://www.korsi.ir].

۷۵. ____________، _مؤلفه‌های هویت ملی در ایران_، تهران، پژوهش گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۱.

۷۶. نراقی، ملا مهدی، _جامع السعادات_، تهران، حکمت، ۱۴۱۴هـ .ق.

۷۷. رفیع‌پور، فرامرز، _وسایل ارتباط جمعی و تغییر ارزش‌های اجتماعی_، تهران، کتاب فرا، ۱۳۷۸.

۷۸. هینتس، والتر، _تشکیل دولت ملّی در ایران_، ترجمه: کیکاووس جهان داری، تهران، خوارزمی، چاپ اول، ۱۳۶۱.

۷۹. وبر، ماکس، _اخلاق پروتستان و روح سرمایه داری_، ترجمه: عبدالمعبود انصاری، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۷۱.

:Links

------

[۱] http://www.korsi.ir

ص:۱۲۵

۸۴. ورسلی، پیتر، _نظم اجتماعی در نظریه های جامعه شناسی_، ترجمه: سعید معیدفر، تهران، مؤسسه انتشاراتی تبیان, چاپ اول، ۱۳۷۸.

۸۵. صدوق، ابن بابویه محمدبن علی_، ___من لا یحضره الفقیه_، قم، بنیاد فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۷ه_ . ق.

۸۶. الحر العاملی، محمد بن حسن _، ___وسائل ___الشیعه_، قم، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، ۱۴۱۲ه_ . ق.

۸۷. صدوق، _ثواب الاعمال و عقاب الاعمال_، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس، ۱۴۰۸ه_ . ق = ۱۳۶۶ش.

۸۸. امام علی(ع)، _نهج‌البلاغه_، نسخه صبحی صالح، انتشارات دارالهجره، بی‌تا.

۸۹. تمیمی، عبدالواحد، _شرح غررالحکم_، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.

۹۰. نراقی، محمدمهدی، _جامع السعادات_، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۸۳ه_ . ق = ۱۹۶۳م.

۹۱. خوانساری اصفهانی، محمدباقر، _روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات_، قم، اسماعیلیان، ۱۳۹۱ه_ . ق.

۹۲. A.S Hornby, OXFORD ADVANCE LEARNER\'S DICTIONARY. OF SOLIDARITY, Fifth edition, Entry ۱۹۹۸.

۹۳. B. Bhushan, DICTIONARY OF SOCIOLOGY Reprint ۱۹۹۲.

۹۴. Allan G. Johnson Theblackwell, DICTIONARY OF SOCIOLOGY, first published ۱۹۹۵.

۹۵. Gould And kolb A DICTIONARY OF THE SOCIAL SCIENCE first published in Britania in ۱۹۶۴.

۹۶. Chalmers Johnson, REVOLOUTIONARY CHANGE, P Boston, ۱۹۶۶.

۹۷. Thomsen, CULTURAL TRANSFER OR ELECTRONIC IMPERIALISM, ۱۹۸۹.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آيا كسانى كه مى‌دانند و كسانى كه نمى‌دانند يكسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹